

نبرد خلق

شماره ۱۹۰
دوره چهارم سال هفدهم
اول فروردین ۱۳۸۰

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

آمریکا کانادا ۱ دلار،
آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

- مهدی سامع

عید نوروز، جشن جنبش بهار را با امید به فرا رسیدن روزهای پر نشاط و شادی برای مردم ایران آغاز می کنیم. آرزوی ما و همه ی کسانی که قلبشان برای سعادت مردم می طبد، این است که سال ۱۳۸۰، سال سرنگونی رژیم اهریمنی ولایت فقیه و تحقق دموکراسی، عدالت، صلح، عشق و دوستی برای مردم ایران باشد. سال گذشته رویدادهای مهمی در عرصه سیاسی در کشور ما اتفاق افتاد که ارائه فهرست وار آن به چند شماره نبردخلق نیاز دارد. سرچشمه و منبع رویدادهای پر تلاطم سال قبل و جدالهای سهمگینی که در صحنه سیاسی کشور، اتفاق افتاد در کلی ترین و اساسی ترین خطوط آن، تضاد بین رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با جنبش ترقیخواه و دموکراتیک مردم ایران است. تمامی رویدادهای سیاسی طی یک سال گذشته، و منجمله رویدادهای سیاسی اسفند ماه نشان داد که:

- خواست اساسی و مقدم مردم ایران در این مرحله، برچیده شدن استبداد مذهبی ولایت فقیه و تحقق آزادی و جدایی دین از دولت است.

- رژیم حاکم به علت ماهیت مادون ارتجاعی و ضد بشری اش قادر به اصلاح، رفرم و استتال از درون خودش نیست.

- اصطلاح طلبان قلابی به طور عام و خاتمی به طور خاص نمی خواهند و نمی توانند که در جهت اصلاحات به سود مردم ایران گامی بردارند. هدف این دارو دسته، همان طور که بارها با صراحت اعلام کرده اند، نجات مردم ایران از فقر و استبداد، بلکه نجات رژیم جمهوری اسلامی از

بحران و بن بست فلاکتباری است که بدان دچار شده است. در آغاز سال گذشته، سید علی خامنه ای در یک ترفند مسخره سال ۱۳۷۹ را سال "امام علی" اعلام کرد. او با آن نامگذاری درصدد برآمد تا در واکنش به هیاهویی که پس از معلوم شدن نتیجه ششمین دوره انتخابات مجلس ارتجاع در میان بخشی از حکومت به وجود آمده بود، نشان دهد که این سید "علی" است که سرنوشت و مقدرات حکومت را تعیین می کند. خامنه ای در سال گذشته تا آن جا که توانست از بزدلی و حقارت اصلاح طلبان قلابی برای اثبات این موضوع استفاده کرد. در روزهای آخر این سال و درست یک روز قبل از سخنرانی خاتمی در مجلس او با ارائه برنامه و تعیین خطوط برای سه قوه، و تعیین مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان ناظر بر امور برنامه ریزی، مجلس ششم را سکه یک پول نمود و در حالی که چند ساعت از صحبت خاتمی در مجلس نگذشته بود، قوه قضائیه تحت امر ولی فقیه، اقدام به دستگیری تعدادی از فعالان سیاسی معروف به "ملی - مذهبی" در طیف نیروهای طرفدار دوم خرداد نمود. خامنه ای در آخرین نماز جمعه سال ۱۳۷۹ برای چندمین بار طی اسفند ماه از "توطئه های پیچیده دشمن" حرف زد و بدون آوردن نام خاتمی، او را خطاب سوژه ای اعلام کرد که دشمنان ولایتش می توانند "یک شخصی از حاکمیت را مورد توجه خودشون قرار بدهند، از او تمجید کنند، از او حمایت کنند، خود را طرفدار او نشان بدهند، شاید بتوانند از این طریق هم دیگران را به او بدین کنند، هم او را به خودشون خوشبین کنند. شکاف در حاکمیت به وجود بیآورند این جزء برنامه های همیشگی تبلیغات دشمنان بوده است." (رادیو رژیم - ۲۶ اسفند)

بقیه در صفحه ۲

عید نوروز، جشن بهار
و آغاز سال ۱۳۸۰
بر شما مبارک باد

بهاران خجسته باد

هوا دلپذیر شد

گل از خاک بردمید

پرستو به بازگشت زد نغمه امید

به جوش آمد از درون رگ گیاه

بهار خجسته باد خرامان رسد ز راه

به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا

به مردان تیزخشم که پیکار می کنند

به آنان که با قلم تباهی درد را

به چشم جهانیان پدیدار می کنند

بهاران خجسته باد

اخبار کارگری

صفحه ۳

مجلس ارتجاع در ماهی که گذشت

صفحه ۴

یادداشت و گزارش

صفحه ۶

ویژه ۸ مارس روز جهانی زن

فرخنده باد ۸ مارس روز پیکار جهانی

زنان برای برابری

بزرگداشت هشتم مارس

زنان د رکانون ستم و استثمار

سیمای زن رها

زنان و مسیر رهایی

هشتم مارس روز جهانی زن

زنان در مبارزه

مبارزه زنان در تاریخ

از صفحه ۷ تا ۱۴

سرمقاله -

صدای پای سرنگونی

در صفحه ۲

محیط زیست «» اندیشه ها

و چشم اندازهها

صفحه ۱۵

خط فقر در ایران

صفحه ۱۷

ادبیات ایران در هزاره دوم

(۱۴)

صفحه ۱۷

در گوشه و کنار جهان

صفحه ۱۸

شهادی قیام ایلام

صفحه ۲۰

دادگاه جنایت علیه بشریت

صفحه ۱۱

اسامی تعدادی از زنان

جنبش پیشتاز فدایی

صفحه ۲۰



برنامه رادیویی جنگ صدا را

در آدرس زیر در شبکه جهانی

اینترنت گوش کنید.

www.jonge-seda.com

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

سرمقاله -

صدای پای سرنگونی

منصور امان
mansour_aman@yahoo.com

سخنان خاتمی در جلسه علنی مجلس ملامها، اگرچه عمدتاً به تکرار کسالت بار سیاه مشق های خط زده شده اش اختصاص یافته بود، اما آنجا که به دگرگونی های ساختاری و فرهنگی جامعه اشاره داشت، حاوی نکات قابل توجهی هم بود. وی از جمله ضمن اشاره به "جدی بودن گرایش به تغییر در جامعه" اظهار داشت: "این مسئله حساسی است که جامعه دارد از یک پیچ بسیار دقیق می گذرد و خواستار تغییر است." خاتمی در توضیح منشاء شکل گیری گرایش مزبور افزود: "جمعیت کشور در سال ۷۶ نسبت به اوائل انقلاب تقریباً دو برابر شده بود و این بدان معنا است که ۷۰ درصد جامعه ما بعد از انقلاب اسلامی در درون نظام جمهوری اسلامی رشد کرده بودند... این وضعیت موجب شده بود نسل یاد شده برداشتها و گرایشهای خاص خود را داشته باشد که با نسل قبل و موجود انقلاب تفاوت داشت." او همچنین "افزایش طبقات متوسط شهری، میل به مصرف گرایی، افزایش بازار کالاهای مصرفی و بخش خدمات" را دلیل دیگر تحول مذکور دانست و گفت: "این مسائل سبب شد تا خواستها و مطالبات در جامعه تغییر کند و مردم و به خصوص طبقه متوسط در کنار مطالبات اقتصادی در پی حقوق و منزلت انسانی و آزادیهای سیاسی و مشارکت در امور جامعه باشند." خاتمی در عین حال این مطالبات را "در قالب ارزشهای دینی و انقلاب اسلامی و مفاهیم برخاسته از انقلاب" دانست. در اینکه ترکیب طبقاتی جامعه ایران دستخوش تغییرات مهمی شده است، جای تردید نیست. و نیز این حقیقت که مضمون مطالبات طیف غالب اجتماعی، هرروز به گونه بی واسطه تری با مبارزه علیه رژیم و سازوکار آن درهم آمیخته می شود، قابل انکار نمی باشد. اما اعتراف به شکل گیری این جبهه از سوی رئیس جمهور "نظام" - صرف نظر از اینکه چه هدفی را از طرح آن دنبال می کند - چیزی جز اعلام علنی ورشکستگی و فرورفتن جمهوری اسلامی در گرداب سرنگونی نیست.

کشف دیر هنگام خاتمی، هرگز به معنای تازه رس بودن این پدیده نمی باشد. نظامی که خمینی و همدستان او در یک تقابل آشکار با سمت گیری اجتماعی قیام بهمن بنیاد نهادند، با ردای بحران مشروعیت بر دوش، پا به عرصه زندگی گذاشت. از همان

بقیه از صفحه ۱
خامنه ای سپس از اقدامات قوه قضائیه تحت امرش حمایت می کند و می گوید: "یک اقدام فعال مثبت خوبی که یک دستگاهی می کند، هنوز هیچ چی معلوم نشده، ناگهان می بینید یک عده در مقابل او موضع گیری می کنند، علیه او انتقاد می کنند، به او حمله می کنند. خوب این جوری که کاری نمی شه پیش بره." (همانجا). بدین ترتیب خامنه ای بر تمام جنایتهای رژیمش، بر پیگردهای ددمنشانه و بربرمنشانه قوه قضائیه تحت امرش، بر تمامی دستگیریه، شکنجه ها، حلق آویز کردنها، سنگسار کردنها و تمامی جنایتهایی که برای "امنیت" رژیم ننگین ولایت فقیه صورت گرفته، صحنه می گذارد و هر گونه مخالفت، حتی مخالفت بزدلانه بعضی اصلاح طلبان قلابی را به شدت مورد حمله قرار می دهد. با این حال خامنه ای باید مطمئن باشد که دیگر نخواهد توانست مردم را خاموش کند. دشمن واقعی و جدی رژیم ولایت فقیه، مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنان است که با صراحت و بارها اعلام کرده اند که خواستار برچیدن بساط ننگین ولایت فقیه هستند. شکاف بدون علاج در درون نظام ولایت فقیه نه به خاطر "توطئه" های دشمنان خارجی که خامنه ای بسیار اصرار بر آن دارد، بلکه به علت مبارزه اجتماعی و سازش ناپذیر مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنان است. از این رو تلاش خامنه ای و طرفداران ذوب در ولایت او برای کنترل بحران و خروج از بن بست و برگزاری یک انتخابات بی سر و صدا و بدون جدال و کشمکش تلاش مذبحخانه ای بیش نیست. مبارزه قاطعانه مردم ایران در سالی که در پیش داریم، تحریم کامل و قاطع هشتمین انتخابات ریاست جمهوری ارتجاع، شکاف درون رژیم را هر چه بیشتر تعمیق بخشیده و راه نجات مردم ایران از رژیم ستمگر و جبار حاکم را هموار خواهد کرد.

اطلاعیه -

دادستانی بیدادگاههای ولایت خامنه ای، فعالیت "نهضت آزادی" و گروههای پیرامون آن را غیر قانونی اعلام کرد. این اقدام در حالی صورت می گیرد که تمامی فعالان "نهضت آزادی" و گروهها و شخصیتهای پیرامون آن طی بیست و دو سال گذشته همواره به رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و قانون اساسی ارتجاعی آن التزام داده اند.

اقدام امروز دادستانی بی دادگاههای ارتجاعی، بار دیگر نشان داد که رژیم ولایت فقیه هرگز نمی تواند از درون متحول شود. امید بستن به تحول درونی رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما، نه فقط برای مدافعان استحاله رژیم سرانجام نیکی ندارد، بلکه اقدامی علیه عالی ترین مصالح و منافع مردم ایران است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدام سرکوبگرانه اعلام می نماید که تنها راه رهایی مردم ایران، سرنگونی نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه، جدایی دین از دولت و استقرار حکومتی مردمی، دموکراتیک و عدالتخواه می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۲۸ اسفند ۱۳۷۹

می رسد. به راستی نیز در طریق قالب کردن "اشتی اسلام و مردمسالاری" و "اصلاحات در چارچوب نظام" به عنوان نیازها و انتظارات مردم، شانه سائی به واقعیت فقط موجب از جا در رفتن کتف هوچی خواهد بود! میلیونها جوان دانشجو، دانش آموز و بیکار که بدون هیچ چشم انداز روشنی از آینده در حصارهای تنگ جمهوری ملامها به خفقان آمده اند، یقیناً به نقشه های توخالی و قیم مابانه حجت الاسلام خاتمی پوزخند خواهند زد. آنها امروز و فردای خود را در انتظار قهر و آشتی "اسلام" یا آزادی و یا امید به پس مانده های صدقه ای نزاع درونی حکومت، به قربانگاه هیچ عوامفریبی نخواهند برد. "بهمن" گیر جمهوری اسلامی، زیر فشار انوسه خواستهای برآورده نشده مردم، ترک برداشته است. تلاش خاتمی برای کاویدن یک سوراخ اطمینان، در مقایسه با حجم آن چه که حکومت را به چالش فرا خوانده است، نه فقط ناکافی بلکه مضحک هم می باشد.

مستقل از اینکه رئیس جمهور رژیم، مطالبات توده ای را چگونه دفرمه کند و منشاء اجتماعی آنها را نهفته در کجا ارائه دهد، اقرار به وجود نیروی سهمگینی که زنگوله "اصلاحات" را به گردن او آویخته، حائز اهمیت بسیار می باشد. مهم نه به خاطر اعتراف یک کارگزار حکومت به بن بست سیاستهای آن، بلکه دلایلی که او را بدین امر بقیه در صفحه ۱۶

هنگامی که حکومت جدید، ملا - مکلاهای دست چین شده را به جای مجلس موسسان مامور تدوین قانون اساسی نمود، دست تجاوز به آزادیهای بنیادی فردی و اجتماعی گشود، علیه حقوق ملی خلق کرد و ترکمن فرمان جهاد صادر کرد و نیت خویش مبنی بر تبعید حقوقی - اجتماعی زنان به ریزارهای تاجر ۱۴۰۰ ساله اش را آشکار نمود، در برابر نیازها و مطالبات نیروهای محرکه اجتماعی که جنبش سرنگونی شاه را به پیش برده بودند، جبهه گرفت و آنان را در برابر خود یافت.

ترکیب جنگ خارجی و سرکوب داخلی، همه بضاعت سیاسی و تواناییهای عملی "نظام" برای گریز از چهره به چهره شدن با جعل تاریخی وجود خود را بکار گرفت. ابعاد ویرانگر و بی سابقه تدابیری که خمینی و اسلاف او برای تحکیم پایه های قدرت خود، در شرایط فقدان لنگرگاههای اجتماعی اتخاذ کردند، اگر چه از یکسو بیانگر مرزهای از هم گسیخته ارزشی و اخلاقی در پندار عهدبوقی آنان است اما همزمان نشان بی بدیلی از جافتدگی و تکوین مطالبات سرکوب شدگان و دامنه گسترده پافشاری و مقاومت آنها نیز می باشد.

چه کسی بهتر از رئیس قوه مجریه حکومت می تواند از چگونگی، آثار و نتایج این نبرد پیوسته، میان بالا و پائین آگاهی داشته باشد؟ او که خود معلول بن بست راه حلهای پیشین است، اما ترجیح می دهد بجای برشردن پایمالی آنچه که رژیمش را به پشت سنگرهایی از خون و خاکستر توده ها کشانده است، از "قشر متوسط" و مطالبات آنان به عنوان ریشه بحران کنونی "نظام" یاد کند و یا ترکیب سنی جمعیت را به شهادت بطلبد. او این در حالی است که حتی بر طبق آمار رسمی حکومت او پیرامون میانگین رشد اقتصادی، نرخ تورم و نسبت افزایش حقوق بدان، درصد کاهش درآمد واقعی و خط فقر، خطوط تفکیک کننده سطح زندگی اقشار متوسط و خیل میلیونی تهیدستان، بیشتر و بیشتر رنگ می بازد. اعتراضات و اعتصابات کارمندان، معلمان، پرسنل بیمارستانها، شهرداری ها و خدمات عمومی چیزی جز بیان این واقعیت نیست. این شرایط جز در سایه سیاستهای ناپهنجار اقتصادی حکومت و فساد گسترده مالی رهبران آن شکل نگرفته است. رژیم قهر و سرکوب و خلع ید از مردم در واقع حاشیه امنی است که "نظام" برای استمرار این شرایط بوجود آورده است و هم از این روست که تحقق هر مطالبه اقتصادی به گونه اجتناب ناپذیری به دگرگونی در نظم سیاسی موجود به مثابه مانع اصلی، مشروط گردیده است.

شمائی که خاتمی از سازواره اجتماع بدست می دهد بیان کننده حتی نیمی از واقعیت حاکم بر آن هم نیست، اما برای رئیس جمهور رژیم که قصد کرده به نمایندگی از سوی اقشار مورد اشاره اش مطالباتی را مطرح سازد، کافی بنظر

اخبار کارگری

تعطیلی کارگاههای تولیدی

روزنامه رسالت ۶ اسفند مدیرکل امور فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی گفت: ۵۰۰ واحد تولیدی صنعتی کشور با بحران مواجه اند. حجت الاسلام "شهسواری" در گردهمایی مدیران کار و امور اجتماعی استان مازندران افزود: کارگران این واحدها از سه تا نه ماه حقوق و مزایا دریافت نکرده اند. وی تصریح کرد: اگر این بحران در کشورهای دیگر اتفاق می افتاد می توانست برای آنها مشکل جدی ایجاد کند در حالی که در کشور ما هیچ مشکلی برای نظام به وجود نیامد

اعتراض کارگری

روزنامه انگلیسی زبان ایران دیلی ۱۱ اسفند: تعداد ۵۶ کارگر کارخانه پتو و فرش تبریز که به زور به مرخصی رفته بودند در مقابل کارخانه دست به اعتراض علیه آن چه که آنها آنرا کمبود برنامه مشخص می نامند، زدند. در طولماری که توسط کارگران به امضا رسیده بود، آنها از مقامات استانی خواستند که به مشکل آنها رسیدگی نماید. کریم صادقراده مدیرعامل خانه کارگر تبریز از کارمندان خواست که آرامش خود را حفظ نمایند و افزود، متأسفم از اینکه شاهد این هستیم که این کارخانه توسط شیوه های سنتی اداره می شود.

اعتراض کارگران کاشان

روزنامه انگلیسی زبان ایران دیلی ۱۱ اسفند - مهدی حرری فرماندار کاشان گفت، کارگران کارخانه پارچه بافی کاشان از خروج مقامات وزارت کار از دانشگاه کاشان به مدت دوازده ساعت جلوگیری کردند. وی خاطر نشان ساخت که رفتار کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماهانه آنها طی چندین ماه گذشته بوده است. در حال حاضر کارگران در یک اعتصاب سه روزه بصرمی برنند. حرری اضافه کرد که کارخانه مبلغ ۱۰/۷ میلیون ریال بابت حقوق ماهانه پرداخت نشده بدهکاری دارد که توان پرداخت آن را ندارد.

بازداشت ۲۵ نفر در اصفهان

خبرگزاری ایرنا ۱۴ اسفند - دفتر اطلاع رسانی ناحیه انتظامی اصفهان اعلام کرد، در جریان تجمع و راهپیمایی کارگران کارخانه سیمین اصفهان، ۲۵ نفر از متعرضین به پرسنل انتظامی بازداشت شدند. به موجب اعلام این دفتر، در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه تعداد ۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه سیمین تحت عنوان اعتراض به عدم

واحدهای تولیدی خرد و متوسط اختصاص نیافته است.

سرکوب تظاهرات کارگران در تهران

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۱۶ اسفند - حوالی ظهر دیروز چند صد تن از کارگران تهرانی در اعتراض به وضعیت بسیار دشوار معیشتی و عدم پرداخت دستمزدهایشان، از مقابل ساختمان وزارت کار و اموراجتماعی تا حوالی میدان انقلاب دست به راهپیمایی زدند. کارگران در حین راهپیمایی شعارهایی علیه سیاستهای ضدکارگری رژیم آخوندی سر دادند و از سوی مردم و رهگذران مورد حمایت قرار گرفتند.

رژیم آخوندی در هراس از گسترش تظاهرات و بالاگرفتن اعتراضات کارگران، یگانهای نیروی انتظامی را برای مقابله با تظاهرکنندگان به خیابان انقلاب اعزام کردند. ماموران سرکوبگر سراپا مسلح رژیم آخوندی پس از ورود به محل، مسیر تظاهرات را مسدود نمودند و مانع ادامه راهپیمایی شدند. اقدام سرکوبگرانه رژیم آخوندی در مقابل اعتراض کارگران محروم، خشم و نفرت شدید آنان را برانگیخت.

انفجار یک تونل ذغال سنگ

خبرگزاری ایرنا ۱۷ اسفند - با انتقال اجساد دو تن از کشته شدگان در محل انفجار یکی از تونلهای معدن ذغال سنگ البرز مرکزی تعداد قربانیان این حادثه به چهار تن رسید. بر اساس گزارش روز چهارشنبه فرمانداری سوادکوه در این حادثه تعدادی از کارگران معدن نیز مجروح و یا دچار گازگرفتگی شدند. تراکم گازهای ناشی از انفجار در راههای ورودی و خروجی تونلی که در آن انفجار رخ داده است باعث تأخیر در خارج کردن اجساد دو نفر از کشته شدگان شد. استفاده از خرج زیاد مواد انفجاری و تراکم گاز از عللی است که در بررسی اولیه برای علت این انفجار اعلام شده است. معادن ذغال سنگ البرز مرکزی در شهرستان سوادکوه استان مازندران قرار دارد.

اعتراض کارگری

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ اسفند - بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت تولیدی و صنعتی الوان ثابت همدان با ارسال نامه ای به مقامات بلندپایه استان همدان و مدیرعامل این شرکت خواستار احقاق حقوق قانونی خود شدند. کارگران الوان ثابت توزیع نا عادلانه پاداش در این شرکت را بشدت مورد اعتراض قرار داده و اعلام داشتند در سال امام علی(ع) حقوق اقشار کم درآمد ضایع می شود و صاحب منصبان بی درد با بهره گیری از نفوذ خود به بهانه کار

کارشناسی و مدیرینی میلیونها تومان پاداش شرکت را دریافت و کارگران را از سهم خود محروم می سازند.

قراردادهای موقت کار و بحران در وضعیت خانوادگی کارگران

همشهری ۲۲ اسفند - دبیر اجرایی خانه کارگر استان همدان در گردهمایی شوراها و نمایندگان کارگران استان گفت: قراردادهای موقت کار وضعیت خانوادگی کارگران و جامعه کارگری را با مشکلات جدی روبه رو کرده است. به گزارش خبرنگار همشهری در همدان چنگیز اصلانی همچنین افزود: قراردادهای سفید، عمر مفید کارگران را به هدر می دهد و موجب ایجاد ترس و اضطراب در محیط خانوادگی کارگران می شود.

تجمع اعتراض امیز کارگران کارخانه "بافناز اصفهان"

خبرگزاری ایسنا ۲۷ اسفند - در پی عدم اجرای قولهای داده شده و اعلام عدم انجام آن از سوی مدیریت کارخانه صح امروز حدود هزار نفر از کارگران این کارخانه با تجمع در مقابل در ورودی کارخانه باعث بسته شدن خیابان چهارباغ بالای اصفهان شدند. گفتنی است، مدیریت کارخانه نساجی "بافناز اصفهان" در اختیار بنیاد خیریه همدانیان می باشد که از بیش از یک سال گذشته مدیریت جدید این بنیاد زیر نظر حضرت آیت الله مظاهری تشکیل گردیده است. هم چنین کارگران این کارخانه پنجشنبه گذشته نیز دست به تجمع اعتراض امیز دیگری زده بودند که با اقدام مقامات استان و قولهای مساعد مدیریت کارخانه در پرداخت ۶۵ هزار تومان (از ۸۰ هزار تومان) پاداش معوقه کارگران پایان پذیرفت.

حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار

خبرگزاری ایسنا ۲۷ اسفند - شورای عالی کار در جلسه بیستم اسفند ماه خود پس از بحث و بررسی راجع به حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۸۰، در اجرای ماده ۴۱ قانون کار از اول سال ۱۳۸۰ حداقل مزد و تأثیر آن بر سایر سطوح مزدی و نیز کمکهای غیر نقدی و مقررات مربوط به اعطای پایه سنواتی و ارتقا طبقه شغلی کارگران مشمول قانون کار را در سراسر کشور تصویب کرد. بر اساس این مصوبه از اول سال ۱۳۸۰ سایر سطوح مزدی نیز به مأخذ روزانه ۵ درصد مزد ثابت یا مزد مینا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۲۹ هزار ریال نسبت به آخرین مزد سال ۱۳۷۹ افزایش می یابد. بر پایه این مصوبه حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار ۱۸۹۳۰ ریال تعیین شده است.

مجلس ارتجاع در ماهی که گذشت

- آناهیتا الف

پیرامون برخورد با مجلس ششم از همان ابتدا دو دیدگاه و خط مشی کاملاً متضاد در برابر هم صف آرایی کردند. گروهی آن را "مجلس اصلاحات" نامیدند و بنا بر این شرکت در انتخابات و حمایت از کاندیدای "جبهه دوم خرداد" را وظیفه خود دانستند. در مقابل گروهی دیگر از همان ابتدا اعلام کردند که این مجلس نه "مجلس اصلاحات"، بلکه یکی از نهادهای تابع ولایت فقیه و بنا بر این "مجلس ارتجاع" است. گروه دوم تحریم انتخابات و تقویت جنبش اجتماعی مردم ایران برای سرنگونی قهرامیز رژیم را وظیفه خود دانستند و اعلام کردند که این مجلس هیچ گام جدی نمی تواند در جهت خواسته های مردم بردارد و تنها هنر آن تشدید تضادهای درونی نظام است. پیگیری اخبار و رویدادهای مجلس ششم ارتجاع درستی خط مشی دوم را نشان می دهد.

در ماه گذشته مهمترین رویداد برای مجلس ارتجاع، حضور خاتمی و سخنرانی او در روز ۲۱ اسفند بود. قبل از این سخنرانی، پیرامون حرفهای احتمالی خاتمی، پیشگوییهای بسیار شده بود، بعضیها فکر می کردند که رئیس جمهور ارتجاع در سخنرانی خود جناح رقیب را زیر ضرب خواهد برد. اما خاتمی حرفهای گذشته اش را تکرار کرد. خاتمی با کلی گوئی در مورد مواضع نوعی اعلام نمود که او آخرین شانس برای نجات رژیم است و سعی کرد بدین وسیله به ولی فقیه هشدار داده باشد و از او امتیازی کسب کند. او گرچه رسماً حضور خود را در انتخابات آینده ریاست جمهوری اعلام نکرد، اما همه ی ناظران بر این عقیده هستند که او با این سخنرانی خود را کاندیدای انتخابات و تنها شانس نجات رژیم اعلام کرده است. در جریان سخنرانی خاتمی برای اولین بار در طول عمر تمامی دوره های مجلس، نمایندگان با دست زدن به جای "تکیه" حرفهای او را تأیید کردند.

در ماه گذشته جدال بین مجلس و قوه قضائیه هم چنان جریان داشت، ملاقات هیأت رئیسه مجلس با خامنه ای و تعیین هیأتی از سوی مجلس برای مذاکره با نمایندگان قوه قضائیه نیز نتوانست از شدت و حدت این جدال و کشمکش بکاهد. با سخنرانی خاتمی در مجلس کانون اصلی جدال و کشمکش بین جناحهای رژیم پیرامون انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری ارتجاع متمرکز خواهد شد. از این رو از شماره آینده، نبرد خلق نیز رویدادهای مربوط به این انتخابات را دنبال خواهد کرد. در این شماره مهمترین اخبار مربوط به فعالیت مجلس ارتجاع را خواهید خواند.

خبرگزاری ایسنا ۵ اسفند - ابوالقاسم حسینی نماینده برخورد و جاجرم تصریح کرد: بی توجهی به خطراتی که از اطراف ما را احاطه کرده و

کوچک شمردن دشمنان خارجی در کنار بی توجهی به مبانی اخلاقی و چارچوبهای اسلامی و بعضاً خارج شدن از خط قرمزهایی که برای امنیت هر کشوری منصور است، منافع و مصالح ملی را بعضاً در مخاطره قرار داده است.

خبرگزاری ایسنا ۵ اسفند - عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفت: کلیه اعمال وزارت اطلاعات باید در چارچوب قانون تعریف شود و هیچ امری نباید خارج از آن انجام گیرد. رضا یوسفیان نماینده شیراز در زمینه طرح اصلاح ساختار وزارت اطلاعات که در مجلس و دولت پیگیری می شود، افزود: شعار قانون گرایی کلیه وزارتخانه ها از جمله وزارت اطلاعات مورد تأکید رییس جمهوری است

تلویزیون رژیم ۶ اسفند - خامنه ای امروز در دیدار رئیس و اعضای هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی با اشاره به جایگاه والای قانون گذاری مجلس، بر لزوم حفظ این جایگاه تأکید و تصریح کردند مجلس شورای اسلامی باید فضای آرامش، امید و تشنج زدایی از ذهن مردم را به جامعه انتقال دهد.

دوران امروز ۸ اسفند - محمدرضا خاتمی نایب رئیس دوم مجلس درخصوص دیدار روز شنبه اعضای هیأت رئیسه مجلس با مقام معظم رهبری در گفتگو با خبرنگار پارلمانی دوران امروز گفت: این دیدار دیدار خوبی بود و مسائل و نظراتی که از سوی رهبری مطرح شد کارگشا بود. بویژه این که ایشان بر امر نظارت مجلس تأکید کردند و گفتند که مجلس می تواند در تمامی موارد نه جزئیروهای مسلح و ارتش نظارت داشته باشد.

همشهری ۸ اسفند - بهزاد نبوی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که از این پس دفتر حقوقی مجلس شورای اسلامی موضوع احضار نمایندگان را به دادگاهها بررسی خواهد کرد. محمدرضا علی حسینی نماینده نپهناوند گفت: متأسفانه در حال حاضر هیأت رئیسه در حد نامه رسان یک قاضی تنزل پیدا کرده و کار احضار نمایندگان را راحت کرده است.

سایت واحد مرکزی خبر ۹ اسفند - کربوبی در جلسه علنی امروز مجلس، به اصل چهارم قانون اساسی درباره لزوم انطباق همه قوانین و مقررات با موازین اسلامی اشاره کرد و با تأکید بر حاکمیت این اصل بر همه اصول اساسی و قوانین و مقررات دیگر گفت: تشخیص این امر نیز بر عهده فقهای شورای نگهبان است و آن چه شورای نگهبان از قانون اساسی تفسیر می کند برای همه لازم الاجرا است.

روزنامه ایران ۹ اسفند - محمدرضا خاتمی نایب رئیس مجلس و رئیس

فراکسیون مشارکت از ریاست این فراکسیون کناره گیری کرد. رضا یوسفیان نماینده شیراز و عضو فراکسیون مشارکت با اعلام این خبر گفت: عصر دیروز فراکسیون مشارکت تشکیل جلسه داد تا هیأت رئیسه جدیدی انتخاب کند.

خبرگزاری ایرنا ۱۰ اسفند - قرائت نامه رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران در پاسخ به اظهارات اخیر فاطمه حقیقت جو امروز برای دقایقی جو مجلس را متشنج کرد. پیش از قرائت این نامه بهزاد نبوی که ریاست جلسه امروز مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت گفت: بخشهایی از این نامه به دلیل توهین آمیز بودن قرائت نمی شود.

خبرگزاری ایرنا ۹ اسفند - مجید انصاری رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، از اظهارات روز گذشته "عباسعلی علیزاده" رئیس کل دادگستری استان تهران انتقاد کرد و خواستار پیگیری حقوقی این اظهارات شد. رئیس کل دادگستری استان تهران شب گذشته گفت، من و آیت الله شاهرودی تحقیق و تفحص مجلس در قوه قضائیه را قبول نداریم و اجازه این کار را نمی دهیم.

خبرگزاری ایرنا ۹ اسفند - سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی (جلیل سازگارزاد) روز سه شنبه گفت، رهبر معظم انقلاب پیشنهاد کرده اند که مجلس و قوه قضائیه، هیأتی مشترک تشکیل دهند و در فضایی تفاهم آمیز، مسایل فیما بین را حل کنند.

تلویزیون رژیم ۱۰ اسفند - دبیر شورای نگهبان در نامه یی به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد بخشهایی از طرح حفظ حریم دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و حوزه های علمیه و بیوت مراجع تقلید مخالف قانون اساسی و شرع است. آیت الله جنتی در این نامه تصریح کرده است ماده واحده این طرح چون در مواردی موجب به خطر افتادن سلامت و امنیت جان دانشگاهیان و روحانیان و دیگر افراد حاضر در اماکن یاد شده در طرح است و مانع تأمین امنیت و انجام وظیفه قوه قضائیه می شود، مغایر اصول سوم و ۱۵۶ قانون اساسی و خلاف شرع است.

همشهری ۱۵ اسفند - اعضای جدید هیأت رئیسه فراکسیون مشارکت در مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند. در جلسه دیروز این فراکسیون محمد نسیمی پور رئیس فراکسیون شد. سایر اعضای جدید عبارتند از: رجعیلی مزروعی (نایب رئیس)، احمد بورقانی (معاون سیاسی - حقوقی)، نوروززاده (معاون اقتصادی) علی تاجرینا (معاون اجرایی) و فاطمه راکعی (معاون فرهنگی و اجتماعی).

انتخاب ۱۸ اسفند - به گزارش روابط عمومی شورای نگهبان، طرح اصلاح ماده ۳ قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور تحت عنوان اعزام دانشجویانی که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند، با در نظر گرفتن ظرفیت دانشگاه ها و امکانات ارزی ورشته های مورد نیاز، همچنین با رعایت مفاد ماده ۱۸ قانون گذرنامه مجاز به ادامه تحصیل در خارج از کشور می باشند، مورد تأیید این شورا قرار گرفت.

تلویزیون رژیم ۲۱ اسفند - رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره نحوه نظارت این مجمع بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام گفت بر اساس قانون اساسی، نظارت بر این سیاستها بر عهده مقام معظم رهبری است که ایشان در حکمی این وظیفه را به مجمع تشخیص مصلحت محول کردند.

خبرگزاری ایرنا ۲۱ اسفند - رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه یی به آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، شش نماینده را به عنوان اعضای هیأت مشترک هماهنگی قوای مقننه و قضائیه معرفی کرد. جلیل سازگارزاد، سخنگوی هیأت رئیسه مجلس روز یکشنبه به خبرنگار ایرنا گفت، در این نامه، آقایان بهزاد نبوی (نماینده تهران و عضو فراکسیون دوم خرداد)، اسدالله کیان آرئی (نماینده فریدون شهر و عضو فراکسیون مجمع روحانیون)، سید حاجی موحد (نماینده کهگیلویه و عضو فراکسیون خط امام) و رهبری، (ابراهیم امینی (نماینده ممسنی و عضو فراکسیون دوم خرداد)، علی شکوری (نماینده تهران و عضو فراکسیون مشارکت) و محمد کاظمی (نماینده ملایر و عضو فراکسیون روحانیون) به عنوان اعضای هیأت مزبور معرفی شده اند.

رسالت ۲۲ اسفند - مجلس هر روز تقریباً ۶۰ غایب دارد با این که برای شرکت در جلسه دیروز تأکید خاص شده بود اما بازهم همان ۶۰ نفر حضور نداشتند و جلسه با ۲۱۰ نماینده تشکیل شد سخنان رئیس جمهور برخلاف پیش بینی روزنامه های افراطی جبهه دوم خرداد که در طی روزهای گذشته سعی داشتند فضا را ملتهب کرده و آقای خاتمی را تشویق به بیان مطالب تحریک آمیز و تنش زا می کردند کاملاً عادی و تکرار مطالب گذشته وی بود و همین امر باعث دلخوری برخی خبرنگاران شده بود. اغلب نمایندگان جبهه دوم خرداد که پس از اتمام جلسه دیروز با خبرنگاران به طور خصوصی گفتگو می کردند از تکراری بودن مطالب و عدم حمله رئیس جمهور به جناح منتقد و افتضا نکردن موانعی حیاتی ناراضی بودند و تأکید داشتند که این صحبتها انتظارات ما را برآورده نکرد.

اخبار منفرقه — موريس كاپيتورن —

قتل روشنفكران يك لكه سياه براي رژيم ايران

خبرگزاری فرانسه ۲۳ اسفند - يك گزارشگر ملل متحد در گزارش خود به كميسيون حقوق بشر اين سازمان، ايران را در رابطه با قتل روشنفكران و ناراضيان و سرکوب و زندانی کردن روزنامه نگاران مورد انتقاد شديد قرار داد. موريس كاپيتورن در گزارش خود گفته است كه "قتلها و ناپديد شدنهای روشنفكران و ناراضيان سياسي لكه يی سياه برای رژيم ايران است و چنین خواهد ماند تا سؤالاتی اساسی كه مطرح است، پاسخ داده شود و عواملان این جنایات به پای میز محاکمه كشیده شوند. گزارش موريس كاپيتورن هفته آینده به اجلاس سالانه كميسيون حقوق بشر ملل متحد ارائه خواهد شد. كاپيتورن گفت با "سرکوب مطبوعات اصلاح طلب، به زندان انداختن روزنامه نگاران، مقابله خشونت آمیز با دانشجویان علاوه بر به زندان افكندن آنها،" وضعیت آزادی بیان در ايران يقينا مایه دلسردی است. این نماینده حقوق بشر گفت كه این عوامل، نشان می دهد كه محمد خاتمی رئیس جمهور اصلاح طلب در مبارزه اش برای ایجاد يك جامعه تحملگر كه تحت حكومت قانون باشد شكست خورده است. كاپيتورن افزود ايران امروز به شمارش معكوس افتاده است. از يكطرف می توان گفت كه جامعه ايران از ۵سال قبل بازتر شده است اما از طرف ديگر، تلاشهای نمایندگان اصلاح طلب در شروع این كار، با مخالفت شدیدی روبرو بوده است. كاپيتورن گفت كه ايران در بين دو جناح سياسي از هم گسیخته است، یکی مدعی حمایت مردم است و دیگری بر اصالت دين و انقلاب پای می فشرود. به طور خاص تلاشها برای ارائه حقوق بیشتر برای زنان با مخالفت زیادی از طرف آخوندهای محافظه كار روبرو شده است و آنها این حرکات را علیه اسلام می دانند. كاپيتورن همچنین گفت كه سیستم حقوقی کشور به شدت نیازمند اصلاحات است و وضعیت اقلیتها نیز قسمت دیگری از حقوق بشر غفلت شده در ايران است. این گزارش بر اساس گواهی تبعیدیان ایرانی، سازمانهای غیردولتی شامل عفو بین الملل و گروههای اپوزیسیون ایرانی تهیه شده است.

۲ سال زندان به خاطر سرقت يك جفت كفش

روزنامه دوران امروز ۶ اسفند - پسر جوانی به اتهام سرقت يك جفت كفش از فروشگاه و مجروح کردن كارمند فروشگاه با حكم قاضی دادگاه عمومی تهران به ۲سال حبس و پرداخت دیه محكوم شد

دستگیری بیش از ۴هزار نفر در کرمانشاه

خبرگزاری ایرنا ۱۱ اسفند - فرمانده ناحیه انتظامی استان کرمانشاه گفت، چهار هزار و ۴۱۳ نفر از قاچاقچیان و عوامل توزیع و فروش مواد مخدر امسال در این استان دستگیر شدند. محمود چالقیسی در گفتگو با ایرنا افزود، ۱۱۱ نفر از افراد دستگیر شده زن هستند. چالقیسی گفت، امسال يك هزار و ۴۵۴ نفر متعادل نیز در سطح استان جمع اوری و روانه مراکز بازپروری شدند.

طرح پاکسازی در شمال تهران

اخبار ۱۱ اسفند - رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر منطقه ی انتظامی شمیرانات گفت: در طول شش ماه هفت طرح پاکسازی در سطح مناطق شمالی تهران در رابطه با مواد مخدر اجرا شده است. سرهنگ پاسدار علی محمدی روز چهارشنبه گفت: در این هفت طرح پاکسازی ۸۵۳ نفر اعم از معتادین و توزیع کنندگان در محله های مختلف دستگیر و در این رابطه شش کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف و ضبط شده است.

حکم قطع انگشت

جمهوری اسلامی ۱۳ اسفند - حکم قطع يد چهار انگشت دست راست يك سارق در شهرستان بندرعباس اجرا شد. این فرد به نام می کند به جرم بالارفتن از دیوار و ورود غیرقانونی به منازل مردم و سرقت لوازم خانگی و سوابق متعدد کیفری محكوم شده است.

خرید و فروش غیرقانونی کلیه

هفته نامه جام ۱۳ اسفند - چندی است، بازار خرید و فروش کلیه انسان در تهران به رونق عجیبی افتاده و مشتریان از همه جا رانده شده به گرمای این بازار دامن می زنند، بنا بر پایه این گزارش نرخ فروش کلیه در تهران حداقل دو میلیون تومان است.

توقیف هفته نامه حریم رادیو پیام ۱۸ اسفند - دادگستری كل استان تهران هفته نامه حریم به مدیریت مسئولی حسن اختری را به اتهام اهانت به رئیس جمهور توقیف کرد. دادگستری كل استان تهران اعلام کرد هفته نامه حریم با شکایت حجت الاسلام و المسلمین علیزاده ریاست دادگستری كل استان تهران به عنوان مدعی العموم به اتهام چاپ مطلبی علیه آقای خاتمی با حكم شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران توقیف شده است و مدیرمسئول ین تحت تعقیب قضایی قرار دارد.

محکومیت مدیر مسئول هفته نامه ابان

خبرگزاری ایرنا ۱۷ اسفند - هیات منصفه مطبوعات، محمد حسن علیپور مدیر مسئول هفته نامه "ابان" را به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی مجرم شناخت.

بازجویی سه خبرنگار

دوران امروز ۱۷ اسفند - با خبر شدیم سه تن از خبرنگاران جمهوری اسلامی مورد بازجویی قرار گرفتند. به گزارش خبرنگار دوران امروز این سه نفر به دلیل درج خبرشایعه مرگ ابیرگنجی در زندان در تلکس اخبار ویژه احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. بنا به همین گزارش یکی از این سه نفر مسئول شیفت شب خبرگزاری جمهوری اسلامی است. فریدون وردی نژاد مدیرعامل خبرگزاری در خارج از کشور به سر می یرد.

۴۲ میلیون حق رأی

خبرگزاری ایسنا ۱۷ اسفند - سیدمصطفی تاجزاده صبح امروز در جمع استانداران گفت: همه تلاش مسئولان باید برگزاری سالم انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری و تشویق مردم به مشارکت هر چه بیشتر در آن باشد. رئیس ستاد انتخابات کشور افزود: با توجه به این كه ۴۲میلیون نفر شهروند واجد شرایط شرکت در انتخابات داریم، همه باید به گونه یی عمل کنیم كه اکثریت قاطع مردم در پای صندوقهای رأی حاضر شوند.

آخرین مرحله ی حکم سنگسار

روزنامه ایران ۲۰ اسفند - اعاده دادرسی مریم ایوبی برای رهایی از حکم رجم - سنگسار - از سوی قضات دیوانعالی کشور پذیرفته نشد. این زن كه ۳۶ساله است در پی داشتن ارتباط پنهانی با پسر ۲۴ساله یی به نام حسین اثنی عشر و با همکاری او در شامگاه ۱۲ آذرماه سال گذشته با از پای درآوردن سیدضیای طباطبایی شوهر مریم - او را در بیابان های ورامین آتش زدند. قاضی جواد اسماعیلی، رئیس شعبه ۱۶۰۲ مجتمع امورجنایی تهران با محاکمه متهمان، حسین را به قصاص نفس - اعدام - و مریم را با وجود عدم اعتراف وی به داشتن رابطه پنهانی و با در دست داشتن مدارك كافی و استناد به علم قاضی به سنگسار محكوم کرد.

اعدام برای نوعروس

روزنامه ایران ۲۰ اسفند - يك تازه عروس به اتهام قتل هولناك همسرش، ۲۴ ساعت بعد از مراسم ازدواج از سوی قاضی جنایی دادگستری تهران به قصاص نفس - اعدام - محكوم شد. این حکم در حالی صادر شده است كه مریم غلامعلی در مراحل مختلف بازجویی های پلیسی و قضایی با سكوت مرموزش، قتل همسرش را به گردن نگرفته است.

اطلاعیه —

كارگران زندانی آزاد باید گردند همبستگی بامبارزه كارگران كارخانه سيمين اصفهان

روز گذشته نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع و راهپیمایی كارگران كارخانه سيمين اصفهان حمله کرده و كارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند. كارگران این كارخانه نیز متقابلا با مزدوران رژیم درگیر شدند و در جریان این درگیری گسترده تعدادی از كارگران زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند.

خبرگزاری دولتی ایرنا تعداد دستگیرشدگان را ۲۵ نفر اعلام کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن اعلام همبستگی خود با كارگران كارخانه سيمين اصفهان تهاجم مزدوران رژیم به كارگران متعترض را محكوم نموده و حواستار آزادی قوری و بدون قید و شرط كارگران زندانی می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از مجامع و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق كارگران و از سازمانهای بین المللی كار می خواهد كه رژیم ایران را سه علت عدم توجه به حقوق كارگران، سرکوب اعتراضهای مسالمت آمیز و زندانی نمودن كارگران محكوم نمایند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۱۵ اسفند ۷۹

قتل ۷ زن

خبرگزاری فرانسه ۲۰ اسفند - بنا به گزارشات مطبوعات چاپ تهران، هفت زن ایرانی در شرایط مشابهی طی چند ماه گذشته در شهر مذهبی مشهد به شیوه خفه شدن كشته شده اند. بنا به گفته يك مقام قضایی به روزنامه خراسان، آخرین قربانی این قتلها يك زن ۴۲ساله بوده است. وی افزود كه اجساد شش زن "سست اخلاق" دیگر نیز به شیوه مشابه پیدا شدند. این مقام رسمی گفت كه يك تحقیق ویژه برای بررسی این مسأله شروع شده است. وی گفت در این قتلها زنان قربانی با روسریهایشان خفه و با چادرشان كفن شده بودند.

قطع دست

جمهوری اسلامی ۲۱ اسفند - رئیس كل دادگستری خراسان گفت: ۲ نفر سارق حرفه ای و سابقه دار طی ۲۰ ماه گذشته در زندان مشهد قطع يد شدند. عینی آكبر ساقی در گفتگو با ایرنا افزود: به جرم سرقت در محاکمه قضایی شدت یافت. است. وی گفت: در ایام تعطیلات سال نو قانون ویژه "كفایت متدده" از ۲۸ اسفند لغایت ۱۷ فروردین سال ۸۰ در خصوص سارقین اعمال می شود. یسماعی افزود: براساس این قانون، قاضی در مقطع زمان خاص حكم شدیدیتری تا مرحله قطع يد برای سارقین صادر می کند

یادداشت و گزارش

اش. مفسر

otanes_mofaser@yahoo.com

میراث گند گرفته خمینی

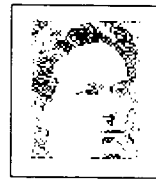
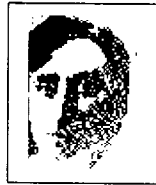
بیست و دو سال بعد از تأسیس جمهوری اسلامی، که خمینی با سوء استفاده از احساسات مذهبی و ناآگاهی توده های مسلمان مردم ایران آن را با تاکید "نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد" در فروردین سال ۵۸ بر مردم ایران تحمیل کرد، امروز گند گرفتگی و عفونت عمومی سرا پای رژیم مردمکش زندگی سوز و مرگ اندیش را فرا گرفته است. خمینی بر خلاف وعده و قولی که در ابتدای ورودش به ایران به مردم داد، وعده و قولی که زمینه ها و پیشینه تاریخی مبارزت مردم ایران با رژیم شاه و شرایط دوران مبارزه عمومی و چند ماهه بعد از شهریور سال ۵۷ به او تحمیل کرده بود، مساله تشکیل مجلس مؤسسان را کنار گذاشت. در آن روزها، تشکیل مجلس مؤسسان از نمایندگان منتخب مردم در یک انتخابات آزاد، برای تعیین نوع حکومت جایگزین استبداد سلطنتی، در بین بخش آگاه مردم، خواستی همگانی بود. خمینی به جای مجلس مؤسسان، مجلس خبرگان را با تعداد نمایندگان محدود (۷۵ نفر) که بیشترشان آخوندهای طرفدار و دستیار خمینی بودند تشکیل داد. در بین کلاهی های معدود مجلس خبرگان کسی چون "استاد دکتر ابوالحسن نی صدر"، خود از مریدان امام بود و دیگران نیز مخالفتی با زورچیان کردن حکومت اسلامی به مردم نداشتند! اگر هم داشتند جدی نبود. در آن مجلس بود که قانون اساسی رژیم ولایت فقیه تدوین شد. فبائی که به تن خمینی دوخته شده بود. شورای نگهبانی در آن قانون بالای سر "مجلس شورای ملی" قرار داده شد که اگر کسانی از غیر خودیها به آن مجلس راه یافتند (در شرایط آن روزها چنین اتفاقی ممکن بود بیفتد) و قدمی خواستند خلاف میل آخوندها بردارند، با وتوی شورای نگهبان، خنثی شود. اما این شورای نگهبان خیلی زود، به خندق برای اقدامات خودیهای خط امامی که اکثریت مجلس را تشکیل می دادند تبدیل شد و اکنون به مصیبتی برای جناح ۲ خردادی تبدیل شده است. بی مناسبت نیست نگاهی به برخی نقطه نظر ها و اظهارات خمینی در آن روزها بکنیم. خمینی در اولین مصاحبه اش با خبرنگاران ایرانی که در آبهمن ۵۷ در

پاریس صورت گرفت، پاسخ به چند سؤال را (به ویژه در مورد مالکیت و ملی کردن صنایع) به آینده موکول کرد اما در مورد آزادی بیان و مسائل زنان جوابهایی داد که آینده روشنی را نوید نمی داد. یک خبرنگار زن از او پرسید: نقش زنان در حکومت اسلامی چگونه خواهد بود؟ آیا در امور کشور شرکت خواهند داشت؟ مثلاً آیا وزیر خواهند شد البته اگر استعداد و لیاقت نشان بدهند؟ خمینی: "بسته به این است که حکومتی که پیش می آید تکالیف آنها را معین کند الان وقت این حرفها نیست." سؤال: چون مرا به عنوان یک زن پذیرفتید این نشان دهنده آن است که نهضت ما، نهضتی مترقی است. ولی دیگران کوشیده اند آن را عقب مانده نشان دهند. فکر می کنید آیا زنان ما حتماً باید حجاب داشته باشند؟ و مثلاً روسری داشته باشند؟ خمینی: "اما این که من شما را پذیرفتم، بنده شما را نپذیرفتم، شما آمدید اینجا و من نمی دانستم شما می خواهید بیاید اینجا که پذیرفتم. آن هم دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است که به مجرد آن که شما به اینجا آمدید. ترقی هم به آن نیست که زنها خیال کرده اند یا مردهای ما خیال کرده اند. ترقی به کمالات انسانی و با اثر بودن زن در مملکت است نه آن که به سینما بروم که دانش بروم و اینها ترقیاتی است که محمد رضا برای شما درست کرد که شما را به عقب رانده که ما بعدها باید جبران کنیم. شما آزادید در کارهای صحیح دانشگاه بروید. هر کاری را که صحیح است بکنید و همه ملت آزادند در آنها، اما اگر بخواید کارهای خلاف عفت بکنید و باکارهای خلاف ملت بکنند از آنها جلو گیری می شود و آن دلیل بر ترقی و مترقی بودن است." سؤال: "در مورد آزادی بیان و عقیده شما چه حدودی را در نظر دارید و یا فکر می کنید باید محدودیتهایی قائل شد؟ خمینی: "اگر چنانچه مضر به حال ملت نباشد بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد." سؤال: آیا فکر می کنید گروههای چپ و مارکسیستهایی که در ایران هستند ... خمینی با قطع حرف خبرنگار پاسخ می دهد: "اگر مضر به حال ملت باشد جلوگیری می شود و اگر نباشد فقط اظهار عقیده باشد مانعی ندارد." و بالاخره در واکنش به این سؤال که: بعضی ها می گویند که ما از چکمه استبداد به زیر نعلین استبداد می رویم، خمینی می گوید: "انها که این حرفها را می زنند سالهاست که می زنند و آنها را شاه به آنها دیکته کرده است. به آنها بگویند شاه دیگر بر نمی گردد و شما اگر حکومت اسلامی را به ببینید خواهید دید که دیکتاتوری اصلاً در

اسلام وجود ندارد." (کیهان ۳ بهمن ۱۳۵۷). اما نگرانهایی در آن روزها از احتمال پیدایش دیکتاتوری نعلین نه از طرف شاه دیکته شده بود نه ساخته و پرداخته بی پایه روشنفکران و اهل قلم بود. خمینی خود نظراتش را در مورد حکومت اسلامی قبلاً در کتابهایی که نوشته بود بیان کرده بود، به علاوه بخش آگاه مردم نمی توانستند به حکومت ایدئولوژی یک آخوندها نظر خوشی داشته باشند و نگران نباشند. کیهان ۹ بهمن ۵۷ مقاله ای از خمینی از کتاب حکومت اسلامی وی را چاپ کرد که در آن در مورد حکومت اسلامی و شرایط زمامداری از جمله آمده بود: "فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومتهای مشروطه سلطنتی و جمهوری در این است که نمایندگان مردم یا شاه در این گونه رژیمها به قانونگذاری می پردازند در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است." و در همین مقاله در مورد ولایت فقیه نوشته بود: "ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد. مانند جعل (قرار دادن و تعیین) قیم برای صغار. قیم ملت با قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد مثل این است که امام (ع) کسی را برای حضانت حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند. در این مورد معقول نیست که رسول اکرم (ص) و امام با قیقه فرق داشته باشد... همین ولایتی که برای رسول اکرم و امام ادر تشکیل حکومت و اجرا و تصدی و اداره هست، برای فقیه هم هست..." با این تفکر منحوس بود که امام خمینی، ولایت فقیه را در ایران بر پا کرد و در حفظ این رژیم منحوس تا زنده بود به هر جنایت و خیانتی علیه مردم ایران دست زد و بعد از او دستیارانش، همان سیاست را تاکنون ادامه داده اند. اما اکنون رژیم منحوس ولایت فقیه غرق در بحرانی همه جانبه و عمیق است. دو برابر شدن جمعیت کشور طی بیست سال گذشته نه تنها حل مساله بیکاری و مشکلات اقتصادی را در این رژیم به مساله بی غیر ممکن بدل کرده بلکه انبوه جمعیت جوان کشور که گفته می شود ۳۰ میلیون نفرشان زیر ۲۰ سال سن دارند، خود دشمن غول اسا و اشتهی ناپذیر رژیم مرگ اندیش آخوندی و ایدئولوژی ارتجاعی و فرهنگ ضد ایرانی آن است. روزگاری در آن اوانسل ظهور امام خمینی، او دائم در سخنرانیها می گفت مردم برای اسلام خون و شهید داده اند نه برای هیچ چیز دیگر. او در سوم خرداد ۵۷ در برابر فرهنگیان و دانشجویان اهواز در یکی از هذیان آلود ترین سخنرانیهایش که ناشی از خشمی بود که از برگزاری باشکوه بزرگداشت

صدمین سالگرد زاد روز دکتر مصدق توسط مردم و گروههای سیاسی مختلف و انعکاس آن در روزنامه ها به جانش ریخته بود، گفت: "روزنامه ها، را بخوانید آنهایی که فریاد می زدند که باید دموکراسی باشد آنها مسیبرشان غیر از ماست. آنهایی که اسمی از اسلام نمی آورند ... ۱۵ خرداد روحانی قدم برداشت و باید تعطیل بشود برای روحانی ... آنها می خواهند سرپوش بگذارند روی مقاصد خودشن آن مقاصدی که بر خلاف مسیر ماست، با اسم یک نفر که ملی است. مسیبر ما مسیبر نفت نیست. نفت پیش ما مطرح نیست. ملی کردن نفت پیش ما مطرح نیست. آن اشتباه است. ما اسلام را می خواهیم. اسلام که آمد نفت هم ما را خودمان می شود. مقصد ما اسلام است مقصد ما نفت نیست، اگر یک نفر نفت را ملی کرده است اسلام را کنار بگذارند برای او سینه بزنند." او در ادامه سخنانش بالاخره معنی اسلام را که آن همه برای آن جوش می زد روشن کرد. خمینی گفت: "آخوند یعنی اسلام، روحانیین با اسلام در هم منغمه اند." آنکه با عنوان روحانیین و آخوند مخالف است آن دشمن شماست. و آزادی را ممکن است برای شما تامین کند، استقلال هم ممکن است ببری شما تامین کند اما استقلالی که در آن اصنام زمان نیست، آزادی که در آن قمران نیست، آزادی که در آن بیعقیم نیست." (کیهان ۵ خرداد ۵۷). او در همین سخنرانی گفت: "شما شهادت را برای خودتان فوز می دانید برای آنکه مثل سوپس بشوید؟ شما قرآن را می خواهید شما برای اسلام قیام کردید آن همه رنج و زحمت که روحانیت می برد برای اسلام است" و در یک سخنرانی دیگر در دیدار با گروهی از کارکنان رادیو، کسانی را که به امر اقتصاد اهمیت و الویت قائل بودند، به ویژه کموسینها، مورد تمسخر قرار داد و گفت: "معقول نیست که کسی جوانهایش را به کشتن بدهد که نان ارزان گیرش بیاید، آن چه معقول است و عمل هم شد و همه هم دیدیم و دیدید آن است که در صدر اسلام پیامبر و اولیای اسلام همه چیزشان را فدای اسلام می کردند. برای آن که آنها آن فدا کاری را بخت نمی دانستند. آنها که دم از اقتصاد می زنند و زیر بنای همه چیز را اقتصاد می دانند، نمی دانند انسان چیست، خیال می کنند انسان هم حیوانی است که کارش خورد و خوراک است، منتها مثلاً این حیوان چلوکباب می خورد آن حیوان گاه، بنابراین کسانی که زیر بنای همه چیز را اقتصاد می دانند، انسان را حیوان می دانند چون حیوان همه چیزش فدای اقتصاد می شود و همه بقیه در صفحه ۱۶

فرخنده باد ۸ مارس روز بیکار جهانی زنان برای برابری

زینت میرهاشمی
zinat_mirhashemi@yahoo.com

روزا لوکزامبورگ

کلارا زتکین

مشروعیت می بخشد و مناسبات و فرهنگ نابرابر را گسترش می دهد.

در ایران و تحت حکومت جمهوری اسلامی، تبعیض و مناسبات نابرابر در مورد زنان، به وسیله قانون حمایت می شود. در این جا به طور مختصر به چند مورد از وضع فاجعه باری که محصول قوانین نابرابر در مورد زنان ایران است اشاره می کنم.

از آنجا که خانواده با رئیس آن یعنی مرد در جمهوری اسلامی مشخص می شود، زنان تحت حمایت پدر، برادر و شوهر خود هویت پیدا می کنند و به عنوان فردی مستقل و برابر با مرد شناخته نمی شوند. در نتیجه زنان برای خروج از کشور و یا کار کردن بعد از ازدواج باید اجازه شوهر را داشته باشند.

دختر دانشجو نمی تواند بدون اجازه ولی خود که یک مرد باید باشد، به خارج اعزام شود.

برگه رضایت نامه زنان سرپرست خانواده برای عمل جراحی بچه، فاقد ارزش قانونی است.

بدران حق دارند که دختران زیر سن بلوغ (۹ سال) را، به عقد یک مرد دریاورند و این دختر باید در سن ۹ سالگی با آن مرد ازدواج کند.

زنان و دختران جوان به وسیله مرد یا اعضای مذکر خانواده خود سوزانده می شوند. قتلین چون اولیای دم محسوب می شوند و برای دفاع از حیثیت خانواده این عمل را انجام داده اند شامل مجازات سنگین نمی شوند.

در حالی که دختران در سالهای اخیر به میزان پسران وارد دانشگاهها و مراکز آموزشی علمی می شوند، اما در بازار کار به دلیل فشار و تبعیض جنسی، کنار زده می شوند. نسبت زنان شاغل به کل جمعیت زنان ۷/۹ درصد است. و بر اساس آمار مطبوعات رژیم، نرخ مشارکت زنان در کار در سال ۷۸ معادل ۹ درصد است، در حالی که برای مردان معادل ۶۲/۴ درصد است و ۷۲ درصد از این ۹ درصد در آموزش و پرورش مشغول به کار هستند.

بیماری روانی در ایران شکل زنانه به خود گرفته است. براساس آمار مطبوعات رژیم، درصد بیماران روانی در زنان ۲۷/۵ و در مردان ۱۴/۵ است.

در تهران ۲۵ تا ۳۰ هزار کودک خیابانی که اکثر آن شامل دختران می شود وجود دارد. از این تعداد ماهانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر می میرند.

به دلیل غیر قانونی بودن سقط جنین و بارداریهای ناخواسته، زنان در غیربهداشتی ترین شکل مجبور به این عمل می شوند. در اثر غیر بهداشتی بودن و مخفی بودن این امر، زنان دچار بیماریهای عفونی، یا جان خود را از دست می دهند.

اینها نمونه های کوچکی از دستاوردهای رژیم ولایت فقیه در رابطه با زنان در ایران است. این شرایط فاجعه بار زنان محصول مستقیم حضور رژیم جمهوری اسلامی و قوانین اساسی و مدنی آن می باشد. این قوانین فرهنگ عقب افتاده ترین بخش جامعه را تحکیم می بخشد. به همین دلیل، خواسته های زنان در ایران کاملاً شکل سیاسی به خود می گیرد. یعنی زنان برای رهایی از تبعیض جنسی، مستقیماً با قوانین جمهوری اسلامی و

نظام ولایت فقیه و نهادهای دولتی درگیر می شوند. از مقاومت در مقابل حجاب اجباری گرفته تا مقاومت در مقابل اخراج از کار و غیره. پس می توان گفت که مانع اساسی برای رشد زنان در شرایط فعلی ایران، ساختار سیاسی نظام ولایت فقیه و قوانین آن است. و می توان نتیجه گرفت که آزادی و برابری اجتماعی برای زنان در گرو سرنگونی این رژیم و همه قوانین تبعیض آمیز آن و برقراری یک حکومت سکولار و غیر ایدئولوژیک و دموکراتیک است.

در شرایط بحران قدرت در ایران، جناحی از رژیم در جدال بر سر قدرت، سعی می کند از وجود زنان در تبلیغات خود سوء استفاده کرده و وانمود کند که مسائل زنان از طریق سیاستهای آنان قابل حل خواهد بود. هدف اول این فریبکاری کنترل و مهار مقاومت زنان است که طی ۲۰ سال، به الگوی مورد دلخواه رژیم تبدیل نشدند. این جناح تا به امروز، هیچ موضع صریح و روشنی در قبال قوانین تبعیض آمیزی مثل ارث، شهادت، قصاص، سنگسار، حجاب اجباری، نقش خانواده و... به نفع زنان نگرفته اند. آنها هیچ یک از تجاوزاتی که در طی این مدت حکومت جمهوری اسلامی بر زنان ایران وارد کرده را محکوم نکرده اند. اینها تا جایی از مسائل زنان دفاع می کنند که در چارچوب همین نظام ولایت فقیه و قوانین ارتجاعی آن باشد. کسانی که به این نظام و قانون اساسی آن التزام داده اند هرگز توانایی و صلاحیت تغییریری به نفع زنان را ندارند. حتی مختصر تغییراتی را هم که در قوانینی مثل سن ازدواج، اعزام دانشجوی دختر به خارج یا هزار اما و اگر، در مجلس ارتجاع تصویب کردند، شورای نگهبان مردود و خلاف شرع اعلام کرد.

گام اول برای رفع تبعیض از زنان، سرنگونی نظام استبدادی مذهبی حاکم بر کشور ما و استقرار یک نظام دموکراتیک که در آن دین از دولت جدا باشد، می باشد. برای این هدف زنان ایران به بیکار خود در صحنه های مختلف ادامه خواهند داد.

۸ مارس ۱۳۷۹

آلمان -



بزرگداشت هشتم مارس روز جهانی زن

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان، همراه با حزب کمونیست آلمان واحد وزل، سوسیال دموکراتها واحد وزل، فدراسیون کارگران دموکرات، همستگی کردستان و جوانان چپ وزل، راهپیمایی و جشن برگزار نمود.

راهپیمایی از محل راه آهن مرکزی شهر وزل (آلمان) در ساعت ۵ بعد از ظهر شروع و سپس با توقفی در جلوی پست مرکزی، به مرکز خرید شهر رسید. در این قسمت پیامهای سازمانهای شرکت کننده در این اکسیون قرائت شد. راهپیمایی دوباره آغاز و به شهرداری شهر ختم شد. در ادامه این حرکت، در ساعت ۷ بعد از ظهر در سالن، جشن آغاز گردید. در این جشن، ابتدا خوش آمدگویی و پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت ۸ مارس قرائت گردید. و سپس رقص فولکلور گروه کردی اجرا گردید.

در ادامه برنامه، ارس واحد موسیقی کارگاه هنر ایران، ترانه سروده های رزمی و انقلابی اجرا نمود که فضای گرم و خاطره انگیزی را برای شرکت کنندگان به جای گذاشت. در پایان برنامه شرکت کنندگان سرود انترناسیونال را هم زمان با زبانهای مختلف اجرا کردند. در قسمت پایانی برنامه گروه هنری آلمانی، برنامه هنری اجرا نمودند. در سالن میز کتاب و نشریه و اطلاعات از طرف سازمانهای شرکت کننده، دایر بود.

زنان در کانون ستم و استثمار

— لیلیا

۸ مارس، روز جهانی زن را به زنان کارگر و زحمتکش جهان که در امر مبارزه علیه استثمار با یکدیگر متحدند تبریک می گویم. همچنین با احترام عمیق به زنان انقلابی همه کشورها که در راه مبارزه برای رهایی، برابری و عدالت مبارزه کرده و می کنند، و همگام با آنها این روز را گرامی می داریم.

۱۴۴ سال پیش یعنی در هشتم مارس ۱۸۷۵ صدها زن کارگر کارخانجات پوشاک و بافندگی در شهر نیویورک به طور سازمان یافته و در اعتراض به دستمزد پایین، ساعات طولانی کار و شرایط غیر انسانی محیط کار دست به یک اعتصاب جمعی زدند.

۵۳ سال بعد در سال ۱۹۱۰ در میتینگ انترناسیونال زنان سوسیالیست در کپنهاگ این روز به روز جهانی زن مبدل گشت.

بدون شک، از آن زمان تاکنون تغییرات مهمی در وضع زنان، به ویژه در کشورهای غربی و پیشرفته صنعتی صورت گرفته است. و اگر چه تبعیض بر زنان تخفیف یافته و در اکثر نقاط جهان زنان حق رأی را به دست آورده، یا قوانین متعددی در دفاع از حقوقشان ایجاد شده اما هنوز هم از حق کاملاً برابر با مردان برخوردار نیستند و همچنان مورد تبعیض، خشونت و غیره قرار می گیرند. در حقیقت می توان گفت که در هیچ کجای دنیا زنان دارای حق مساوی با مردان نیستند. اما وضع زنان در کشورهای فقیر و به اصطلاح جهان سوم بسیار وخیم تر و تاسف بارتر است. گذشته از فرهنگ و سنتهای رایج تبعیض آمیز، در قوانین رسمی دولتی با مردان برابر نیستند. در حقیقت در همین مدت کوتاهی که این چند پاراگراف نوشته می شود هزاران زن در جهان مورد تجاوز، خشونت، تحت فشار یا تهدید و تحقیر چه از جانب مأموران دولتی و چه از طرف اعضای خانواده خود قرار می گیرند که در حالت دوم نیز با بی توجهی مأموران دولتی روبرو می شوند. زنان در بسیاری موارد ابزاری برای مداخلات جنگی، یا تبدیل به بردگان جنسی می شوند و بسیاری نیز به خاطر فعالیتهايشان برای برابری، عدالت خواهی و یا حقوق بشر مورد تنبیه مستبدان و استثمارگران واقع می شوند.

نگاهی به وضع زنان در جهان

زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند اما متحمل بیشترین رنج و زحمت در زندگی هستند. در حقیقت می توان گفت که استثمار و ستم بر زن در جوامع بشری قدیمی

ترین نوع استثمار است که ریشه های بسیار عمیق دارد. نگاهی به آمارهای زیر شمه ای کوتاه از وضع زنان در جهان را مشخص می کند.

۱- نیمی از مواد غذایی جهان حاصل کار زنان است در حالی که آنها ۶۲ درصد از گرسنگان جهان را تشکیل می دهند.

۲- زنان دو سوم کار در جهان را انجام می دهند در حالی که ۷۰ درصد فقیران جهان را زنان تشکیل می دهند. بسیاری از دختران جوان آن قدر از جهت اقتصادی در مضیقه هستند که ناچار در کارخانه های تحت کنترل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تحت استثمار شدید هستند. این زنان روزانه با ۱۶ ساعت کار و فقط ۱۵ سنت در ساعت (معادل ۱۵۰ تومان) مزد که حتی در کشورهای فقیر این مبلغ مخارج زندگی روزانه آنان را نیز تامین نمی کند به کارگری اشتغال دارند. آنان چنانچه باردار شوند یا از کار احراج می شوند، یا مجبور به استفاده از قرصهای ارزان قیمت برای سقط جنین هستند.

۳- بیش از ۱۵۰ میلیون دختر خردسال و زن، در آفریقا و خاورمیانه تحت عمل وحشیانه ختنه قرار می گیرند. این عمل جنایتکارانه بدون به کارگیری داروهای ضد عفونی و یا بی حسی انجام می شود که در مواردی به علت عفونت سب مرگ این دختران شده است تازه اگر آنان جان سالم به در برند نتایج روحی و صدمات فیزیکی اسفبار برای آنها بر جای می گذارد.

۴- زنان کارگر بیشتر از مردان امکان از دست دادن شغل خود را دارند. برای مثال در آمریکا کارگران زن که مجموعاً ۳۵ درصد کارگران کارخانه ها را تشکیل می دهند ۳۶ درصد از افرادی هستند که به خاطر "فتا" کار خود را از دست داده اند. در حالی که مردان وقتی کار خود را از دست می دهند به مراتب آسانتر می توانند شغل جدیدی بیابند.

۵- مراکز اقتصادی کوچک زنان نمی توانند در مقابل کالاهای ارزان قیمت تجارت جهانی رقابت کنند. روشهای سنتی تا کنون به رشد اقتصادی کمکهای اساسی نکرده است. در حقیقت شمار زنان روستایی که در فقر زندگی می کنند ۵۰ درصد در دو دهه اخیر افزایش یافته است که برای مردان ۳۰ درصد بوده است.

۶- بنابر آمار اخیر سازمان ملل در حالی که فقر در جهان در حال رشد است یک میلیارد انسان که اکثر آن زن هستند بی سوادند. بیشتر از یک میلیارد فقیران دسترسی به آب آشامیدنی ندارند و ۸۵۰ میلیون نفر، که اکثر آنها شامل زنان و دختران می شود، از تغذیه کافی برخوردار نیستند.

۷- حدود ۲ سوم جمعیت فقیر جهان را زنان تشکیل می دهند و نزدیک به ۹۰۰ میلیون زن در جهان درآمدی کمتر از روزی یک دلار دارند.

۸- در سال ۱۹۹۷ درصد رشد فقر برای زنان (۶/۷ درصد) بالاتر از مردان (۴/۹ درصد) بوده است.

۹- درآمد زنان در سال ۱۹۹۸ معادل ۷۳/۲ درصد در آمد مردان بوده است.

۱۰- خانواده های تحت سرپرستی زنان ۲ برابر فقیرتر از خانواده های با سرپرست مرد هستند.

۱۱- در سراسر جهان، زنان نسبت به مردان، دسترسی کمتری به اعتبارات مالی، زمین و تحصیلات دارند.

اینها فقط بخش کوچکی از وضع زنان از جهت فقر اقتصادی بود که اگر بخواهم لیستی از آمار، تجاوز، خشونت، قتل، خودکشی، فرار، بردگی جنسی و فقدان حقوق برابر و یا حتی حقوقی نسبتاً عادلانه اجتماعی و غیره ... را متذکر شوم متنوی هفتاد من کاغذ می شود.

وضع زنان در ایران

زنان ایرانی با این که در انقلاب ۱۳۵۷ و در جنبش ضد دیکتاتوری شاه در سطح وسیع شرکت کردند، از همان روزهای اول برقراری رژیم جمهوری اسلامی سرکوب شده و طی ۲۲ سال که از انقلاب مردم ایران می گذرد، وضع آنان به خاطر فشار، تبعیض و ناپسانمانیهای اقتصادی هر روزه وخیم تر شده است. هر روز دختران جوان به خاطر فشارها و تبعیضهای خانوادگی، که مورد حمایت قانون هم است، فراری و آواره شهرها می شوند. دکتر طباطبایی مدیر کل امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی می گوید که فرار دختران در حال افزایش و تبدیل به یک پدیده اجتماعی شده است. این دختران در بند غالباً به بند معامله گران گوناگونی افتاده، یا معتاد به مواد مخدر می شوند و به علت سوء استفاده های جنسی مبتلا به ویروس ایدز می شوند. زنان در بند و اسیر کشورمان دائماً مورد خشم، خشونت و ظلم چه از طرف رژیم و چه از طرف همسران، پدران، یا عموها و برادران خود قرار گرفته و دست به خودکشی زده یا تن به ازدواجهای اجباری می دهند. هزاران زن مبارز و مقاوم به خاطر مبارزه برای عدالت در زندانهای مخوف رژیم تحت شکنجه، توهین و تحقیر و تجاوز قرار گرفته، یا بی رحمانه اعدام شدند. آنها بدون محاکمه و با فتوای آخوندها سنگسار می شوند. بنابراین زنان ایرانی علاوه بر تمامی شکلهای استثمار جنسی که زنان کارگر و زحمتکش و فقیر جهان متحمل

می شوند تحت سیاستها و قوانین رژیم ارتجاعی ولایت فقیه متحمل فشارها و توهینها و تحقیرهای بیشتری نیز قرار دارند.

در دوران ریاست جمهوری خاتمی، آن چه مسلم است هیچ یک از شرایط سخت زندگی به ویژه برای زنان کارگر ایرانی که از دستمزد کم و نابرابر، نداشتن مهد کودک، عدم امکانات آموزشی، ورزشی، بهداشت و درمان که تنها در سطح ابتدایی از آن برخوردارند، تغییر نکرده است. عدم امکانات شغلی و نیز نداشتن حق آزادی پوشش، حق طلاق، حق نگهداری کودکان در صورت جدایی، حق سفر، ... حل نشده است. و در مقابل مبارزه و حرکتهای اعتراضی زنان گسترش یافته و ثابت شده است که خاتمی نه می خواهد و نه می تواند رفرمی در مسائل زنان ایجاد کند و اگر چنانچه رفرمی صورت گیرد، این رفرم او را به سرنگونی رژیمش نزدیک تر خواهد کرد.

اما چگونه می توان به این ستمها خاتمه داد

پایه های سیستم سرمایه داری بر اختلافات طبقاتی ریخته شده و ستم و استثمار به ویژه بر زنان در مرکز آن قرار گرفته است. اگرچه ستم بر زنان با سیستم سرمایه داری آغاز نشده است اما این سیستم، ستم و استثمار بر زنان را شکل جدید می دهد و برای پیشبرد منافع خود و استفاده از نیروی کار در سطح معینی از زنان استفاده می کند. چنانچه ما این را خوب درک کنیم می توانیم به یک برنامه و هدف زبیدی فکر کنیم. ما باید بدانیم که هرگاه صحبت از میلیونها انسان تحت ستم، کارکنان و مزدبگیران به میان می آوریم و در مبارزه آنها علیه ستم سرمایه داری شرکت می کنیم باید توجه عمیقی به این حقیقت داشته باشیم که زنان کارگر و مزدبگیر و یا زنانی که کار خانگی می کنند متحمل کار بیشتر و اجزاء وظایف سنگین تری هستند. اکثر زنان در سراسر جهان غیر از کار خارج از خانه مسئولیت فرزندان، تمیز کردن و مراقبت از افراد خانواده را نیز به عهده دارند. زنان در سراسر جهان بین ۷ تا ۴۸ بار بیشتر از مردان کار می کنند که این شامل کار بی مزد خانگی نیز می شود. همچنین همان طور که در بالا اشاره شد زنان در جامعه مردسالاری، رژیمهای مذهبی، غیر دموکراتیک، زن ستیز و آداب و سنتهای گذشته تحت ستم مضاعف قرار دارند. زنان باید با شناخت و آگاهی از این مسائل قدم به قدم راه دشوار برابری و رفع ستم را طی کنند. زنان سراسر جهان باید با سرعتی بیشتر به مسائل مربوط به زنان آشنا شده و بقیه در صفحه ۱۳

سیمای زن رها

تقدیم به زنان کمونیست انقلابی که جانشان را در راه آرمانشان فدا کردند

چندی پیش طی فرصتی استثنایی، بعد از مطالعه شرح مختصر زندگی و پروسه مبارزاتی فدایی شهید "سیما دریایی" ذهن و جانم در مواجهه با وجود سترگ و شکوه حیات این "دختر گلگون غدار خلق" دگرگونه و منقلب گشت. این دلاور زن پیشتاز فدایی پس از تحمل شنیع ترین شکنجه ها به دست دژخیمان رژیم چهل و جنایت جمهوری اسلامی، سرفرازانه به شهادت رسید و با خون خود پرچم سرخ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را خونین تر نمود. به درستی در فقدان زنان فرزانه ای چون "سیما" درد، قلب آدمی را فشرده و تأثر، جان را آکنده از اندوه می سازد. اینان انسانهای رهایی هستند که اگر نبودند بی نرید ادمهای حقیر، تاریخ بشر را سراسر به پلشتی اندیشه های خویش آلوده می ساختند. خوشحانه آنچه قلب هرادم مشتاقی را از امید و شور ایدئولوژیک سرشار می سازد، وقوف به این حقیقت خلل ناپذیر است که فدایی شهید "سیما دریایی" به مصداق آنچه خود او قبل از شهادتش نوشته "ستاره ای بودم که خاموش نگشتم" ستاره ای سرخ و درخشان از کهکشان زنان انقلابی کمونیست و نیز نماد یک سنخ وجود سترگ ایدئولوژیک و تاریخی است که بر تارک تاریخ انسان رها می درخشید. در منطق و اندیشه این وجود رها "گذار از دنیایی که از خود بیگانگی در آن حاکم است، به دنیایی که انسانها انسانیت خود را باز می یابند، در گرو مبارزه برای برابری و سوسیالیسم است."

در حقیقت این سنخ زن در پیوند با ارزشهای ناب انسانی یا به عرصه وجود نهاده است، از این روی صرف وجود و حضورش مضاف بر این که متضمن وجه اثباتی رهایی می باشد، حاوی نفی و اضمحلال مدلهای ضد فرهنگی نیز خواهد بود.

مدلهای ضد فرهنگی

بورژوازی مبتنی بر روان شناسی لذت گرایی، تصویری عریان و لذت گرایانه از زن به دست می دهد و بالطبع مدلی که از زن مطلوب و شایسته در چارچوب منطق کامجویانه خویش ارائه می نماید، مدلی ضد فرهنگی خواهد بود. زیرا تأکید آن بر عنصر جنسیت به منانه وجهی طبیعی و کارکردهای

بیولوژیک جنس مؤنث می باشد. در مدل بورژوازی، مقوله فرهنگ توسط مقوله ای طبیعی یعنی جنسیت و کارکردهای زیست شناسانه آن جایگزین گردیده است، جنبه غالب در این مدل عنصر طبیعی و غیر فرهنگی و وجه مغلوب و نادیده انگاشته در آن، ابعاد انسانی و فرهنگی وجود زن می باشد.

در طرف دیگر طیف، نگرشهای سنتی - مذهبی واقع شده که به صورت مرئی و گاه پنهان و زیرکانه نقطه عزیمت و مانی تعاریف و تفاسیر خود راجع به شخصیت، روابط متقابل اجتماعی و رفتارهای سیاسی و نیز جایگاه وجود شناسانه زن را در عنصر بیولوژیک جستجو می کند. محوری بودن عامل بیولوژیک در مدل سنتی - مذهبی خود را در تعیین نوع پوشش و لباس، تعریف مرزهای مجاز و غیر مجاز در مناسبات متقابل زن و مرد و هم چنین در مضمون ارزشها و باورهای مطلق گرایانه اخلاقی آن چون عفت و پاکدامنی، بارز می سازد.

مطابق با این نگرش آنچه همواره و به صورت مطلق دو جنس را به سوی یکدیگر می کشاند صرفاً میل جنسی می باشد، بنابراین میل جنسی یگانه عامل تهدید کننده عفت برای زن و پاکدامنی برای مرد است. از این نقطه به بعد است که جداسازیها و کنترلهای مذهبی اعمال می گردد و روان شناسی شک جنسی شکل می گیرد. این مدل بر واقعیت وجه طبیعی وجود، صرفاً تأکید می ورزد، بدون آن که قادر باشد آن را به صورت شایسته و مطلوب به سطح فرهنگی ارتقاء دهد و از این طریق افسانه اسارت غریزی را در هم شکند، تنها توصیه آن برهیز و در عمل جداسازی جنسی به اشکال گوناگون است.

در این نوع نگرش هر رابطه ای که خارج از دایره ارزشها و رفتارهای تعریف شده سنتی - مذهبی قرار گیرد، با بی بند و باری و بی عفتی برابری می کند. زنی که این مدل ارائه می کند در اعماق ذهنش از نوعی هراس و بدبینی جنسی نسبت به پیرامون خود رنج می برد، به طوری که این ذهنیت در شخصیت، مناسبات و رفتار روزمره وی انعکاس می یابد. این سنخ زن قادر است فقط در چارچوب و فضای سنتها، آداب و رسوم، افکار قالبی و موارث فرهنگی جامعه ای که در آن پرورش پیدا کرده، تنفس کند و بیندیشد. او در ورای سنتها، باورها و ارزشهای سنتی - مذهبی رایج در عصر خویش، به درک ارزشها و باورهای نوینی که قادرند اندیشه، مناسبات عادی و زندگی وی را دگرگون ساخته و از جهش تکاملی خیره کننده ای بهره مند سازند، نایل نیامده است.

الگوی زن رها

فارغ از قضاوتی بی بندارانه، از رهگذر مطالعه مقایسه ای مدلهای واقعی و موجود، همانا باید اذعان نمود که در هیچ کجای تاریخ و جهان کنونی، زنی شایسته تر از زن انقلابی کمونیست نمی توان سراغ گرفت. وجودی آگاه و رها در دو پهنه اندیشه و عمل.

برای این سنخ زنان، شاحص و رهایی، به درستی همانا نیل به درک جدید از خود و جهان و خروج از دایره تنگ نظرانه اخلاق و ائین خرد بورژوازی و نفی بردگی مدرن سرمایه داری از طریق کسب ارزشهای نوین انسان شناسانه و فلسفی سوسیالیستی است. در عصر ما زن حامل ارزشهای رهاییبخش سوسیالیستی قادر بوده بن سنخهای دیرینه ی فرهنگی و تاریخی جنس مؤنث را در هم شکند و شکستهای جدی و عقب نشینیهای بی بازگشت را بر ایدئولوژی جنسی تحمیل نماید. زن انقلابی کمونیست ملهم از آرمانهای مساوات طلبانه کمونیسم و جنبش انقلابی طبقه کارگر، وجدانه نهضت جهانی برابری جنسی را به پیش برده و از درغلطیدن به فمینیسم از یک سو و اسارت در نگرشهای مردگرایانه از سوی دیگر، مصون مانده است.

تساخ شایستگی درجه ی رهایی است و رهایی به نوبه باید با میزان ترقی ارزشهایی که به مثابه راهنمای عمل به طور روزمره نقش ایفا می کنند، تعریف و مشخصه شود، والا شایستگی و رهایی مفاهیمی مهم و کلی بیش نخواهند بود. فی المثل وقتی گفته می شود فلان گروه از زنان، رها هستند، در کام نخست باید دید کدامین ارزشها را نمایندگی می کنند. بر این منوال اطلاق مفهوم "رها" به منزله یک کیفیت منحصر به فرد، شایسته یک زن انقلابی کمونیست به دلیل احراز ارزشهای فوق العاده مترقی و انسان دوستانه کمونیستی است. این سنخ زن حامل ارزشهایی است که خود منبعث از تکامل یافته ترین اندیشه ای می باشد که بشر در فرایند تاریخ تکامل اندیشه به آن نایل آمده است. اندیشه ای که در تطابق کامل با سرشت پاک و عواطف عمیق انسانی شکل گرفته و فاقد کمترین تعارض با نیازها و عواطف واقعی بشر می باشد. اندیشه ای که در ابعاد انسان شناسانه، بی وقفه خواستار تحول فزاینده بشر از نوعی طبیعی به عنصری فرهیخته بوده و نیز تمامی موانع مسیر فرهیختگی و مکانیسمهای رفع آن را با نگاهی علمی و در عین حال عمیقاً انساندوستانه کشف و ارائه نموده است.

هدف این نیست که زن کمونیست را به اسطوره مبدل سازیم به نحوی که به یک الگو و پدیده متافیزیکی غیر قابل وصول برای انسانهای مشتاق



فدایی شهید رفیق مهرنوش ابراهیمی

رهایی تبدیل شود. فضیه روشن است، تا جایی که ظرفیتهای تاریخی عصر ما اجازه می دهد، زن کمونیست با اندیشه و عصیان انقلابی خویش، موجبات بسط و توسعه مناسبات برابری و شایسته انسانی را در قبال مناسبات کالایی و روابط پدرسالارانه مذهبی فراهم آورده است. او بخش مسکوت، عقب نگاهداشته شده و تحقیر گشته بیکره حیات آدمی و تاریخ را به حرکت و جنبش درآورده و در برابر جهان نابرابر و تبعیض جنسی بدان هويت مقاومت بخشیده است. او خود به این شایستگی اشراف دارد، زیرا اذعان می کند:

"من آن دریای خروشانم در جهان من آنم که خیر دهم از آزادی" (۲)



فدایی شهید رفیق نزهت روحی آهنگران

مارکس در مقدمه کاپیتال به نکته ای اشاره می کند که جا دارد در حوزه جامعه شناسی شناخت به تفصیل به آن پرداخت. پیشوای کبیر رهایی عتوان می کند آدمی قادر است به لحاظ ذهنی و رای عصر تاریخی خویش قرار گیرد. معدود انسانهایی قادرند به چنین موقعیتی در یک دستگاه فکری و نظری جامعه دست یابند. به درستی دستیابی به چنین درجه ای از رهاییافتگی از شرایط عینی و جبرهای تاریخی ویژه انقلابیان برجسته و نه حتی عناصر صرفاً مترقی می باشد. به جرات می توان گفت در میان زنان، همانا زن انقلابی کمونیست چنین موقعیتی را احراز نموده است. این سنخ زن یا به چالش طلبیدن باورهای سنتی و افکار قالبی که در طول تاریخ از خلال فرهنگ عامه و آداب و رسوم به وی منتقل شده، به خودآگاهی نایل آمده بقیه در صفحه ۱۴

زنان و مسیر رهایی

— لایلا

usalayla@yahoo.com

بنیادگرایان بنگلادشی و تلاش برای تصاحب قدرت

۷ فوریه - به دنبال اتحاد ۴ حزب که در اپوزیسیون دولت هستند و رهبری آنان را Begum Khaleda cia نخست وزیر سابق بنگلادش به عهده دارد اعلام اعتصاب علیه دولت شد. این اعتصاب پیامد تظاهرات گسترده ای بود که ماه گذشته بنیادگرایان در اعتراض به غیر قانونی اعلام شدن فتوای رهبران مذهبی در مورد مجازات زنانی که با مردان غیر از همسر خود رابطه دارند، صورت می گیرد. در این تظاهرات ۹ نفر توسط پلیس کشته می شوند طرفداران بنیادگرایان از خانم Hasina نخست وزیر بنگلادش خواسته اند که استعفاء بدهد ولی او می گوید مخالفین به دنبال "راه کوتاه برای رسیدن به قدرت هستند".

زنان در ارتش انگلیس

۱۳ فوریه - خبرگزاری اسوشیتدپرس از لندن گزارش داد که دولت حزب کارگر انگلیس که برای جلب زنان برای پیوستن به ارتش تلاش فراوان کرده است، (طوری که از سال ۱۹۹۷، ۲۳ درصد به تعداد زنان افزوده است) اخیراً مورد انتقاد شدید مخالفان خود قرار گرفته است. ماجرا از این قرار بوده که عکس عربانی از یک زن جوان ارتشی مستقر در میان محافظان صلح در بوسنی در روزنامه ها چاپ می شود. این حرکت سبب خشم مخالفان زنان در ارتش شده و گفته اند که این زن ارتش را به بازی گرفته است اما دولت انگلیس فقط ابراز تأسف کرده است.

در انگلیس زنان می توانند در کشتهایی نیروی دریایی، توپخانه ها و یا خلبان نیروی هوایی شرکت کنند، اما نمی توانند در خط مقدم و یا در ناوگان سلطنتی و رانندگی تانک و در زیر دریایی ها خدمت کنند. ۱۶ هزار زن در ارتش انگلیس که حدود ۸ درصد پرسنل را تشکیل می دهند خدمت می کنند اما ۱۳ درصد افراد جدید زن هستند. زنان حامله مجبور به ترک خدمت نبوده و برخی از سربازخانه ها نیز مختلط هستند. طبق مقررات اتحادیه اروپا ورود زنان به یگانهای جنگی بایستی آزاد باشد. دولت های کانادا، دانمارک، نروژ و اسرائیل به زنان اجازه ورود به خط مقدم را داده اند. سخنگوی وزارت دفاع

انگلیس در این مورد می گوید که موضوع نبودن زنان در یگانهای جنگی فقط مربوط به ضعف و یا قوای جسمانی آنان نیست بلکه دیده شده است که مردان هنگامی که زنی مجروح می شود سعی می کنند به آنها کمک کنند و نمی توانند مانند مردان زخمی آنها را رها کرده و به کار خود ادامه دهند.

مرگ کارگر ۱۰۷ ساله

۱۷ فوریه - خانم روز فریمن آخرین نفر از ۱۴۶ کارگر خیاطی که در سال ۱۹۱۱ در آتش سوزی بزرگ کارخانه ای در نیویورک زنده مانده بود در سن ۱۰۷ سالگی درگذشت. این آتش سوزی که قربانیان آن اکثراً دختران و زنان بودند سبب ایجاد اصلاحات امنیتی در کارخانه ها شد که تا امروز بزرگترین اصلاحات در کارخانه های صنعتی به حساب می آید.

ازدواج های دسته جمعی

۱۹ فوریه - اسوشیتدپرس - دولت ایران به خاطر بالا بودن سطح بیکاری که مانع اساسی پیش روی جوانان برای ازدواج است آنان را به ازدواج های دسته جمعی و کم خرج تشویق کرده است. این ازدواجها در دو روز متوالی در محل وزارت کشور صورت گرفت که در روز اول ۱۷۰۰ زن و مرد جوان و در روز بعد ۱۴۰۰ نفر با یکدیگر ازدواج کردند. کسانی که این ازدواجها را ترتیب می دهند طرفداران خامنه ای هستند. مردم فقیر از دهکده های اطراف برای شرکت در این مراسم به تهران می آیند. درصد بیکاری که به تخمین رژیم هم اکنون ۳۰ درصد می باشد از مهمترین عوامل دست زدن جوانان به این ازدواجهاست. گفته شده است که در این مراسم که از موسیقی محلی استفاده می شود مردها با مردها می رقصند و زنها نشسته تماشا می کنند و دست می زنند.

شکایت زنان از کم کاری مردان

۲۰ فوریه - رویتر بخش سلامتی - خانم مارگارت کلارک از بخش بهداشت و سلامت خرگزاری رویتر گزارش داد که زنان عموماً به خاطر این که پس از کار در بیرون از خانه وظایف سنگین خانه را نیز به عهده دارند از نظر روحی و روانی عصبانی تر و مشوش تر از مردان هستند که باعث ضعیف شدن آنان از نظر فیزیکی می شود.

لغو برده داری در نیجریه

۲۰ فوریه - اسوشیتدپرس - رئیس جمهور نیجریه در یک کنفرانس سه روزه اعتراض شدید خود را نسبت به قاچاق زنان و کودکان اعلام کرد و گفت مبارزه با این مشکل باید به حدت و شدت مبارزه با برده داری باشد. بنابراین

گزارش سازمان ملل سالانه ۷۰۰ هزار زن و دختر از سراسر جهان به طور قاچاقی از مرزها خارج شده که بسیاری از آنان وادار به بردگی جنسی می شوند. رئیس جمهور نیجریه گفت "قاچاق زنان و کودکان شبیه تجارت بردگان در قرن ۱۸ و ۱۹ است و باید به همان صورت با آن مبارزه کرد."

محکومیت ۳ فرمانده صربیی

۲۳ فوریه - گزارش نیویورک تایمز - دادگاه بین المللی جنایات جنگی سازمان ملل ۳ سرباز سابق بوسنی را به جرم تجاوز و شکنجه زنان در دوران جنگ محکوم شناخت. این اولین تریبونال بین المللی می باشد که افرادی را به خاطر بردگی جنسی محکوم می کند. دادگاه نتیجه گیری کرد که این افراد دختران جوان را از سن ۱۲ سالگی تا حدود ۸ ماه وادار به بردگی جنسی کرده آنها را اجاره داده یا به سربازان دیگر فروخته اند. این دادگاه برای اولین بار این تجاوز را جنایت علیه بشریت خواند، در صورتی که در سابق آن را فقط تجاوز یا شکنجه می دانست. این سه نفر که بین سنهای ۲۴ تا ۳۹ ساله هستند به ۲۰، ۲۰ و ۲ سال زندان محکوم شدند.

در همین رابطه کمیته زنان شورای ملی مقاومت اطلاعیه ای صادر کرده و خواستار محاکمه آمران و عاملان جنایت علیه زنان در ایران شدند. در این اطلاعیه نوشته شده که "بر اساس فتوای خمینی طی دو دهه گذشته زندانیان سیاسی زن تحت ذیالنه ترین شکنجه های جنسی قرار گرفته و هزاران تن از آنان توسط شکنجه گران و پاسداران مورد تجاوز قرار گرفته اند."

دو زن در افغانستان حلق اویز شدند

۲۳ فوریه - بالغ بر هزار نفر شاهد حلق اویز شدن ۲ زن به جرم خودفروشی بودند. جرم این زنان "الودن جامعه" بوده است. این دو زن در حالی که صورتهایشان در پشت مقنعه پوشانده شده بود در استادیوم ورزشی به قتل رسیدند. دو زن دیگر پس از آن که به جرم روابط نامشروع در ملاء عام شلاق خوردند یکی به ۱۰ سال و دیگری به دو سال زندان محکوم شد.

زنان کانادایی و تکنولوژی

۲۲ فوریه - تورنتو سی ان دلیسو - بر اساس یک بررسی زنان کانادایی به ویژه در سنهای بین ۱۸ تا ۳۴ سال در شناخت و تسلط به تکنولوژی و استفاده از اینترنت بر مردان برتری دارند. نتایج این بررسی نشانگر این است که دیگر زمان آن که مردان این صنعت را در اختیار داشتند گذشته و زنان دیگر ناآشنا و تازه وارد نیستند و هم اکنون سهم

بیشتری در پیشبرد روابط شبکه ای دارند.

پلیس اسکی

۵ مارس - رویتر - روزنامه کیهان در روز یکشنبه گزارش داد که جمهوری اسلامی برای اطمینان خاطر از این که دختران و پسران در هنگام اسکی کردن از یکدیگر جدا باشند پلیسهای ویژه ای را بدین منظور تعیین کرده است. روزنامه کیهان نوشت: "پلیسهای آزموده ای برای کسانی که اعمال خلاف اخلاق می کنند تعیین شده است." پلیسهای اسکی زنان و مردانی هستند که با لباسهای اسکی جوانان را تعقیب می کنند.

تجاوز به زنان در زندانها

سازمان عفو بین الملل گزارش داد که در بسیاری از زندانهای ایالت امریک زنان مورد تجاوز جنسی و سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند و دولت هم نسبت به این مسأله اقدامی نمی کند. در گزارشی که ویلیام شولتز دسیر اول سازمان ملل داده است گفته شده که این اعمال توسط مأموران زندان انجام می شود و نه از طرف زندانیان دیگر.

سفر زنان به خارج از کشور

۸ مارس - سرانجام شورای کهنین لایحه آزادی سفر زنان به خارج از کشور را که قبلاً مجلس تصویب کرده بود، تأیید کرد. با این حال هنوز زنان متاهل باید اجازه همسر و زنان مجرد باید اجازه پدر را داشته باشند.

جایزه صلح

۹ مارس - اسوشیتدپرس - دو زن پاکستانی و یک زن از رواندا به خاطر فعالیتهايشان در بازسازی کوزوو در میان زنانی بودند که جایزه "صلح زنان در سده" اخیر را تصاحب کردند. این مراسم که از طریق سازمان ملل برگزار می شود به منظور قدردانی از زنانی است که کمکهای بزرگی در هنگام جنگ و برقراری صلح و دوران پس از جنگ به مردم مناطق جنگ زده کرده اند. با این حال زنان با همه خدماتشان تا به حال فقط ۱۰ جایزه صلح نوبل به آنها تعلق گرفته است. در روز جهانی زن هم چنین یک سازمان از گینه نو که برای جلب اعتماد و همکاری در بین مناطق از هم گسیخته و همین طور یک گروه کلمبیایی که ترتیب تظاهرات عظیمی از زنان برای صلح را ترتیب داده و هم چنین تشکیل شبکه جهانی زنان عبیه جنگ را دایر کرده جوایز صلح را دریافت کردند.

هشتم مارس، روز جهانی زن

— شهناز بیات

شیخی فقیه و عابد و زاهد بسیار ارزو داشت که امام زمان را ملاقات کند و از فیوضات ایشان بهره مند گردد. بدین منظور در مسجد جمکران واقع در نزدیکی شهر قم که معروف به مسجد امام زمان است معتکف شد. این اعتکاف باید ۴۰ روز طول می کشید بی آن که کوچکترین گناهی از آن شیخ سرزنند. شیخ با آب و اندکی نان خشک، روزها را سپری می کرد و تا می توانست از خوابیدن هم پرهیز می کرد و مدام به نماز و دعا و روزه داری مشغول بود. جز به پروردگار عالم و خلیفه او بر روی زمین یعنی امام زمان نمی اندیشید. ۴۰ روز و ۳۹ شب با عبادت و دوری از هر گونه گناه به پایان رسید. شب چهلم فرا رسید، شب موعود بود، خستگی و گرسنگی زیاد پلکهای شیخ را سنگین کرد و شیخ به خوابی عمیق فرو رفت.

در خواب دید که مجلس عروسی بزرگی برپاست و شیخ داماد این جشن عروسی است. عروس دختر باکره ۱۴ ساله زیبایی است. خلاصه زمان رفتن به حجله فرا می رسد. داماد که شیخ باشد با عروس تنها در حجله قرار می گیرند و شیخ آماده زفاف می شود. در همین هنگام کسی بر در اتاق حجله می کوبد.

شیخ می پرسد: کیستی؟ شخص پشت در می گوید: من همان هستم که تو می خواستی.

شیخ می گوید: نمی دانم کیستی؟ آن شخص می گوید: من امام زمان، خلیفه خدا بر روی زمین هستم و به دیدن تو آمده ام. شیخ می گوید: حالا نمی شود برو بعداً بیا. امام زمان خداحافظی می کند. در همین لحظه شیخ از خواب بیدار می شود و می فهمد که ۴۰ روز عبادتش بر باد رفته است.

این حکایتی رایج است که در بین مردم ایران دهان به دهان و راحت و بی پرده نقل می شود و عشق آخوند و شیخ جماعت به سبکس را بیان می کند.

۲۲ سال است که سرنوشت ملت ایران و زنان ایرانی به دست عقب مانده ترین و خشک مغزترین قشر جامعه افتاده است. دستاوردهای زنان که طی سالها مبارزه به دست آمده بود با انقلاب ۵۷ نه تنها نجات و تداوم نیافت بلکه آن اندک حقوق نیز از زنان سلب شد و مطالبات زنان و همین طور مردم زحمتکش از چاله به چاه افتاد. حکام تازه به دوران رسیده مرتجع با نیرنگ و با زور چماق، خواهان عقب بردن جامعه تا ۱۴۰۰ سال پیش و آن هم در عربستان شدند. چرا که در ایران باستان، با وجود تبعیضات و ستم طبقاتی، تبعیض جنسی به شکلی که در عربستان بود وجود نداشت. گفته اند که در دانشگاه جنیدی که مخصوص شاهزادگان بود، زنان پا به پای مردان تحصیل می کردند و همین طور در ایران باستان زنان در حکومت هم سهیم بودند و به پادشاهی هم می رسیدند.

۸ مارس روز جهانی زن، در کشور ما در حالی فرا رسید که زنان ایرانی هنوز هم از آزادی پوشش برخوردار نیستند و باید هم چون گوهری در صدف! خود را بیوشانند و از جمله قاضی شهر کرج، نیازهای خدایگان زمینی را برآورده سازند.

جنس زن به عنوان انسان کامل شناخته نمی شود، بدن زن به صورت تابو درآمده، زنان به خاطر فیزیولوژیک خود باید شرمسار باشند باید لباسهایی بپوشند که مبادا برآمدگی بدنشان آشکار شود و باعث تحریک مردان شود. معلوم نیست چگونه است که در کشور اسلامی مردان با دیدن چند تار مو تحریک می شوند ولی در کشورهای اروپایی مردان اروپایی و همین طور مردان مسلمان با دیدن زنهای نیمه عریان برخورد عادی و معمولی دارند.

حجاب اجباری به خاطر خویشتن داری و پرهیز از گناه نیست، مسأله جای دیگر است؟ حجاب اجباری سمبل محکومیت است. با حجاب اجباری مشخص می شود چه کسی حاکم است و چه کسی محکوم. چه کسی مالک است و چه کسی مملوک. بر در و دیوار می نویسند که بی حجابی زن از بی غیرتی مرد اوست. هر لحظه یادآوری می کنند و دست بر شانه مردان می زنند که تو مالکی، مواظب خود باش.

بدین ترتیب نیمی از جامعه را تحت سلطه نیمه دیگر درآورده و به انقیاد و انجماد می کشانند. نیمی از جامعه از دجالت در سیاست پس زده می شوند و فرمانبرداری را هر روز و شب، هر بار که روسری خود را به سر می کنند و هر بار که باید مطامع همسر خود را تامین کنند، تمرین می کنند.

اوج اعتلا و شکوفایی زن در نظام اسلامی، مادر خوب بودن است. "از دامن زن مرد به معراج می رود" یا "بهشت زیر پای مادران است"، ما قبول داریم که "مادری"، وظیفه ای سنگین و مسئولیتی ارزشمند است اما باید توجه داشت که هدف از این تر شیریه مالیدن بر سر زنهاست. یک زن قبل از این که مادر باشد یک انسان است. مادر بودن و وظایف مادری زیر مجموعه ای از انسان بودن و وظایف انسانی است. آنها با این شیوه می خواهند زنان را در خانه محبوس کنند می خواهند از زن انسانی درجه دو بسازند. می خواهند فعالیتها، افکار و حرکتهای او را محدود کنند و زن خوب فرمانبر پارسا در خدمت نظام مردسالار تربیت کنند.

روز جهانی زن در ایران در شرایطی فرا رسید که فشارهای اقتصادی و بیکاری چنان بر گرده کارگران و مردم محروم فشار می آورد که صحبت از دستمزد برابر برای کار برابر زنان و مردان نا به جا می نماید. این آشفته بازار، بیکاری و فشار اقتصادی برای زنان مضاعف می شود و چه بسا زنانی که راه و چاره ای نداشته باشند در دامهای فساد گرفتار آیند. و البته که این همان خواست حاکمان سرمایه دار است. مسلم است که کارگران و زحمتکشان یا جوانان بیکار و یا

معتاد، مشتریان و تجارت کنندگان سکس نیستند.

۲۲ سال است کشوری که میراث دار فقر و محرومیت و بی سوادی و کم سوادی از رژیم پهلوی بود به دست شیوخ حیلنه گر افتاده و هر سال دریغ از پارسال. بی سوادی و کم سوادی و به تبع آن فقر فرهنگی به خاطر نارسائیهای اقتصادی بیشتر و بیشتر به زنان در مناطق دورافتاده و در روستاها تحمیل می شود. زنانی که هرگز طعم آزادی و رهایی را نمی چشند و زنجیرهای خود را باور کرده اند.

۸ مارس روز جهانی زن در ایران رد حالی فرا رسید که مزد ایران از حداقل آزادی بیان هم محروم هستند، کتابها سانسور می شوند، نشریات توقیف می شوند و صحبت کردن از برابری زن و مرد ممنوع است. طبق قوانین حاکم زن نصف مرد محسوب می شود و هویت انسانی مستقل برای او به رسمیت شناخته نمی شود. اما چه باک، با وجود تمام شمشیرهایی که بالای سر مردم تاب می دهند جریان برابری خواهانه زنان همراه با جنبش دموکراسی طلبانه در جوش و خروش است.

زنان در تمام فرصتها و به هر شکلی اعتراضشان را نشان می دهند، از عقب کشیدن روسری گرفته تا خودکشی.

کسانی که امروز در بین دخترها و پسرهای جوان به خصوص در تهران زندگی می کنند می دانند و می بینند که در اقشار متوسط و مرفه جامعه روابط جنسی بین دخترها و پسرها که رژیم آن را تهاجم فرهنگی یا فساد می نامد نه از روی فقر و تهیدستی که به صورت آگاهانه و انتخابی رواج دارد. دخترها دیگر حاضر نیستند مردی به خاطر ارضای نیازهای جنسی از آنها خواستگاری و تقاضای ازدواج کند آنها ترجیح می دهند حساب نیازهای جنسی در ردیف نیازهای فیزیولوژیک قرار بگیرد و ازدواج تنها از روی تفاهم فکری و عقیدتی و از صمیم دل باشد. امروز دخترها عقدنامه ازدواج را عهدنامه "ترکمن چای" می نامند، که در آن زن حق طلاق ندارد و این حق به صورت یک جانبه به مرد داده شده است. در صورت طلاق زن حق سرپرستی از فرزند خود را ندارد، مالک جسم خود نیست و برای بیرون رفتن از منزل باید از مرد اجازه بگیرد و خلاصه یعنی بردگی زن برای مرد.

زنان ایران می دانند که نظام جمهوری اسلامی ظرفیت تغییر ندارد و قوانین آن بر اساس نفی حاکمیت مردم و پایمال کردن حقوق زنان تنظیم شده است.

مبارزه زنان برای رهایی و کسب حقوق برابر از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست. زنان ایران امید آن را دارند که با تلاش و مبارزه حقوق خود را همراه با آزادی و دموکراسی برای همه مردم ایران، تمام و کمال به دست آورند که بدون به رسمیت شناختن حقوق برابر زنان و مردان دموکراسی هم معنایی ندارد.

گزارش -

دادگاه جنایت علیه بشریت

روز یکشنبه ۴ مارس، دومین جلسه دادگاه مردمی جنایت علیه بشریت به ابتکار سازمان مجاهدین خلق ایران، در شهر واشنگتن برگزار شد. این جلسه با شرکت ۳ قاضی (دو زن و یک مرد) و ۵ نفر هیأت منصفه ترتیب داده شده بود که به سخنان خانم رب زندانی سیاسی رژیم جمهوری اسلامی گوش کنند. از طرف قاضی و هیأت منصفه سؤالات متعددی از ایشان در مورد طریق دستگیری، بازجویی و رفتار عوامل رژیم در زندان توسط قضات مطرح شد.

خانم رب در مورد تجاوز به دختران در زندان، حقایق تکان دهنده ای را بازگو کرد. او گفت که: "رفسنجانی در نماز جمعه در شهریور سال ۶۱ گفت که: حضرت آیت الله منتظری فتوا داده اند که دختران منافق را قبل از اعدام پاسداران بسایند به همسری خود درآورند و پاسداران ما انقدر از خودگذشتگی نشان داده اند که این کار را کرده اند." او هم چنین گفت که موردهای تجاوز، زیاد بودند دخترهای زیادی بودند که می ترسیدند و به دروغ می گفتند که شوهر دارند.

یکی از قضات از خانم رب خواست که چند مورد از تجاوزهایی که ایشان به طور شخصی اطلاع دارد را توضیح دهد. خانم رب از سیمین زانندی نام برد که یک مهاجر خوزستانی بود که هنگامی که جنازه اش را تحویل خانواده اش دادند زیر ناخنهای او خاک بوده. او گفت که فردی که از

بقیه در صفحه ۱۹

زنان در مبارزه

— اسد طاهری

هشتم مارس، روز جهانی زن از بطن مبارزه زاده شد. در سال ۱۹۰۸ در چنین روزی صدها زن کارگر فقیر که بسیاری از آنها از مهاجران اروپای شرقی بودند، کارگاههای دوزندگی را ترک کرده و در میدان یونیون نیویورک گرد آمدند و تظاهراتی بزرگ برپا کردند.

تظاهرکنندگان اعلامیه و تراکتهایی با عنوان "به زنان رأی دهید" را با خود حمل می کردند. تقاضای آنان برای افزایش حقوق و بهبود شرایط کار ضربه ای بر کاپیتالیسم بود. سخنرانیهای آنان که خطاب به رؤسا، آربابها، بانکداران و تمامی کسانی که از آنها بهره کشی کرده بودند، نشانه آگاهی فوق العاده انقلابی طبقه کارگر بود.

شهادت صدها زن کارگر که خواسته های خود را جهت زندگی بهتر خود و خانواده شان اعلام می کردند در رأس خبرها قرار گرفت. وقتی این خبرها به اروپا رسید، کالارازتکین بانوی سوسیالیست المانی آن را نشانه جنبش زنان طبقه کارگر تلقی کرد. وی از زمانی که خواسته حقوق برابر برای زنان را در جنبش سوسیالیستی در سال ۱۸۸۹ عنوان کرده بود منتظر چنین حرکتی در آمریکا بود. سرانجام در سال ۱۹۱۰ به رهبری زتکین و با حمایت روزالوکرامبورگ و نیز الکساندرا کولاتسای و لنین از روسیه، در کنفرانس بین الملل دوم سوسیالیستها که در کینشاک تشکیل گردید، هشتم مارچ را روز بین المللی زن اعلام داشتند.

روز بین المللی زن، نماد مبارزه برای رهایی زنان از بهره کشی امپریالیسم، قرنهای غلبه و تسلط پادشاهی و تمامی اشکال سرکوبی و بی عدالتی بود. روز بین المللی زن در سال ۱۹۱۷ و در میان جنگ بین المللی اول ندای چنین روحیه انقلابی بود. هزاران زن در صنایع دوزندگی پتروزبورگ دست به اعتصاب زدند و در حالی که در خیابانها راهپیمایی می کردند فریاد می زدند "صلح، نان، زمین". در این جا مردان طبقه کارگر به آنان پیوستند و جمعیت تظاهرکننده به ۹۰ هزار نفر رسید. این اعتصاب که زنان کارگر آن را

در روز جهانی زن آغاز کردند اولین زنگ انقلاب روسیه بود که اولین دولت کارگری را هشت ماه بعد تشکیل داد. سالها پس از آن زنان سوسیالیست دیگر، از شانگهای، ژوهانسبورگ، از برلین تا مکزیکوسیتی، میلوکی تا رشت و ... روز جهانی زن را با آگاهی کامل طبقاتی به عنوان یک روز مهم مبارزه برگزیدند.

در دهه ۱۹۵۰ به علت سرکوبی شورانه جنگ سرد و تبلیغات ضد کمونیستی در آمریکا این سنت مبارزاتی جدی گرفته نشد و گروههایی چون صنف زنان بین الملل برای صلح و آزادی کوشیدند که روحیه این روز را زنده نگهدارند ولی این روز مثل گذشته مشعل آزادی زنان نبود. سال ۱۹۷۰ در آمریکا موقعیت جنبش حقوق مدنی و زمینه مناسب جنبش صد جنگ فضای انقلابی تازه ای به وجود آورد. بسیاری از آنان بر ضد وضع طبقاتی خود، داشتن حقوقی نصف حقوق مردان، تفکیک مشاغل به عنوان مشاغل زنانه و مشاغل مردانه، وجود دو معیار متفاوت برای رفتارهای جنسی زنان و مردان، سقط جنین غیر قانونی، سکوتی که خشونت‌های محلی و تجاوزات جنسی به محارم را در خفا نگه می داشت و مقایسه زنان با معیار ملکه های زیبایی اروپا شورش کردند. در این میان مبارزاتی چون فانی لوهامر، زن سیاهپوست آمریکایی و زنان مبارز ویتنامی که در خط اول جبهه غلبه امپریالیسم می جنگیدند به آنها شهادت و دلیری می بخشیدند، گرچه بسیاری از کسانی که جنبش آزادی زنان را پایه گذاشتند مردان را به عنوان دشمن نگاه می کردند ولی دیگران سیستم کاپیتالیستی را به عنوان منبع ستم و بهره کشی از زنان عنوان ساختند، چون زنان در این سیستم جرو اموال خصوصی مردان به حساب آمده و بر همین روال با آنان رفتار می شد.

تاریخ جنبش زنان در ایران

در کشور ما جنبش زنان سابقه طولانی دارد. بعضی از مورخین جنبش تناکو را نقطه آغاز جنبش زنان می دانند، اما حقیقتاً باید جنبش بابیه (قبل از جنبش تناکو همگام با سلطنت محمد شاه و ناصرالدین شاه) را به عنوان آغاز مبارزه زنان ایرانی نامگذاری کرد. زیرا در این جنبش

بود که مسائل خاص زنان از قبیل متمه (صیغه)، حساب و تعدد زوجات به صورت مسائل اساسی و مستقل مطرح گردید که برجسته ترین رهبران این جنبش قهره العین (طاهره) پرچم مبارزه با دیکتاتوری شاهنشاهی - آخوندی و مردسالاری را برافراشت.

در کتاب "تاریخ مشروطیت" آمده، که در روزهای پس از بمباران مجلس، زمانی که ملایبی در میدان توپخانه بر ضد مشروطیت سخنرانی می کرد، زنی از میان جمعیت بیرون آمده، اسلحه ای از زیر چادر خود بیرون آورده و چندین تیر به سوی او شلیک می کند. این زن قهرمان بلافاصله دستگیر و در محل اعدام می شود. در بخش دیگر این کتاب نوشته شده که زنان در روزهای پر تلاطم تاستان (۱۹۰۸) نه تنها به تظاهرات خیابانی علنی بر ضد حکومت محمد علیشاهی دست زدند، بلکه در روزهای پس از به توب بستن مجلس بسیاری از مبارزاتی را که حکومت قاجار در جستجوی آنها بود، در خانه های خود پنهان می کردند. هم چنین پس از سرکوب موفق جنبش در تهران و در روزهایی که مردم تبریز، تحت رهبری ستارخان و باقرخان در مقابل ارتش ارتجاعی محمد علیشاهی دست به مقاومت زده بودند، زنان یک بار دیگر، شانه به شانه مردان در مبارزه مسلحانه خلق شرکت کردند.

در کتاب "تاریخ مشروطه ایران" به این مطلب اشاره می کند که بسیاری از زنان تقاضا کرده بودند تا به آنها اجازه داده شود که در جنبش مسلحانه بر ضد حکومت مرکزی در زیر نام "فدایی" شرکت کنند.

همچنین در کتاب "زنان روزنامه نگار" نوشته شده که در پی یکی از برخوردهای مسلحانه که میان نیروهای انقلابی در تبریز و نیروهای ارتجاعی سلطنتی به وقوع پیوسته بود، در میان کشته شدگانی که از نیروهای انقلابی به جا مانده بود جسد بیست زن شناسایی شد که جامه مردانه به تن کرده بودند.

درک صحیح از نهضت‌های آزادیخواهانه کشورهای دیگر، افکار مترقی را در بین زنان ایران گسترش داد. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، در توسعه جنبش رهاپیش مردم ایران تاثیر بسزایی داشت. در این زمان سازمانهای سیاسی در سراسر

کشور به وجود آمد در سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۲) حزب کمونیست ایران تأسیس گردید و همزمان با ایجاد این حزب سازمانهای زنان نیز در شهرها به وجود آمد. جمعیت نسوان وطنخواه، جمعیت بیداری نسوان و مجمع انقلاب زنان در شیراز - جمعیت پیک سعادت نمونه هایی از این سازمانها به شمار می آیند. حکومت ارتجاعی رضا خان جمله صدیقی و شوکت روستا دو نفر از رهبران این انجمن را به علت فعالیتهای سیاسی به ۴ سال حبس در زندان زنان تهران محکوم کرد. از نکته های قابل ذکر این که جمعیت پیک سعادت روز هشتم مارس روز بین المللی زنان را روز زنان ایران اعلام کردند.

از دیگر زنان مبارز این دوره پروین اعتصامی شاعر حساس و آگاه خلق بود که در عرصه ادبیات و از طریق اشعار خود به روشنگری خلق علیه ارتجاع دست زد.

تا به کجا جان کنندن اندر آفتاب ای رنجبر

ریختن از بهر نان از چهره اب یا رنجبر

زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک و بد

چیست صورت جز نکوهش با عتاب ای رنجبر

از حقوق پایمال خویشتن کن پرشی

چند می ترسی زهر خان و جناب ای رنجبر

جمله آنان را که چون زالو مکنند خون بریز

و ندر آن خون دست و پای کن حصاب ای رنجبر

فروع فرحزاد نیز نمونه ای دیگر از زنان مبارز ایران که در عرصه ادبیات کشور ما درخشید و با اشعار خود به بیان واقعیت تلخ اجتماع ایران و سایه سیاه حکومت دیکتاتوری شاه و کودتا پرداخت.

من در میان توده سازنده ای قدم به عرصه هستی نهاده ام که گرچه اما به جای آن

میدان دید باز و وسیعی دارد

که مرزهای فعلی جغرافیایی اش

از جانب شمال به میدان پر طراوت و سبز تیر

و از جنوب به میدان باستانی اعدام

و در مناطق پر ازدحام به میدان توپخانه رسیده است.

و در شعر دیگری نوید مبارزه و آزادی می دهد:

کسی می آید

کسی می آید

کسی که در دلش با ماست در نفسش با ماست در صدایش با ماست

کسی را که بودنش را

نمی شود گرفت

و دست بند زد و به زندان انداخت

کسی که زیر درختهای کهنه یحیی بیجه کرده است

و روز به روز

بزرگ می شود، بزرگتر می شود

کسی که از آسمان توپخانه در شب آتش بازی می آید

و سفره را می اندازد

و نان را قسمت می کند

و تشریت سیاه سرفه را قسمت می کند

درختهای دختر سید جواد را تقسیم می کند

و هر چه که باد کرده باشد قسمت می کند

و سهم ما را هم می دهد

در زمینه مبارزات صنفی کارگران ایران در این دوره، به عنوان مثال در ۱۵ آبان ۱۳۳۸ کارگران زن کارخانه شهنواز اصفهان که خواهان حقوق ناچیز خود به میزان ۳۵ ریال که مطابق قانون در سال ۱۳۲۵ بود و اجرای مواد قانونی کار را طلب می کردند با خشونت مدیریت کارخانه رویرو شده و دو نفر از کارگران به دست سازمان امنیت توقیف گردیدند. در ادامه اعتراضهای کارگران در روز ۱۶ آبان تمام کارگران جمعی اعتصاب کردند. که به دنبال این اعتصاب عده

بقیه در صفحه ۱۳

زنان در مبارزه

بقیه از صفحه ۱۲

ای از طرف سازمان امنیت توقیف و ۱۸ نفر به رفسنجان تبعید و ۸۰ نفر از کارگران اخراج شدند. سال بعد کارگران همین کارخانه به اعتصاب و کم کاری مبادرت ورزیدند و این بار خواست آنان اضافه دستمزد و برگرداندن کارگران اخراجی شدند. رهبران اعتصاب از طرف رژیم بازداشت شدند ولی بعد از شش روز از اعتصاب آنها به برخی از خواسته های خود دست یافتند. و یا می توان در اعتصابات و تظاهرات کارگران کارخانجات قرقره زیبا نام برد. این اعتصابها که از دهم اسفند ۱۳۴۹ به وقوع پیوست در حدود ۵۰۰ نفر از کارگران که بیشتر دختران ده تا هفده ساله بودند، به عنوان اعتراض به شرایط کار و دستمزد نازل دست به اعتصاب زده و از محل کارخانه که در هیجده کیلومتری جاده کرج به طرف تهران حرکت کردند که مورد حمله مامورین شاه قرار می گیرند و عده ای از آنان دستگیر و تعدادی مجروح و مصدوم شدند.

رژیم ضد خلقی شاه جز چپاول منابع و ثروت طبیعی و استثمار هر چه بیشتر مردم برای اربابان خود هدف دیگری نداشت، از جنبش زنان مبارز همگام با رفقای مرد در مبارزات خلق به هراس آمده برای خاموش کردن این حرکت منطقی تاریخی به یک سری تبلیغات پوشالی دست زد، و با طرح "آزادی زنان در انتخابات" و "سواوی حقوق زن و مرد" و "قانون حمایت از خانواده" سعی نمود که با چنین تبلیغاتی زنان ایران را ساکت کند و شاه با شرکت دادن چند زن وابسته به هیات حاکمه در شغل های وزارتی و وکالتی می خواست آزادی زنان را در ایران نشان دهد.

با رشد مبارزات روشنفکران ایران، زنان روشنفکر نیز تأثیر پذیر از این مبارزات همگام برادران و رفقای مبارز خود به مبارزه با امپریالیسم و رژیم وابسته شاه برخاستند. شرکت زنان مبارز روشنفکر در مبارزات توده ای در دانشگاهها و مبارزات ملی، سازمانهای فدایی و مجاهدین سندی معتبر بر پوشالی بودن تبلیغات رژیم وابسته شاه بود.

بر کسی پوشیده نیست بدون شرکت گسترده زنان مبارز امکان پیروزی انقلاب ۵۷ میسر نبود. شمار زیادی از زنان با همان خواسته و انگیزه مردان، در ادارات، مدارس، دانشگاهها و کارخانجات اعتصاب و راهپیمایی کشانده شدند. هیچ گاه زنان به یاد نخواهند برد آن وعده و وعیدهایی که خمینی دجال چه در پاریس و چه در بدو

ورود به ایران به زنان داد. او به زنان اطمینان می داد که در حکومت آینده موقعیت و جایگاه زنان بهتر از زمان شاه خواهد بود. کمتر از یکی دو ماه بعد از انقلاب حملات مرتجعانه خود را بر علیه زنان آغاز کرد. چون می دانست با روند انقلاب آگاهی زنان روز به روز بیشتر می شود و ملایان دیگر نمی توانند برنامه های شوم ارتجاعی خود را بر آنان اعمال کنند. خمینی مصادف با روز جهانی زن سال ۵۸ بود که حجاب اجباری را برای زنان به عنوان یونیفورم اعلام کرد، و روز جهانی زن را یک پدیده غربی و غیر اسلامی دانست. بعد از این سخنرانی و اطلاعیه خمینی جلا، هزاران زن مبارز در تهران و سراسر ایران به یک راهپیمایی گسترده دست زدند. بسیاری از زنان مبارز که از بند شاهی و پدرسالاری نظام کهنه آزاد شده و در جریان سازمانهای سیاسی فعال شده و دست به افشاکاری رژیم ارتجاعی زدند. از آن زمان به بعد حمله ارتجاعی رژیم به زنان چند برابر شد.

رژیم وحشت زده از زنان انقلابی، وحشت از مبارزات زنان، (جنبش بایبه، جنبش تناکو، انقلاب مشروطه و قیام ۵۷) به دنبال استقرار قوانین ضد انسانی، بی شرمانه کوشیدند در امور خصوصی زنان نظارت کنند. زنان را به عنوان پیدا بودن تار موی آنان و یا داشتن لاک ناخن و یا عطر به زندان، شکنجه، شلاق و سنگسار محکوم و عرصه زندگی را بر زنان کشورمان تنگ کردند. فشار رژیم بر زنان فقط به تحمیل حجاب و یا عملکردهای ارتجاعی در برخورد با حقوق زن نبوده است. زنان هوادار گروههای سیاسی مخالف رژیم، اقلیت ملی مذهبی (کردها، بهائیان و ...) مورد تهاجم رژیم بودند اجباراً وادار به ترک وطن کرده، زنان مبارز را به زندان انداختند و آنها را مورد تجاوز و بعد با بی رحمی آنها را اعدام می کردند. برای نمونه "آشنایی که سالهای سال آنها را می شناختم هفت فرزند داشت، فرزندان این خانواده در جریان انقلاب همه فعال بودند حتی دختر کوچکشان که در آن زمان ۱۴ ساله بود بعد از انقلاب ۵۷ یکی از پسران این خانواده که دانشجوی سال اول دانشگاه بود به صف حزب الله پیوسته و در جریان جنگ خائنانه ایران عراق کشته شد. دیگر افراد این خانواده از کار، دانشگاه و مدرسه اخراج شدند. دختر کوچک خانواده که از مدرسه اخراج و خانه نشین شده بود بعد از سه سال او را دستگیر و به زندان می برند. روز بعد یکی از پاسداران یلید به در منزل این مبارز و دلیر می رود و خود را داماد آنان معرفی می کند. والدین این زن مبارز که از همه جایی خبر بودند یکه

خورده و کنجکاوانه از او سؤال می کنند که چه دامادی هستی که ما تا حال تو را ندیده ایم و او می گوید دختر شما که در زندان بود او محکوم به اعدام شد و چون در قانون جمهوری اسلامی دختر باکره اگر کشته شود به بهشت می رود، چون دختر شما هوادار سازمانهای سیاسی بوده و گناه کار بوده پس باید به عقد یکی از برادران پاسدار در می آید و بعد او را اعدام کردند، این هم لباسهای او می باشد بگیری. پدر این زن دلیر و رزمنده که تا آن موقع سنگ آن فرزند دیگرش که در جنگ کشته شده بود، به سینه می زد، لباسهای دخترش را می گیرد و طرف او پرتاب کرده و به طرف او حمله ور می شود و پاسدار جنایتکار دست به فرار می زند." وقاحت و بی رحمی این درخیمان تا کجا پیش می رود، آری این است حکومت ولایت فقیه.

رژیم زنان را با فشار وادار به خانه نشین شدن، یا آنان را با سابقه سیار کم باز خرید و بازنشسته کرد. رژیم ارتجاعی خمینی زنان را برای خانه داری، رسیدگی به امور همسر دانسته و آنان را لایق کشورداری، اقتصاد و سیاسی نمی داند. در امر شهادت زنان حق کامل رأی را ندارند. و رأی دو زن برابر با شهادت یک مرد است. در نظام آخوندی سن قانونی زواج را ۱۳ سال کرده، اما در سن ۹ سالگی با اجازه پدر می توانند ازدواج کنند. این است آن آزادیهایی که خمینی به زنان وعده داده بود!

در شرایطی که ناقوس مرگ رژیم ولایت فقیه به وسیله مردم دلیر به خصوص زنان، دانشجویان، کارگران و زحمتکشان به صدا درآمده، در شرایطی که رژیم هر روز تعداد زیادی از وابستگان وزیر، سفیر و روزنامه کار خود را تحمل نمی کند و در برابر سیل خروشان قدرت خلق روبرو است. در زمانی که ترس تمام وجود رژیم را در بر گرفته و خطر آنها را تهدید می کند، نیروهای ضد خلقی خود را برای مقابله و سرکوبی با مبارزین خلق متحد می کنند. در مقابل دانشجویان، کارگران، زحمتکشان و به خصوص زنان روز به روز آگاه و منسجم تر در راه کسی استقلال، دموکراسی و صلح قدم بر می دارند. این مبارزات که در تمام سطوح و اقشار و طبقات خلقی مردم اوج نوبی می یابد در حرکت خود نیروهای ارتجاعی را به سوی مرگ به پیش می راند. در این زمان وحدت و همبستگی تمام اقشار و گروهنیهایی مردمی، سازمانها و گروههای سیاسی را طلب می کند.

اسفند ۱۳۸۹

زنان در کانون ستم و استثمار

بقیه از صفحه ۸

فعال شوند اما در عین حال توجه داشته باشند که آزادی آنان بستگی به آزادی تمام مردم تحت استثمار دارد. مبارزه علیه ستم جنسی و علیه سیستم طبقاتی سرمایه داری باید همزمان صورت گیرد ما هیچ گاه نمی توانیم پیروزی در یکی را بدون پیروزی در دیگری به دست آوریم بنابراین ما بدون هیچ قید و شرطی از مبارزه زنان برای دستیابی به نیازها و خواسته های خود دفاع کرده و باید تأکید کنیم که رهایی کامل زنان در مبارزه برای سرنگونی رژیمهای غیر دموکراتیک، ضدانسانی و مذهبی با هدف برقراری نظامی دموکراتیک، صلح جو و نهایی سوسیالیسم می باشد. ما باید ضمن حمایت از تشکلهای مستقل زنان و فعالیت در آنها در مبارزه برای جامعه ای عاری از تمایزات طبقاتی نیز فعالیت کنیم. بدون شرکت زنان در این مبارزات هرگز رهایی کامل به دست نخواهد آمد. زیرا مردم ستمدیده هر جامعه ای تنها زمانی توانسته اند پیشرفتها و پیروزیهایی به دست آورند که متحداً مبارزه کرده اند. برخی از فمینیستها معتقدند که زمان فعالیت های سازمان یافته و سیاسی، دیگر گذشته است و یا سازماندهی زنان بسیار مشکل است. آنها معتقدند که با تلاش فردی از کانال ادامه تحصیل و سحت کوشیدن می توانند راه خود را باز کنند اما سیستمهای سرمایه داری و با غیر دموکراتیک فکر می کنند با گرفتن چند زن در شغل بالا و پرداخت مزد خوب و مقامهای دهان پر کن می توانند بر مشکلات ریشه ای زنان سرپوش بگذارند. اما مشکلات زنان، جهانی و مشترک و رهایی زنان هم کاری است جمعی. حتی زنی هم که در کار موفق بوده، باز هم باید صدها و هزاران نفر را برای خواسته ی واحد سازماندهی کند. فعالیت های سازمان یافته در کمیته ها و گروهها و انجمنهای زنان برای دگرگونی سیستمهای طبقاتی و ارتجاعی باشد، نه تنها از جهت فیزیکی روانی و احساس به زنان کمک خواهد کرد، بلکه این اعتماد به نفس را نیز به ما خواهد داد که به طور سیاسی نیز سازماندهی شویم. مبارزه برای حقوق فردی و شرایط زندگی بهتر برای زنان در تشکلهای زنان، زنان را هم عوض خواهد کرد و در عین حال توجه را به مشکلات عمیق تر و ریشه دارتر متوجه خواهد کرد. بنابراین از آن جهت که زنان خود در کانون ستم و استثمار قرار دارند در مرکز مبارزات خداترجاعی و ضد امپریالیستی نیز قرار می گیرند. ما از زنان ایرانی دعوت می کنیم که برای آزادی و رفع تبعیض به کمیته زنان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بپیوندند.

زینتوس:

NAFTA-۱ قراردادهای تجارت آزاد آمریکای شمالی

مبارزه زنان در تاریخ

هر سال، ۸ مارس - روز جهانی زن - یادآور تظاهرات زنان کارگر صنعت نساجی نیویورک در ۸ مارس ۱۸۷۵ است. هدف از این تظاهرات، اعتراض به دستمزد کم در قبال ۱۲ ساعت کار روزانه طاقت فرسا بود. گرچه این تظاهرات به شکل خشونت آمیزی توسط پلیس از هم پاشیده شد، اما سه سال بعد، در مارس ۱۸۶۰، زنان کارگر با تشکیل اتحادیه‌ی خواسته‌پیشان را در خصوص بهبود شرایط کار و درآمد مساوی، تکرار کردند.

مراسم جهانی روز زن برای اولین بار در تاریخ ۸ مارس ۱۹۰۷، به طور غیر رسمی توسط زنان کارگر در حرفه دوزندگی برگزار شد. این مراسم برای بزرگداشت هزاران زن، که در اعتصاب‌های کارگری پیشمار اوایل قرن بیستم در برخی از مراکز کارگری، از قبیل مونترال، شیکاگو، فیلادلفیا و نیویورک، شرکت کرده بودند، برگزار شد. در این بزرگداشت، زنان برای حق رأی، دستمزد عادلانه، خاتمه شرایط کار صاقت فرسا و خاتمه بیگاری گرفتن از کودکان، دست به اعتراض زدند.

در سال ۱۹۱۰، در المان، در جریان دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست، کلارا زتکین، زن مبارز آلمانی، پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت مبارزات تاریخی زنان، روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن شناخته شود و مشکلات زنان، در جلسه‌ها و سخنرانی‌هایی مورد بحث قرار گیرد. زتکین خاطر نشان کرد که این را از مبارز زنان سوسیالیست آمریکایی الهام گرفته است.

پیشنهاد کلارا زتکین در این کنفرانس، توسط زنان ۱۷ کشوری که در این کنفرانس حضور داشتند، پذیرفته شد. در ۱۹ مارس ۱۹۱۱، در المان نخستین مراسم روز زن برگزار شد. علت انتخاب این روز، اهمیت تاریخی آن در مبارزات پروتاریای المان بود. در سال ۱۹۱۰، مجدداً این سالروز به هشتم مارس منتقل شد که از آن پس به عنوان "روز جهانی زن" در تاریخ ملتها ثبت گردید. در سال ۱۹۱۹ برای اولین بار در میثاق جامعه ملل تساوی بین زن و مرد مطرح شد.

زنان مبارز روسیه برای اولین بار روز زن را در هشتم مارس ۱۹۱۳ جشن گرفتند. در آن زمان، به رغم فشارهای شدیدی که از طرف حکومت تزاری بر مردم وارد می شد، زنان، در شهرهای سن پترزبورگ و مسکو جلسه‌های بحث و سخنرانی تشکیل داده و تصمیم به انتشار مجله‌ی بی به نام "زن کارگر" گرفتند.

در سال ۱۹۱۵ و همزمان با شروع جنگ جهانی اول، زنان تلاش کردند که روز هشتم مارس "روز تظاهرات زنان بر ضد جنگ" شناخته شود و در آن تظاهراتی در سطح بین‌المللی انجام پذیرد، ولی به دلایل مختلف، این تظاهرات صورت نگرفت و تنها در کشور نروژ در آن روز تظاهراتی برگزار شد.

در ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۲۱ قرارداد بین‌المللی "الغای خرید و فروش زنان و کودکان" به تصویب رسید. دولت ایران در سال ۱۹۲۱ این قرارداد را امضاء کرد. در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ "اعلامیه جهانی حقوق بشر" به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. در اعلامیه مذکور بر اصل برابری افراد بشر تاکید شده است. به موجب ماده یک این اعلامیه، افراد از نظر حقوق و آزادیها، بدون در نظر گرفتن جنسیت، برابر هستند.

در سال ۱۹۴۹، بر اساس پیش‌نویس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، "کنوانسیون حقوق سیاسی زنان" در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و برای تصویب دولتها و امضای آنها از سوی مجمع عمومی در ۲۰ دسامبر ۱۹۵۲ آماده شد.

تا سال ۱۹۶۰ بزرگداشت روز زن تنها در کشورهای مانند چین، المان و اسپانیا برگزار می شد. در ایالات متحده آمریکا، این یادبود از سال ۱۹۶۷ توسط زنان به شکلهای مختلف آغاز شد. کنوانسیون "حقوق سیاسی زنان" که در سال ۱۹۵۲ به تصویب مجمع عمومی رسیده بود، از ۷ ژوئیه ۱۹۵۴ لازم الاجرا گردید. در این کنوانسیون حق انتخاب کردن، انتخاب شدن و تصدی مشاغل برای زنان بدون تبعیض در نظر گرفته شده است.

در سال ۱۹۵۷ "کنوانسیون تابعیت زنان متأهل" در مجمع عمومی به تصویب رسید.

سال ۱۹۷۲ مجمع عمومی ملل متحد سال ۱۹۷۵ را سال بین‌المللی زنان اعلام کرد و اولین کنفرانس جهانی زنان در مکزیکوسیتی برگزار شد و بدین ترتیب راه برای مداخله متشکل و متحد زنان در سطح جهانی برای ایفای حقوق خود باز شد. این تلاش در چهارمین کنفرانس بین‌المللی زنان در یکن به میزان قابل توجهی نتیجه داد.

در سال ۱۹۷۷ قطعنامه سازمان ملل تصویب شد و از تمام کشورهای دنیا دعوت شد که یک روز را به مناسبت حقوق زنان و صلح جهانی جشن بگیرند. در سال ۱۹۷۹ "کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان" از سوی مجمع عمومی آماده شد. و کمیته رفع تبعیض علیه زنان شکل گرفت.

رژیم ایران جزء حکومت‌هایی است که این کنوانسیون را امضاء نکرده است.

سیمای زن رها

بقیه از صفحه ۹

و از حصار تاریخی از خودبیگانگی فلسفی و طبقاتی رهایی یافته است. برای زن کمونیست ایرانی، به ویژه این عبور و گذار از کهنه به نو و از خرافه به خرد بسا دشوار و دردناک بوده، زیرا او ناگزیر، هم با سلطه باورهای مذهبی که تماماً با تار و پود زندگی خانوادگی و فرهنگی تنیده شده درآویخته و هم با تاریخ مذکر، یعنی تاریخی توأم با نابرابری، جهل و قید و بندهای کشنده مذهبی به نبرد پرداخته است. او لاجرم با همه اجزاء و عناصر فرهنگی حامل مفاهیم مذهبی و باورهای زن ستیزانه به مقابله برخاسته و در هر لحظه در معرض انتخاب دشوار و بس جدی میان خدا و انسان، جهل و خرد، بندگی و رهایی قرار گرفته است. و البته در این مسیر و به دلیل پایبندی به ارزشهای بی نظیر آن، بارها شکنجه و تجاوز و اعدام را از سر گذرانده است. این سنخ زن حتی در مواجهه با مرگ، متکی بر آگاهی عمیق و ایمان شگرف خود، بر خود آگاهی خویش و رهایی خویش تاکید می ورزد که "هر آنچه گفتم درست بود و برایش ایستاده ام". (۳)

چنانچه بپذیریم آدمی با انتخاب خود، آزادی خویش را به اثبات می رساند، ناگزیر از پذیرش این حقیقت هستیم که هیچ سنخ زنی به آن درجه از آزادی که یک زن انقلابی کمونیست بدان دست یافته، اعتلا پیدا نکرده، زیرا این زن صرف نظر از انتخابهای طبقاتی سیاسی اش، با موفقیت، مانع جدی و تاریخی عمیق مذهب را از مسیر توسعه انسانی و رهایی‌بخشی خویش به کناری نهاده، در حقیقت او با یک تاریخ به مقابله برخاسته و فرهنگ مومیایی و خدامحور را با فرهنگی یویا و انسان محور جایگزین نموده است.

"امیدم - آری امیدم

فراتر از کتاب مقدستان سرود

ایه های جسارت را

زنی از سلسله آتش و دود و افتاب گردانم" (۴)

زن کمونیست قادر بوده مفاهیم و مضامین فرهنگ مومیایی را که چون رسوبات تاریخی در طول قرون، به مثابه مفروضات مقدس و بی چون و چرا در عمق ذهن و زندگی ریشه دوانیده را کشف و شناسایی نماید. به درستی این دشوارترین گامی است که او در فرآیند رهایی‌یشت سر نهاده است. برای حنی بسیاری از زنان مترقی، باورها و مفاهیم مذهبی به منزله مقلاتی مقدس، خارج از دایره اندیشیدن و تأمل کردن تلقی می شوند، لیکن زن کمونیست به درستی و با موفقیت کامل از این فاز

ضروری در پیرویه خود آگاهی گذار نموده و در عرصه انتخاب میان حردورزی و خرافه گرایی، مدرنیسم و سنت گرایی و میان ترقی و عقب ماندگی، ضمن نقد خلاقانه گذشته و هر آنچه موجود است، مطلقاً آگاهانه و ژرف نیز فارغ از مذگرایی و تقلید کور ارزشی، سوسیالیسم و ارزشهای رهاییبخش آن را انتخاب نموده است. این سنخ زن همانا دست به یک انتخاب شورانگیز سرنوشت ساز زده و به رغم فشار طاقت فرسا و خردکننده جبرهای فرهنگی و تحمیلیهای ایدئولوژیک از همه باورها و افکار کهنه و اوپسمانده روی گردانیده و در بستر فرآیندی ژرف و آگاهانه و لیکن توأم با درد و رنجی که هر زایمان به همراه دارد، دوباره خود را متولد ساخته و بدین ترتیب سیمای زن راستین را به نمایش گذاشته است. او به مثابه زن طراز نوین که حامل عواطف انساندوستانه و ارزشهای عالیقدر سوسیالیستی می باشد، همانا بر تارک تاریخ انسان رها می درخشد.

زن کمونیست در پهنه برانگیز انقلابی مفهوم رهایی را با روح و خون درهم آمیخته، او طی یک صد سال گذشته در پیشتازی به خاطر دفاع از آزادی و عدالت این ارزشهای بنیادین سوسیالیسم، هزاران بار تجاوز، شکنجه و چوبه های دار را سربلندانه به زانو درآورده است.

این زن رها همان شهید "شبطه" در ظفار است که در حالی که فریاد می زد "زنده باد انقلاب" کشته شد.

او "نگوین تین گیا" است که در سن ۲۳ سالگی برای آن که رفقاییش را رپر شکنجه لو ندهد، زبان خود را برید. او تنورسین و رهبر برجسته جنبش کمونیستی اسپار تاکسیتها در المان "روزا لوکزامبورگ" است که در سال ۱۹۱۹ در زندان به شهادت رسید. نام او "دینبه" نفر دوم ارتش آزادیبخش ویتنام جنوبی است که برای اولین بار مقاومت مسلحانه جنوب را سازمان داد.

و این زن کمونیست رها، همانا شیرین معاضد، منبزه اشرف زاده کرمانی، خاطره جمالی، مرضیه احمدی اسکویی، زهره مدیر شانه چی، سیما دریایی، و هزاران زن آگاه و رها که با خون و رنج خود ارزشهای متعالی و انساندوستانه کمونیستی را نمایندگی کردند، می باشد.

- ۱- زینت میرهانشی، سخنرانی در اجلاس سراسری انجمنهای زنان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا در بن
- ۲- روح انگیز، شعر "من زنده ام"
- ۳- فدایی شهید سیما دریایی
- ۴- الف، اناهیات، شعر "ایه های جسارت"

محیط زیست «»»» اندیشه ها و چشم اندازها

هفتخوان رستم (۲)

کریم قصیم

حسی ما، توان گرفتن آثار و تشعشعات رادیو اکتیو را ندارد. این تشعشعات را مستقیماً نمی‌شود شنید، دید، مزه کرد و بو کشید. یا گازسمی مونواکسید کربن را بگیرد، که در ترافیک شهری چون تهران حتماً موجب خفگی می‌شود. ولی چون این گاز بی‌رنگ و بو است، تا درجه تراکم آن بالا نرفته و باعث سردرد و خستگی و تنگی نفس نشده، فرد بی‌اطلاع وجود آن را حس نمی‌کند و دلواپس نمی‌شود. خیلی از سمها هستند که به همین ترتیب از چشم و گوش و بینی و پوست و ذائقه ما پنهان می‌مانند. اما اثر مریض کننده، گاه سرطانزا و بعضاً سریعاً کشنده آنها به جای خود باقی است. تکرار می‌کنم:

یک علت بی توجهی ما به آلودگیهای خطرناک این است که آثار این سمها اغلب از حیطة محسوسات ما خارج اند.

این واقعیت جنبه مخوفی دارد. بشر به دست خود مواد و وسایلی تولید می‌کند که با قوای طبیعی اش نمی‌تواند پس گازها و تشعشعات خطرناک آنها را حس کند. خیلی از منتقدین تکنولوژی می‌گویند این "وجه فرانکنشتاینی پیشرفت" سرانجام باعث نابودی کل تمدن بشری و مجموعه حیات و هستی می‌شود. اما نباید از خاطر برد که درست در همین جا، نقش مفید علوم و فنون نیز خود را نشان می‌دهد. زیرا به کمک علم و اطلاع از آلودگیها و عواقبشان می‌توان عجز ناتوانی قوای حسی را مشخص و جبران نمود. با فرض آگاهی از عواقب و خطرهای، می‌توان توسط وسایل و غلایم گوناگون هشدار داد. به کمک ابزار مناسب بسیاری از آلودگیها را کنترل و ابعاد آن را مهار کرد. اختراع، ساختن و تعبیه وسایل اندازه گیری و کنترل کاری است در حوزه تکنولوژی. در صورت گسترش مداوم آگاهیها و سرمایه گذاری لازم، می‌توان به کمک علوم و تکنولوژیهای مربوطه حتماً از عوارض و تشعشعات و پسگازهای خطرناک جلوگیری کرد. با این حال، نامحسوس بودن خطرهای همیشه یک علت دست کم گرفتن آنها باقی می‌ماند.

علت دیگر کم توجهی مردم و افکار عمومی به خطرهای زیست محیطی، **فرا تصور بودن دامنه های خطر** است، که این خود یک مانع سنتی در زمینه ی فهم و جدی گرفتن مشکلات می‌باشد. آدم در روزنامه می‌خواند که توان تخریب ابرقدرتهای اتمی به اندازه ی هیجده

"اطلاعات ما از آن چه باید بدانیم، صد برابر بیشتر از حد لازم است. مشکل ما کمبود اطلاعات نیست، نقص ما این است که درست یاد نمی‌گیریم، تحت تاثیر دانسته های خود قرار نمی‌گیریم، آن چه می‌فهمیم و باور می‌کنیم و می‌بینیم ما را تکان نمی‌دهد و به حرکت و اقدام وادار نمی‌کند."

برگرفته از لوح یادبود قربانیان بمب اتمی در موزه صلح هیروشیما

شکاف و جدایی میان دانستن و رفتار، میان آگاهی و عمل، یکی از موانع جدی تحول و دگرگونی مثبت در محیط زیست است. یادگرفتن، تحت تاثیر آموخته ها و واکنش مناسب نشان دادن، هریک از این مرحله ها سریعتر و بهتر صورت می‌گیرند، هرآینه در برنامه های عملی مربوطه دگرگوشویم و به کاری اقدام کنیم. گوته، در اصلها و اندیشه ها می‌نویسد: "کافی نیست که چیزی را بخواهیم، باید برای حصول آن کاری صورت دهیم". نابرده رنج گنج مسر نمی‌شود. با این حال در پهنه ی اکولوژی و محیط زیست، میان واقعه و امکان فهم آن، و میان اطلاعات و واکنشهای متناسب با آنها، عایقها و مانعهای متعددی وجود دارد.

چرا انسان نسبت به آلودگیهای زیست محیطی و مسموم شدن آب و هوا و خاک و مکان (اعم از محل کار یا سکونت و بازی بچه ها و ورزش و هنر و...) زیاد اعتنا و توجه ندارد، حساسیت نشان نمی‌دهد؟ تشعشعات اتمی را جدی نمی‌گیرد، با هوای آلوده به مواد سرطانزا سر می‌کند و خلاصه برای بهبود شرایط زیست خود و خانواده و نوع بشر به اقدامهای مؤثر دست نمی‌زند؟ مثلاً وقتی خودمان را "مدافع بیگیر حفظ و بهبود محیط زیست در سطح داخلی و بین المللی" اعلام می‌کنیم، چرا حساسیتها و رفتارمان در زندگی خصوصی و اجتماعی درخور همین ایستار نیست؟ در این مورد تحقیقات زیادی صورت گرفته.

دانشمندان رشته های جامعه شناسی، رفتارشناسی و روانشناسی به برخی علل گوناگون این مساله توجه داده اند. در زیر به شمه ای از این بررسیها توجه می‌کنیم. اغلب آلودگیها و مسمومیتها مضر، بیمارکننده و خطرناک، در زندگی روزمره اصلاً محسوس نیستند. مثلاً قوای پنجگانه

می‌دهند. در واقع امر، هیچکدام از این فاجعه ها از دیروز به امروز به وجود نمی‌یابند. عوامل و روندهای تخریب محیط زیست آن کوه و رودخانه سالهای دراز مشغول تخریب بوده اند. لایه های زیرین کوه و ظرفیت پالایش رود-رفته رفته ولی پیوسته - طی یک دوره طولانی خراب و یا اشباع از آلودگی شده اند. توده مردم یا اصلاً متوجه عامل تخریب نمی‌شوند، و یا مثل مورد آلودگی رودخانه، ورود روزمره پسابهای صنعتی کارخانه مجاور را، چون از محتوای سمی آن بی‌اطلاع هستند و یا هر روز شاهد اتفاق مشابهی نبوده اند، چندان جدی نمی‌گیرند.

رویه‌رفته، شمار فاجعه هایی که در اثر تخریب محیط زیست طبیعی و شهری در نیم قرن اخیر روی داده اند، نسبت به قرنهای گذشته، خیلی افزایش یافته اند. شرح حلقه های بهم بسته زنجیره رویدادها و دینامیس فاجعه ها، همچون توضیح علل و عوامل مشخص، آنها بماند برای نوشته های دیگر. این جا خواستیم، فقط مساله ضعف واکنش و کمبود، یا حتی فقدان، حساسیت افکار عمومی را مطرح و کمی چارچوبی نشان کنیم. بی تردید، خطر بحرانهای محیط زیست می‌تواند کل کره ارض را تهدید کند. ولی واکنش ما متناسب با درجه خطر نیست. بعضی از علل و دلایل بروز این وضعیت را برشمردیم. بعضی دانشمندان رفتارشناس نتیجه می‌گیرند که بشر هنوز به خطرهای موجود و اهمیت حیاتی مسایل محیط زیست واقف نیست. هنوز مخاطره های زیست محیطی را مثل امراض مسری و بیماریهای کشنده جدی نمی‌گیرد. بسیاری از پژوهشگران آینده نگر بر این عقیده اند که، زنجیره فاجعه های افسارگسیخته می‌تواند اساس تمدن بشری را به لرزه درآورد. می‌گویند، میان مهابت آن چه می‌تواند روی دهد و سهل انگاری کنونی دولتها و ملتها، اختلاف فاز شدیدی وجود دارد. علی‌رغم، اختلاف نظردر بسیاری ارزیابیها، در این نکته متفق القولند که، متأسفانه، آگاهیها و حساسیتها امروز دولتها و ملتها به مراتب عقبتر از الزامات سبک زندگی و عوارض تکنولوژیهای مورد استفاده می‌باشد. در قرنهای گذشته، دشواریهای مشابهی در مورد بهداشت وجود داشت و حساسیت عمومی نسبت به بیماریها به اندازه امروز نبود - منظور من درجه حساسیت در جامعه های پیشرفته است -، ولی با بالا رفتن اهمیت نیروی کار در بطن مناسبات تولیدی جامعه و رشد آگاهیهای علمی و گسترش تعلیم و

بقیه در صفحه ۱۹

هزار مگاتن می‌باشد. صورت نوشته ی این رقم غیرعادی عبارست از عدد هیجده و دوازده تا صفر جلویش ضربدر یک کیلوگرم، ولی ما نه با تمرین و تکرار این نوع اعداد بزرگ شده ایم و نه در زندگی روزمره کنونی زیاد با آنها سر و کار داریم. برایمان غریبه اند. از ذهن معمولی فرار می‌کنند. یک مثال دیگر می‌زنم. دانشمندان فیزیک هسته ای ثابت کرده اند که پلوتونیوم ۲۳۹، نیمه عمرش حداقل ۲۵ هزار سال طول می‌کشد. یعنی دویست و پنجاه قرن وقت لازم است تا مقدار تشعشعات آن فقط به نصف کاهش پیدا کند! این پلوتونیوم، یک عنصر بسیار خطرناک رادیو اکتیو است که در زباله های اتمی و نفاذ نیروگاههای هسته ای وجود دارد و هنوز معضل دفن بی خطر این ماده برای متخصصان هم حل نشده است. در حال حاضر، این زباله مخوف و مرگبار را در بشکه های ویژه "حس" و در اعماق زمین، یا دریاها دفن می‌کنند. ولی آخر، کدام بشکه ی زباله وجود دارد که دست کم ۲۵ هزار سال محکم و محفوظ و قابل اطمینان باقی بماند؟ می‌بینیم که ابعاد مکانی و زمانی به ارقام نجومی شامت دارد. اندازه ها آن قدر بزرگ (یا چنان ریزو میکروسکپی) و تعارضها چنان نامأنوس هستند که که قوه فاهمه توده مردم بکلی از درک مؤثر مساله عاجز می‌ماند. دامنه خطر بیشتر به تصاویر خیالی شامت پیدا می‌کند و واقعتهای دهشتناک همچون فیلمهای فانتزی به تصور می‌یابند. در نتیجه، با مخاطره های حی و حاضر طوری برخورد می‌شود که گویی رویدادهایی از کرات دیگر هستند و بکلی دور از حوزه ی زندگی خانواده و دوستان و شهر و دیار ما اتفاق می‌افتند. یعنی خسر را می‌شنویم، گزارش تلویزیونی را مثل یک فیلم ساینس فیکشن تماشا می‌کنیم و بعد، انگار که ربطی به حیات و ممات ما نداشته اند، از ذهنمان غیب می‌شوند! فرا تصور بودن دامنه خطر، شانس جدی گرفتن آن را به شدت کاهش می‌دهد. یکی دیگر از دشواریهای موجود آن است که خسارهای بزرگ اکولوژیک معمولاً **نمودی ناگهانی** دارند. در یک لحظه، ناگهان کوهی که قرنها برجای بوده فرومی‌ریزد و روستای پرجمعیتی که برداشته آن زیسته، با تمام پوشش گیاهی و حیوانات و انسانهایش، ظرف چند دقیقه زیر آوار خفه می‌شود. یا رودخانه ای که صدها سال جریان داشته و میلیونها ماهی و آبی در دیگر آن پرورش یافته اند، در اثر اشباع آلودگیها دفعتاً به محیط مرگباری تبدیل می‌گردد و خیرگزارها از مرگ و میر ناگهانی میلیونها ماهی و به خطر افتادن آب آشامیدنی اهالی مجاور رودخانه خیر

خط فقر در ایران

— م. حبیبی

mhabibifra@yahoo.fr

سالها پیش روزنامه لوموند طی مطلبی در رابطه با اوضاع صنعت در ایران نوشته بود: ایران گورستان طرح های نیمه تمام است. و حال در مقطع زمانی دیگری، و این بار در رابطه با مسئله فقر باید گفت: ایران گورستان طرحهای انجام نشده و وعده های عمل نکرده است. روز ۲۹ بهمن ۷۹ عارف رییس سازمان برنامه و بودجه طی مصاحبه ای، میزان خط فقر در ایران را اعلام کرد. وی سپس طرح سازمان برنامه و بودجه تحت عنوان «مبارزه با فقر» جهت تصویب به مجلس داد. چهار سال پیش نیز اولین لایحه «فقر زدایی» در تاریخ مهر ۲۵ در هیأت دولت تصویب و برای تصویب نهایی به مجلس داده شد. در آن زمان معاون سازمان برنامه و بودجه، عسگری آزاد اعلام کرد، خط فقر برای کسانیکه مستاجر هستند در ماه کمتر از ۳۷ هزار و ۹۰۰ تومان، و برای کسانیکه صاحب خانه بودند ۲۸ هزار تومان است. و این در حالی بود که در همان زمان اجاره بهای یک آپارتمان صد متری در تهران، در ماه ۴۰ هزار تومان بود. ظاهراً بازی با درد و محنتهای فاجعه بار مردم، برای رسیدن به امیال سیاسی، برای اخوندهای حاکم به صورت سنت در آمده است. درست چهار سال پیش نیز در آستانه انتخابات بود که لایحه «فقر زدایی» به مجلس داده شد. و حال در سرفصلی دیگر، و این بار نیز در آستانه انتخابات، طرح مبارزه با فقر به مجلس داده می شود. واقعیت این است که فقر تا یک محدوده ای صرفاً یک معضل صنفی و اقتصادی است. ولی وقتی از یک مرز مشخص گذشت، دیگر اقتصادی نیست و پیامدهای آن، خود را در عرصه های مختلف اجتماعی و حتی سیاسی باز خواهد کرد. این مرز «بی اعتنائی به نیازهای اولیه مردمی است» از چیزی که حاکمان سوار بر قدرت به آن باور ندارند. و این در حالیست که جامعه ایران، این مرز را مدتهاست از سر گذارنده است. حال باید در انتظار بروز پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن بود. شاید بتوان زنده و جاری بودن این روند را از خلال گفته های یکی از تنوریسین های جناح خاتمی بهتر بیان کرد که گفته بود: «انقلاب دیگر نس سومی نخواهد داشت». بلکه اصلاح و تغییر از داخل حاکمیت مرده است ولی خارج از آن، هرگز.

آمار و واقعیت

در پی اعلام نرخ خط فقر در ایران

توسط رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، و متعاقب آن برگزاری سمینار «بررسی فقر در ایران» بسیاری از کارشناسان داخلی، گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی را فاقد شفافیت دانسته اعلام کردند، خط فقر تعیین شده توسط این سازمان با واقعیتهای موجود در عرصه ای اقتصاد ایران بسیار فاصله دارد. این گزارش هیچگونه تعریف روشنی از نیازهای اولیه و اساسی مردم، ترکیب اقلام خوراکی و تغذیه و مسکن و حقوق مزایا، که براساس این گزارش فعلی تهیه شده بدست نمی دهد. در سمینار بررسی فقر در ایران تعدادی از کارشناسان اقتصادی اعلام کردند، براساس محاسباتی که به صورت مستقل انجام داده اند خط فقر برای خانوارهای شهری ماهانه ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تومان است، و برای خانوارهای روستایی ۷۰ تا ۹۰ هزار تومان است. و اما گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی چه می گوید؟

براساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی، خط فقر برای سال ۱۳۷۷ به این شرح تعیین شده است: «سرانه خط فقر ریالی در مناطق شهری معادل ۱۰۸ هزار ریال بدست آمده است که برای یک خانوار متوسط شهری ۴ تا ۸ نفر، حدود ۵۲۰ هزار ریال خواهد بود. همین شاخص برای خانوار ۵ یا ۶ نفره روستایی حدود ۳۵۲ هزار ریال ماهیانه محاسبه شده است که سرانه ای در حدود ۶۳ هزار ریال را نشان می دهد. با اعمال شاخص تورم برای سالهای ۷۸ و ۷۹، خط فقر ماهانه خانوار شهری ۴ تا ۸ نفره ۷۱۰ هزار ریال و برای خانوار ۵ یا ۶ نفره روستایی در سال کنونی ۴۸۰ هزار ریال بدست می آید». در گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی میزان تورم منظور شده برای ارزیابی خط فقر مشخص نیست، ولی براساس ارزیابی یکی از کارشناسان اقتصادی در داخل کشور، و با در نظر داشت نرخ تورم به این شرح اعلام شده: خط فقر در سال ۱۳۷۷ بالغ بر ۱۳۰ هزار تومان در سال ۱۳۷۸ با نرخ تورم اعلام شده یعنی ۲۱،۳ درصد بالغ بر ۱۵۷ هزار تومان و در سال ۱۳۷۹ با نرخ تورم اعلام شده یعنی ۱۹ درصد برابر با ۱۸۷ هزار تومان خواهد شد. «رسالت ۱۵ دی ۷۸». در ارتباط با نرخ تورم شایان یادآوری است که، آنچه دولت اعلام می کند، با واقعیت موجود در ایران مطابقت ندارد. اگر هم بخواهیم براساس استنادهای بین المللی به مسئله فقر مطلق در ایران نگاه کنیم، هزینه متوسط هر فرد

در شبانه روز نباید کمتر از یک دلار باشد. با این معیار خط فقر برای یک خانواده پنج نفره، ۱۵۰ دلار در ماه خواهد شد که براساس هر دلار هشتصد تومان، خط فقر در ایران ۱۲۰ هزار تومان در ماه خواهد شد.

اگر خط فقر ادعایی سازمان مدیریت و برنامه ریزی را مبتا قرار دهیم، باید دید در عرصه سخت واقعیات روزمره وضعیت، یک کارگر چگونه خواهد بود. حقوق منسابی یک کارگر، در سال ۱۳۷۹ براساس اعلام معاون تنظیم کار وزارت کار و امور اجتماعی ۴۵ هزار و ۸۰۰ تومان بود. و بر اساس مصوبه جدید شورای عالی کار که از سال آینده به اجراء در خواهد آمد، حداقل دستمزد ماهیانه کارگران ۵۶ هزار و ۷۹۰ تومان است. اگر حق عائله مندی را که شامل ۱۱ هزار و ۳۵۸ تومان است به آن اضافه کنیم مجموعاً رقم ۶۸ هزار و ۱۴۸ تومان خواهد شد. براساس آمار منتشره عمده ترین هزینه ها، هزینه مسکن است. براساس آمار بولتن اقتصاد مسکن، در نیمه اول سال ۱۳۷۴ متوسط اجاره بهای یک آپارتمان صد متری در تهران نزدیک به ۳۷ هزار تومان بوده است. همین آپارتمان در شهرهایی نظیر رشت، کرج، اصفهان، شیراز ۲۵ هزار تومان و در شهرهای کرمان، گرگان و اردبیل بین ۱۸ تا ۲۰ هزار تومان بوده است. حال که در آستانه سال هشتاد قرار داریم، هزینه مسکن نیز قطعاً مثل سایر اقلام مورد نیاز افزایش یافته است، و حداقل باید مبلغ ۵۰ هزار تومان را برای هزینه مسکن در نظر داشت. اگر به این مبلغ هزینه خوراک و پوشاک نیز اضافه شود، سقف هزینه ها از سقف درآمدها بالاتر قرار می گیرد، و یا به عبارتی با کسر بودجه مواجه میشود. با چنین هزینه ای، حتی اگر مصوبه جدید شورای عالی کار را، یعنی افزایش حقوق کارگران تا سقف ۵۶ هزار و ۷۹۰ تومان که با احتساب حق عائله مندی بالغ بر ۶۸ هزار و ۱۴۸ تومان خواهد شد را منافی محاسبه قرار دهیم، اکثریت قریب به اتفاق کارگران در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. البته این منوط به آن است که کارگران توانسته باشند همین مقدار حقوق را هم دریافت کنند، امری که با تظاهرات جاری کارگران جهت دریافت حقوق و مزایای معوقه در ایران وفق نمی دهد.

عوامل تاثیر گذار بر یک چنین شرایطی را باید در ساختار اقتصادی موجود، رشد بی رویه جمعیت و عدم توزیع مناسب در آمد در جامعه دانست. به نحوی که در حال حاضر بیست درصد جمعیت، هشتاد درصد درآمد جامعه را در اختیار دارند، و هشتاد درصد بقیه، تنها بیست درصد از درآمد را، از آن خود می کنند.

صدای پای سرنگونی

بقیه از صفحه ۲

وادر ساخته است. هنوز زمان زیادی از رویای سپیده دم دوم خرداد پیرامون توانائی خود برای الت دست کردن مردم در نزاع با باند ولایت فقیه نگذشته است. آنان گمان می بردند قادر خواهند بود با تبدیل نارضایتی عمومی به چماقی در نبرد قدرت، دور از مطالبات و نیازهای سیاهی لشکر «اصلاحات»، بند و بست با رقبای خود را به نتیجه مطلوب برسانند. اما بی شک مراد آنان از سیاست «فشار از پائین»، چیزی نبود که هم اکنون در سطح جامعه در جریان است. اعتراضات، شورشها، اعتصابات، مقاومت مسلحانه و اشکال گوناگون دیگری از نمود علنی اراده و تمایلات مردم، اینک تقریباً به طور روزانه به پایان رسیدن عمر «نظام» را یاد آوری می کنند. در این میان آنچه که هم دوم خرداد و هم جناح ولایت فقیه را بیش از پیش به اندیشه وامی دارد ناکارائی فزاینده تدابیر رژیم در رویارویی با مبارزه جوئی مردم است. چیزی که عملاً به اشفنگی در دستگاههای به خوبی پییده شده اما (اینک) بدرندخور راه برده و حتی امکان یک عقب نشینی منظم به سوی ساز و برگهای جدید را هم سلب نموده است. از این زاویه جنبش اجتماعی، با حضور غیر قابل انکار خود، ضرورت تعیین تکلیف قدرت سیاسی را به دو جناح تحمیل کرده است. امری که به نوبه خود به ژرفش نبرد داخلی حکومت و گسترش آن به حوزه های جدیدتر منجر می گردد.

پروسه تحولاتی که آقای خاتمی را به پشت تریبون مجلس کشاند و چشم انداز قابل رویت آن، گسواه دیگری بر این ارزیابی است که تنها راه عملی و واقع بینانه برای تامین دموکراسی سیاسی در کشور ما، از درون مبارزه قاطع، رادیکال و بی وقفه با استبداد سیاسی - مذهبی در هر کجا و در هر هیأتی که نمود می یابد، عبور می کند. مردم به همه انزهایی که قصد ریختن دستاوردهای مبارزه شان به کیسه «حماسه دوم خرداد» را داشتند، در این رابطه درسی فراموش ناسدنی دادند.

پیام آقای خاتمی که بیهوده تلاش می کرد در پس ادبیات تونی بلر و «طبقه متوسط» او پنهان شود، کاملاً آشکار است: «من صدای انقلاب شما را شنیدم»، دقیقاً همان جمله ای که محمد رضا پهلوی اندکی پیش از سرنگونی به زبان آورد مارس ۲۰۰۱

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره بی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۱۴)

— اسماعیل وفا یغمایی

شورشهای دیگر

از سال ۳۲ تا ۳۸ بسیاری شورشهای دیگر نیز رخ داد که طی آنها هزاران نفر کشته شدند. خوارج همچنان از فعالان شورشی علیه حکومت بودند و با سر سختی و بی باکی بسیار شمشیر می کشیدند. در دوران کوتاه حکومت سفاح، ابوالورد، حبیب ابن مره مری، علیه او بر شوریند اینان و سیز شورشیان جزیره پس از شکستن بیعت خود با خلیفه جامه سپید می پوشیدند و شورش آغاز می کردند. انگیزه این شورشها متفاوت است و حتی گاه به دلیل بی حرمتیها و تجاوزات علیه زنان وابسته به خاندان اموی و جنبیدن رگ غیرت افراد سرشناس و رؤسای قبایل عرب در دفاع از آنان است. این شورشها نیز تماما با اعزام نیروهای تازه نفس حکومت جدید سرکوب و به خون کشیده شد.

تضادهای حکومت در درون

با سقوط امویان کشاکش قدرت در درون حکومت نیز آغاز شد. سفاح حرمت و حیثیت و مشروعیت ابراهیم امام را با خود داشت. سفاح یک خلیفه و بنا بر عرف روزگار یک امیر المومنین بود ولی قدرت نظامی و سکان ارتش سیاه جامگان در دست ابو مسلم، سیما و قهرمان ملی رمانه بود. قدرت افسانه ای و محبوبیت که نظیر او در خراسان و خشونت و قاطعیت او در کشتار هر آن کس که سد راه او بود خلیفه و بیش از او برادرش را نگران کرده بود. بررسی تاریخ و حوادث آن ایام نشان می دهد خلیفه اول، بیش از ابو مسلم از ابو سلمه خلیل همدانی وزیر خود کینه در دل انباشته بود. او با در نظر گرفتن خدمات بی پایان ابو مسلم در به قدرت رسیدن عباسیان هر بار که پیشنهاد قتل او از سوی اطرافیان مطرح می شد آن را رد می کرد. شاید در آغاز کشتن سپهسالار اصلی شورش، هم دشمنان را روحیه می داد و هم شورشیان تازه از میدان جنگ باز گشته و آماده در پادگانهای خراسان را که تماما گوش به فرمان ابو مسلم بودند بر می شورانید و شاید نیز سفاح در ابومسلم یک مرید صدیق و وفادار و معتقد به ابراهیم امام را می دید که قاطعانه و با بی رحمی خون به آفریدیان را به جرم بد دینی بر زمین ریخته است. سفاح به جای کشتن ابو مسلم، در قتل ابوسلمه او را به خدمت گرفت.

قتل ابوسلمه خلیل همدانی با همکاری و دستور ابومسلم (۱۳۳ هجری)

ابو سلمه نخستین وزیر ایرانی در حکومت عباسیان بود و به نام "وزیر آل محمد" معروف بود. ابوسلمه در جریان ارتباط با علویان پس از قتل ابراهیم امام، و پیشنهاد بدست گرفتن رهبری شورش به جعفر ابن محمد - امام صادق -، گرایش خود به آل علی را نشان داده بود و مورد خشم سفاح بود. سفاح از ابو مسلم برای قتل ابوسلمه کمک خواست و ابو مسلم این کار را به عهده گرفت. حساسیت خلیفه اول در مورد آل ابی طالب را وقتی می توانیم خوب درک کنیم که با بررسی اسناد آن دوران از نفوذ شگفت آور آل علی و محبوبیت آنان، حتی در میان تعداد زیادی از کسانی که در قدرت سهیم بودند با خبر شویم. جلد یازدهم تاریخ طبری نمونه های زیاد، روشن و جالبی از این نفوذ و محبوبیت را ثبت کرده است.

در سال ۱۳۲ هجری ابو مسلم مرار این انس ضعی را مامور قتل ابو سلمه کرد و در نیمه شبی تاریک هنگامی که ابوسلمه از نزد خلیفه بر می گشت او را با سر دادن شاعرهای خوارج آماج شمشیرها کردند و کشتند و اتمام قتل را متوجه خوارج کردند. بعد از آن نیز خلیفه خود بر ابوسلمه نماز خواند و جسد او با احترامات لازم و تشریفات کامل به خاک سپرده شد.

قتل سلیمان ابن کثیر به دست ابو مسلم (۱۳۲ هجری)

برادر خلیفه اما بیشتر از ابو مسلم کینه به دل داشت و نیز با هوشیاری تمام احساس کرده بود ابو مسلم با آن همه قدرت خطر اصلی برای خلافت است. نوشته اند ابومسلم بارها با رفتارهای مغرورانه خود منصور را خشمگین کرده و او را به چیزی نگرفته بود. برای درک میزان خشم منصور بایست شخصیت این خلیفه شگفت آور را بر پایه اسناد تاریخی از نزدیک باز شناخت. در حقیقت هیچکدام از خلفای بعد از او حتی معتمد شخصیتی چنین مهیب و قاطع و آمیخته با گزایشاتی که تنها در مقتدر ترین صاحبان قدرت و حکومت یافت می شود ندارند. نقل مهیب و سنگین شخصیت او پس از قرنهای به مدد وجدان منصف و قلم حقیقت نویس طبری، حتی امروز هم قلب را به تپش می اندازد و ما را در درک مبارزات و مجاهدات عدالت جویان ایرانی و عرب یاری می کند. منصور به واقع به خون ابو مسلم تشنه بود زیرا از جمله کارهای ابو مسلم قتل سلیمان ابن کثیر از نقیبان و داعیان صاحب نام و مورد علاقه منصور بود که طی سالها خدمات

زیادی به عباسیان کرده بود. از اسنادی که در کتابهای تاریخ دوران عباسیان در مورد سلیمان ابن کثیر و قتل او وجود دارد به نظر می رسد ابومسلم او را از سونهای مستحکم جناح منصور می دانسته است. در فرضی، و به بهانه ای واهی ابو مسلم به سلیمان ابن کثیر گفت: آیا می دانی خلیفه مرا در خون بد خواهان آزاد گذاشته؟ سلیمان گفت: آری. ابومسلم گفت من گمان دارم تو از بد خواهان خلیفه ای و دستور داد او را گردن زدند. قتل سلیمان ابن کثیر در سال ۱۳۲ هجری روی داد.

قتل ابو مسلم خراسانی (۱۳۷ هجری)

تا سفاح زنده بود امکان قتل ابو مسلم نبود. در طی سالهای حکومت سفاح ابومسلم در اوج اقتدار در خراسان به سر می برد. اینکه چرا خراسان را انتخاب کرده و آن جا را ترک نمی کرد و این که در این ایام به چه می اندیشید ماجرای ست که ذهن برخی از محققان را به خود مشغول کرده است. برخی از محققان نوشته اند ابومسلم در اندیشه سرنگونی دولت عباسیان و به دست گرفتن زمام قدرت بوده است و نسب نامه ای هم برای خود درست کرده بود که او را از لحاظ خونی به بنی هاشم می رساند و گویا با این نصب نامه می خواست راحت تر به خلافت برسد.

این نظر چندین ناصواب به نظر نمی رسد به خصوص که در آن ایام قدرت این کار را نیز داشت و عکس العملها و گفته های ثبت شده بزرگان حکومت در آن ایام، نشان می دهد تا ابومسلم زنده بود از دست او و از اندیشه فرجام کار خود آرامش نداشتند. مرگ سفاح خلیفه نخست در سال ۱۳۶ هجری در سی و دو سالگی، پس از چهار سال خلافت که تمامی آن در کشاکش و برای تثبیت حکومت سپری شد این فرصت را پیش آورد. با مرگ سفاح عبدالله ابن علی، عموی سفاح در شام ادعای خلافت کرد. منصور جانشین سفاح ابو مسلم را برای سرکوب او روانه کرد. ابومسلم با بی میلی این کار را انجام داد و به خراسان باز گشت. کشاکش بین منصور و ابومسلم به درازا کشید تا این که منصور او را به حضور طلبید و در این راه تمام تلاش خود را به کار گرفت. سرانجام ابومسلم علیبرغم هشدارهای نزدیکانش در ۲۵ شعبان سال ۱۳۷ هجری به دامگاه - شهر رومیه در حوالی مداین - کشیده شد.

قبل از آن تصفیه ای برای نابودی هواداران او صورت گرفته بود. برای قتل او چند تن از سرهنگان جرار آماده شده بودند. سپهسالار نامدار سیاه جامگان در حضور خلیفه به بهانه ای خلع سلاح شد و پس از صحبتی کوتاه و در حالی که خلیفه او را ابو مجرم می

خواند سرهنگان مخفی شده در پس پرده بر سر او ریختند. نخستین ضربه را عثمان ابن نهیک بر شانه او فرود آورد. ضربات بعدی را سرهنگان دیگر شیب ابن داج، ابو حنیفه حرب ابن قیس و... فرود آوردند و بیکر بی جان ابومسلم در گلیمی پیچیده شد و در کناری نهاده شد و آن گاه بزرگان به حضور طلبدیده شدند و قتل ابو مسلم اعلام شد. بزرگان، از قتل ابومسلم خدای را سپاس گفتند و خلیفه را سجده کردند و نفسی به راحت کشیدند. به سرداران سپاه هدیه و پول فراوان داده شد و آنان نیز خلیفه را سپاس گفتند و با کیسه های زر به خانه های خود باز گشتند و جسد خونین ابو مسلم به میان آبهای دجله پرتاب شد و به خاطرات و افسانه ها پیوست.

این چنین بود پایان کارمردی شگفت که تندیس او در گذرگاه زمان و تاریخ ایران علیبرغم داوری مثنی یا منفی محو ناشدنی به نظر می رسد. سرداری که در نفرت از اشغالگران سرزمین اش و نابودی امویان به سیمایی ملی تبدیل شد ولی در جدال قدرت نیروی او و سپاهیان تبدیل به بلی شد که خلافت عباسیان از آن گذشت و بر مسند قدرت نشست. کسی که "امین آل محمد" نامیده می شد، "تازیانه اش شمشیر و زندانش گور" بود. با زنان جز سالی یک بار گرد نمی آمد. در مورد زنان خود تعصبی عجیب داشت. جنگاوری بسیار شجاع و فرماندهی تیز بین و با فراست بود و در مقابل دشمن و کسانی که آنان را سد راه خود می دیدند هیچ شفقتی نداشت، در اسناد تاریخی نوشته اند از مجموع کشتگان، خون صد هزار تن مستقیم یا به دست او و یا به فرمان او ریخته شد اما با این همه مردیست که پس از قرنهای به دلیل نقش اش در نابودی امویان و نحوه قتلش یادش در میان عامه مردم با محبوبیت و مظلومیت آمیخته است.

ابو مسلم در هنگام مرگ سی و هفت ساله بود. برخی از اسناد تولد او را در سال ۱۰۹ هجری ذکر کرده اند و نوشته اند هنگامی که سپهسالاری شورش را به عهده گرفت بیست ساله بود و اگر این چنین باشد ابو مسلم هنگامی که آماج شمشیرها شد بیست و هشت ساله و در اوج دوران جوانی بوده است. نوشته اند چون کشته شد از او دو دختر و یک پسر، - فاطمه، اسماء و حمزه - باقی ماند. او هیچ دارایی نداشت مگر پنج کبوتر، اما برخی دیگر از اسناد تاریخی بر خرابی او که پیش از آخرین سفر به دوست زرتشتی اش، اسپهبد پیروز سپرده شده بود، و یا خزانی که پس از شورش اسپهبد پیروز به دست او افتاد تاکید می کنند.

(ادامه دارد)

در گوشه و کنار جهان



— جعفر پویه
info@jonge-khabar.com

کره جنوبی

خبرگزاری‌ها ۱ اسفند - کارگران اعتصابی شرکت اتومبیل سازی «دای وو» در ادامه تظاهرات خود در محل این کارخانه در «بویونگ» در غرب سنول با پلیس ضدشورش کره جنوبی درگیری شعله‌ور کردند. هزاران کارگر خشمگین در اعتراض به روند اخراج کارگران این شرکت تظاهرات خود را در حلقه محاصره ۱۰۰۰ پلیس ضدشورش آغاز کرده بودند با پلیس درگیر شدند. «دای وو» که برای کسب کمکیهای مالی بانکها طرح تعدیل نیروی کار خود را به اجرا گذاشته، قصد دارد در مجموع ۱۷۵۰ کارگر را اخراج کند.

سوئیس

خبرگزاری فرانسه ۱ اسفند - گروهی از مخالفان جهانی سازی که اخیراً اطلاعات محرمانه ای را در مورد شرکت کنندگان در نشست جهانی اقتصاد از سایت «داووس» رسیده اند، می گویند با این کار قصد داشته اند به «قدرتها و صاحبان قدرت» حمله کنند، کار این «ماشین خوب روغن خورده» را مختل سازند و در نفوذ مقامات خلل وارد آورند.

این افراد در مصاحبه ای با روزنامه سوئیس «زونتگاز ساتونگ» توضیح داده اند که با فضاهای خصوصی مخالفند از دیدگاه آنها مالکیت فکری نامشروع و به نفع قدرتمندان است و اینترنت اجازه می دهد اطلاعات در سراسر جهان تقسیم شود. مخالفان جهانی سازی که در ۴ فوریه دیسکتی را برای این روزنامه سوئیس ارسال کردند که حاوی بیش از ۴۰۰ هزار صفحه اطلاعات محرمانه در مورد ۱۴۰۰ تن از شرکت کنندگان در نشست «داووس» از جمله «بیل گیتس» (رئیس مایکروسافت)، «ژان ماری مسیه» غول رسانه ای دیگر و رئیس «ویواندی اونیورسال»، «بیل کلیتون» و «یاسر عرفات» بود، می گویند قصد باج گیری از چندملیتی ها و یا دولت‌ها را ندارند، چرا که این کار چیزی را در این نظام تغیر نمی دهد.

واشنگتن

خبرگزاری فرانسه ۱ اسفند - به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، براساس اسناد گردآوری شده از سوی سازمان دیدبان حقوق بشر در اوایل ماه گذشته، حدود ۳۰۰ نفر از

بومیان هزاره در شهرک «یکاولنگ» در ایالت بامیان قتل عام شده اند.

باماگو

خبرگزاری فرانسه ۲ اسفند - صدها مخالف جهانی سازی در حالی که نوارهای پارچه ای و پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که بر روی آنها نوشته شده بود: «بدهی ها را به نفع یک آموزش خوب لغو کنید»، «صندوق بین المللی پول - بانک جهانی - سازمان تجارت جهانی برابرند با فقر، ویروس ایدز و فاجعه» و «بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ملت‌های ما را به قتل می رسانند»، خواستار پایان یافتن سیاستهای غلط اقتصادی نهادهای پولی جهان شدند سران ۱۰ کشور آفریقایی دیروز نزدیک به ۵ ساعت پیرامون مبارزه با فقر با «کهلر» و «ولفسون» تبادل نظر کردند.

آنکارا

خبرگزاری فرانسه ۲ اسفند - بروز تنش در اجلاس شورای امنیت ترکیه میان رئیس جمهور و نخست وزیر این کشور را با بحران تازه سیاسی مواجه کرد.

این بحران بورس اسلامبول را بشدت تحت تأثیر قرارداد و باعث خروج ۴/۹ میلیارد دلار پول از کشور شد. «بولنت اجویت»، نخست وزیر ترکیه دقایقی پس از آغاز اجلاس ماهیانه شورای امنیت با حضور رهبران بلندپایه نظامی و دولتی، به همراه همه وزیرانش جلسه را ترک کرد و گفت با «احمد نجات سزر»، رئیس جمهور، بحران سختی را پیدا کرده است. او روز ۱ اسفند به خبرنگاران گفت: «رئیس جمهور به من حمله کرده و با نادیده گرفتن آداب و احترام، اتهامات سنگینی را به من وارد آورده است. این یک بحران مهم است و من عمیقاً متأسفم.» دولت ترکیه در اطلاعیه کوتاهی خواستار عذرخواهی علنی «سزر» شد. از دیگر سو، معترضان به سیاستهای صندوق بین المللی پول و مخالفان سرمایه داری جهانی دوشنبه در مقابل محل برگزاری اجلاس «گروه ۲۰» در اسلامبول تظاهرات کردند. اجلاس «گروه ۲۰» دوشنبه در سطح معاونین وزیران دارایی و بانک های مرکزی کشورهای عضو در اسلامبول گشایش یافت. در این اجلاس «استانی فیشر» معاون اول صندوق بین المللی پول و رئیس بخش اروپایی این صندوق نیز شرکت کرده است. ریاست فعلی این گروه را «پیل مارتین» وزیر دارایی کانادا عهده دار است.

مولداوی

رویتز ۷ اسفند - نتایج اولیه انتخابات پارلمانی، که دیروز در جمهوری مولداوی برگزار شد، حاکی از پیش افتادن حزب کمونیست این کشور و کسب اکثریت کرسیها برای تشکیل

کابینه جدید است. به گزارش رویتز، رئیس کمیته مرکزی انتخابات مولداوی در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد حزب کمونیست مولداوی با کسب ۵۴/۵۸ درصد آراء در مکان نخست قرار دارد. تحلیلگران پیش بینی می کنند که رأی دهندگان مولداوی از اقتصاد بازار، که بسیاری از آنان را به سوی فقر سوق داده است، روی گردان شده و به سوی سیستم کمونیستی که متضمن افزایش نظارت دولت بر اقتصاد و کنترل قیمتها است روی آورده اند.

مکزیک

خبرگزاریها ۸ اسفند - صدها نفر در محل برگزاری اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در مکزیک علیه جهانی سازی شعار دادند. شرکت کنندگان در اجلاس مجمع جهانی اقتصاد که بیشتر از صاحبان شرکت های چندملیتی و رؤسای نهاد مالی جهان تشکیل شده اند، روند اقتصاد جهان را بررسی خواهند کرد. روی پلاکاردی که تظاهرکنندگان با خود حمل می کردند، نوشته شده بود: «مرگ بر جهانی سازی».

این در حالی است که در روز بعد تظاهر کنندگان و پلیس بایکدیگر درگیر شدند و تعداد زیادی از آنان زخمی و مجروح شدند.

برلین

خبرگزاری فرانسه ۱۳ اسفند - پرونده مالی صدراعظم پیشین آلمان با تعیین ۳۰۰ هزار مارک جریمه محتمله اعلام شد. «کلای هلموت کهل» اعلام داشتند که صدراعظم سابق آلمان پرداخت این جریمه نقدی را قبول کرده است. «کهل» اعتراف کرده بود که بین ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ حدود دو میلیون مارک پول نقد از اهداء کنندگانی که نام آنها مخفی است، دریافت کرده اما بر خلاف قوانین حزبی، این پول را به صندوق حزب دمکرات مسیحی آلمان واریز نکرده است. به رغم یافشاری افکار عمومی و احزاب آلمان، صدراعظم سابق این کشور تاکنون از معرفی اهداء کنندگان این پول خودداری کرده است. گفتنی است «هلموت کهل» پس از اعلام قبول دریافت امانات و پرداخت جریمه نقدی تعیین شده باید با حضور در کمیسیون تحقیق مجلس نمایندگان فدرال آلمان به سوالات آنان نیز پاسخ دهد.

ایتالیا

خبرگزاری فرانسه ۱۴ اسفند - هزاران مخالف جهانی سازی در حاشیه نشست وزیران محیط زیست گروه ۸ در شهر «تریست» ایتالیا راهپیمایی و تظاهرات کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از تریست تظاهرات صلح امیز مخالفان جهانی سازی تحت محاصره نیروهای پلیس انجام گرفت. شهر تریست واقع در ساحل دریای

آدریاتیک در طول برگزاری نشست مسئولان هشت کشور بزرگ صنعتی عملاً تحت محاصره قرار داشت.

مخالفان جهانی سازی که تعداد زیادی از تظاهرکنندگان شهر «رم» نیز به آنها اضافه شده بودند با سردادن شعارهای «جنایتکاران»، «غیرمسئولان»، اعلام کردند که گروه ۸ سازمانی دموکراتیک و مشروع برای حکومت بر جهان نیست. در این حال، «خوسه ساراماگو» اندیشمند پرتغالی و برنده جایزه ادبیات نوبل طرح جهانی کردن اقتصاد را به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت، متأسفانه در شرایط کنونی تنها ده درصد از جمعیت دنیا بیش از ۷۰ درصد از تولید جهانی را مصرف می کنند. «ساراماگو» افزود: این آمار به آن معناست که ۹۰ درصد مردم دنیا محکوم به گذران زندگی با ۳۰ درصد باقیمانده هستند. برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۸ تصریح کرد در برنامه های جهانی کردن، اولویت انسان در نظر گرفته نمی شود، و گفت دلیل این امر وجود سه میلیارد انسانی است که با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی می کنند. این اندیشمند پرتغالی خاطرنشان کرد که اجرای برنامه های تعدیل شرکت ها به خروج هزاران کارگر انجامیده است اما هیچکس نگران این شرایط رقت بار نیست.

سوئیس

خبرگزاری فرانسه ۱۵ اسفند - سوئیسها به اقدام مردمی برای تسریع روند پیوستن به اتحاد اروپا «نه» گفتند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از برن، ابعاد این مخالفت که بیش از سه چهارم آرای ارائه شده (۷۶/۷ درصد) را در بر می گیرد، تحلیلگران سیاسی را متعجب و دولت سوئیس را که خواستار پیوستن هرچه سریعتر این کشور به اتحادیه اروپاست در محاصره قرار داده است.

مکزیکوسیتی

خبرگزاریها ۲۰ اسفند - پانزده هزار نفر از مردم «مکزیکوسیتی» پنجشنبه از کاروان صلح «فرمانده مارکوس» و چریکهای زاپاتیست او از جمله ۲۴ فرمانده دیگر در میدان مرکزی «میلیالتا» در ۲۰ کیلومتری پایتخت استقبال کردند. استقبال کنندگان پس از سخنرانی فرماندهان زاپاتیست فریاد برآوردند: «شما تنها نیستید.» زاپاتیستها راهپیمایی ۳ هزار کیلومتری خود را بدون اسلحه از ۲۵ فوریه آغاز و از ۱۲ ایالت مکزیک عبور کرده اند. این راهپیمایی با گردهمایی فردا در قلب «مکزیکو» پایان خواهد گرفت. «ویسنته فوکس»، رئیس جمهور مکزیک به «مارکوس» تضمین داده که از آزادی کامل بیان برخوردار خواهد بود و از او برای یک گفت و گوی رودررو دعوت کرده است. خبر دیگری حاکی است که مقامات مکزیک برای نشان دادن حسن نیت خود پنجشنبه ۱۹ زندانی دیگر زاپاتیست را هم آزاد کردند.

یادداشت و گزارش

محیط زیست ..

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق، ارگان سازمان چریکهای فدایی، خلق، ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است، اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که به امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

۷۵ فرانک فرانسه

۱۸ دلار آمریکا

۷ فرانک فرانسه

اروپا

آمریکا و کانادا

تک شماره

گزارش -

بقیه از صفحه ۱۱

اقوام ایشان بوده و در سپاه خدمت می کرده گفته است "این علامت آن است که زندانی مورد تجاوز قرار گرفته و بسیار مقاومت کرده است و به همین دلیل خاک و خون زیر ناخنهای او بوده است." او در ادامه گفت: "در قسمتی که من بودم ۱۱ نفر بودیم که ۸ نفر از ما اعدام شدند."

خانم رب در سخنان خود گفت که آنها از ما می پرسیدند آیا حاضرید تیر خلاص به دیگر زندانیان بزنید اگر می گفتیم نه می گفتند تو سر موضع هستی. دو زن که حکم اعدامی داشتند حاضر به مصاحبه شدند تا اعدام نشوند اما سه روز بعد از مصاحبه، آنان را اعدام کردند. حاکم شهر به یک زندانی زن گفته بود اگر یک ساعت صیغه من شوی حکم اعدامت را تغییر می دهم. زندانی دیگری که هنگام بازجویی چشمان او را بسته بودند و ناگهان متوجه می شود فردی به او دست می زند و او گریه کرده و نمی داند چطور بیهوش می شود اما فردای آن روز می گوید نمی دانم چه بلایی به سرم آمده ولی تمام بدنم درد می کند. هم چنین زنی که هم مادر بود و هم مادر بزرگ، بدون محکوم شدن مورد تجاوز قرار می گیرد."

خانم رب از شلاق زدن به عنوان روش اصلی رژیم برای شکنجه یاد کرد. سخنان تکان دهنده خانم رب حصار در دادگاه را شدیداً تحت تأثیر قرار داد به طوری که یک سکوت طولانی ناشی از خشم و نفرت نسبت به این جنایتکاران به وجود آمده بود.

لیلا

مقاله های رسیده

روح رضا پهلوی دوباره ظهور کرد - فرزاد پائیز

پشتازان راهبی - حمید ناجی

موانع آزادی در ایران - مسعودخواجه علی

ضرورت اتحاد و همبستگی - مسعود خواجه علی

دموکراسی ناتمام - فرزاد پائیز

زبونی یک رژیم درمانده و ... - منوچهر مرعی

"اشکال نداره" - فرید فتحعلیان

تفکیک مایکروسافت - اسد طاهری

معضل فلسطین، چشم انداز و راه حل - امیرابراهیمی

از کوزه همان بیرون تراود که در اوست - فرهادبشارت

الترناتیو جبهه دوم خرداد و ... - امیرص

بقیه از صفحه ۱۵

تربیت و آموزشهای عمومی مدرن، رفته رفته درخواستهای جامعه برای بهبود اوضاع بهداشت نیز افزایش پیدا کرد. در روزگار ما نیز ارزش منابع انرژی و دیگر ذخایر طبیعی به سرعت دارد اهمیت بیشتری می یابد. البته، بخشی از بی توجهی های رایج به محیط زیست، بر می گردد به عاداتها و اعتیادهای شخصی و خیلی از این عاداتها نیز مربوط می شود به نوع فرهنگ مصرفی اسراف و تبذیر، که چون فرهنگ حاکم است عمدتاً به نیازهای انباشت سود و سرمایه جواب می دهد. منتها، همین فرهنگ هم می تواند با تغییر و رشد درخواستها و فشار افکار عمومی دگرگون شود. در هر حال، یک یک این علتهای به طور مشخص نقش دارند. ولی، سوای اینها، یک وضعیت کلی هست که به تمام موانع و مشکلات فوق الذکر حساسی میدان می دهد. این واقعیت عبارتست از بی خبری و غفلت. بی خبری از آن چه به طور داریم جریان دارد، مرتب دارد پایه های حیات بر روی کره ارض و منابع بقای بشریت را مثل خوره می خورد. و غفلت نسبت به آن چه به صورت مثبت و مشکل گشا هم اکنون در دسترس می باشد و اگر مردم به اندازه کافی بخواهند و فشار بیاورند، می تواند به جریان افتد و راهگشا و چاره ساز بسیاری از تنگناها و مشکلات باشد. رفع این "بی خبری و غفلت"، دغدغه اصلی تمام جریانهای جدی زیست محیطی در جهان امروز و سازمانها و شخصتهای علاقمند به تحول و بهبود محیط زیست است. بیای این کار، همچون عبور از "هفتخوان رستم"، سخت و دشوار، بلکه غیرممکن است؟ البته دشواریها زیادند، ولی در هر بحرانی بخت برنده نیز وجود دارد. به قول شاعرانندیشمند آلمانی فردریش هلدلرین، "هرجا خطری باشد، نجاتبخش نیز همان جاست". هم اکنون، فهرستی بی پایان از ایده ها، اختراعات، طرحها، دیدگاهها و پیشنهادها وجود دارند که جهت پیشگیری از فاجعه های بیشتر، کاهش خسارها و خروج جامعه ها و کل کره ارض از بحرانهای زیست محیطی راه و چاره نشان می دهند. البته، باید این آگاهیها را در اختیار عموم قرارداد. حد اقل کاری که هر فرد و سازمان و جریان متعهد به حفظ محیط زیست می تواند انجام دهد، گستراندن اطلاعات و آگاهیهاست. جا افتادن مقوله محیط زیست و اکولوژی در زندگی روزمره توده مردم، از کودکی تا همیشه زندگی، خود شانس جدیدی جهت بهبود شرایط حیات بشر به وجود می آورد. اگر به ما باشد، اندیشه ها و چشم اندازهای محیط زیستی باید به اطلاع همه برسد.

بقیه از صفحه ۶

چیزش اقتصاد است. الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصاد است." اینها فرمایشات آن روزهای امام خمینی است که حتما در صحیفه نور مندرج و ثبت شده است. اکنون جناح هاز و مقام ولایت فقیه در تقابل با جناح رقیب بیش از همه بر حل مسائل و مشکلات اقتصادی مردم تاکید می کنند. بالاخره از دو حال خارج نیست یا امام خمینی الاغ بود که مدعی بود اقتصاد زیر بنای زندگی الاغ است یا کسانی از استوانه های نظام یا سربازان مشهور امام زمان، مثل پاسدار شریعتمداری که امروز بر مسائل اقتصادی اهمیت قائلند، به فرمایشات امام راحل در این زمینه، ارزشی قائل نیستند.

امروز نسل جوان با بلاهت پدران خود که مقلد و امت امام خمینی بودند بیعت نمی کند. نسل جوان حتی در تشکلهای دانشجویی دولتی مثل دفتر تحکیم وحدت دیگر مثل دهه ۶۰ حاضر نیست مطیع محض مقام رهبری و غره غره کننده مهملائی باشد که او از دهان متعفنش بیرون ریخته. گذشت آن زمان که اگر رهبر احم می کرد و خشم می گرفت عده ی در تبتانشان جیش و آن را خیس می کردند عده ی هم بیضتیشان به لوزتیشان می چسبید و خفقان می گرفتند. حالا همین دانشجویان دفتر تحکیم وحدت عملکرد رهبر را مورد حساسی قرار می دهند و به او تکلیف می کنند موضع خود را در برابر باند های چماقدار و اقدامات نهادهای سرکوبگر وابسته به رهبر روشن کند. خارج از این تشکل دولتی که دربر گیرنده بخش کوچکی از جمعیت دانشجویان است اوضاع چیز دیگری است. شعار «آزادی اندیشه همیشه همیشه، مرگ بر استبداد» شعاری است که در همه تظاهرات دانشجویی تکرار می شود. اکنون جناحهای رقیب مثل سگ به جان هم افتاده اند و هیچ راه «عقلایی» برای برون رفت از این بحران و تخاصمات در چشم انداز نیست. مردم به ابتکار خود از تضاد های جناحهای رژیم برای ضربه زدن به جناح یا چهرهای قلندر آن استفاده می کنند. مثل ضربه به فرستجانی در انتخابات مجلس رژیم یا چند مورد تظاهرات که به بهانه اعتراض به اقدامات هیات نظارت شورای نگهبان در انتخابات در دو سه شهر صورت گرفت و تبدیل به حمله به ساختمانهای حکومتی شد. امروز بیش از همیشه به روشنی می توان دید که کشتار و سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی و آزادخواهان باعث توقف مبارزات مردم برای دموکراسی و عدالت اجتماعی نشده و هر روز اعتراضات بیشتری در داخل و خارج علیه رژیم آخوندی صورت می گیرد. امروز بیشتر از همیشه می توان یقین داشت که بساط حکومت آخوندی محکوم به نابودی است.

نیست تردید زمستان گذرد

وزی اش پیک بهار

بهازازان گل سرخ

بی گمان می آید

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه را در آدرس بالا

مطالعه کنید

از بخش تصویرهای مربوط به جنبش

مردم فلسطین دیدن کنید

NABARD - E - KHALGH

No : 190 21. Mar . 2001 / Price: \$ 1 - 2 DM - 7 Fr

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: USA / 1- 703 904 78 10 / Italia / 39 - 085 802 23 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE
NABARD / Postbus 593 / 6700 AN-Wageningen / HOLLAND
NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND
NABARD / Postfach 102001 / 50460 Köln / GERMANY
NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادای فدایی فروردین ماه

رفقا: جواد سلاخی - حبیب مؤمنی - خشایار سنجری - منصور فرشیدی محمد معصوم خانی - بیژن جزئی - حسن ضیاء ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمدرضا کامیابی - غزال (پریدخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - یدالله سلسبیلی - ناصر توفیقیان - جلیل اراضی - بهرام آبی اتابای - عطا خانجانی - محمداراز (بهروز) - آراز محمد وردی پور - غفور عمادی - عبدالله صوفی زاده - بردی محمدکوسه غراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه - فیروز شکر - آنه بردی سرافراز - قربان (آرقا) شفیع - فیروز صدیقی - نور محمد شفیع - محمد رسول عزیزیان - پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور و ... در بیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

پروین افروزه - ۲۹ فروردین ۱۳۵۹
رویا علی پناه فرد - ۱ فروردین ۱۳۵۹
فرشته گل عنبریان - ۱ فروردین ۱۳۵۹
ناهید ملک محمدی - ۱۳۶۰
ماریا کاظمی - ۲۲ خرداد ۱۳۶۰
زهرا فرمانبردار - ۲۵ مرداد ۱۳۶۰
بهوش آذریان - ۳۱ خرداد ۱۳۶۰
فاطمه (طاهره) نوری - تیر ۱۳۶۰
اسمر آذری ۷ تیر ۱۳۶۰
روح انگیز عباس زاده - ۸ تیر ۱۳۶۰
مینا ضامنیان - ۱۰ مرداد ۱۳۶۰
مهین ضیاء شندی - ۲۶ مرداد ۱۳۶۰
نادره نوری - ۱۶ شهریور ۱۳۶۰
فریده شمشیر - ۱۶ شهریور ۱۳۶۰
جمیله نوری - شهریور ۱۳۶۰
ماهرخ یوسفی - ۲۷ شهریور ۱۳۶۰
ژیلا سیاب - ۷ مهر ۱۳۶۰
زهرا بیدشهری - ۸ مهر ۱۳۶۰
فریبا شفیع - ۱۳ مهر ۱۳۶۰
مریم توسلی - ۲۰ مهر ۱۳۶۰
فاطمه روغن چی - ۲۰ مهر ۱۳۶۰
فاطمه رخ بین - ۲۰ مهر ۱۳۶۰
مهوش جوکار - ۲۱ مهر ۱۳۶۰
سوزان نیکزاد - ۲۸ آبان ۱۳۶۰
آرامش - ۱۳۶۰
ژیلا رجایی - آبان ۱۳۶۰
سیما دریایی - ۸ آذر ۱۳۶۰
خاطره جلالی - ۵ دی ۱۳۶۰
فریده - ۱۳۶۱
اناکلدتی گوکلمانی - ۱۳۶۱
مهشید معتضد کیوان - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱
شهناز رونابی - ۲ شهریور ۱۳۶۱
مهین جهانگیری - ۵ آبان ۱۳۶۱
شهین احمدپور - زمستان ۱۳۶۱
مریم دژآگاه - ۴ آبان ۱۳۶۱
فاطمه محمدی - ۲۶ بهمن ۱۳۶۱
کبری حیدریان - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۲
ویدا (لیلا) گلی آبکناری - آذر ۱۳۶۲
سعیده کریمان - ۱۱ شهریور ۱۳۶۲
کتایون داد امیری - تابستان ۱۳۶۷

ما را در تکمیل و تصحیح این
لیست یاری کنید

اسامی تعدادی از زنان جنبش پیشتاز فدایی که در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه و رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه به شهادت رسیدند.

این زنان قهرمان، آگاهانه پای در مسیر پیکار برای رهایی نهادند و در مبارزه برای تحقق آزادی، استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم جان باختند.
مهرنوش ابراهیمی - ۱۰ مهر ۱۳۵۰
پوران یداللهی - ۱۳۵۱
شیرین معاضد(فضیلت کلان) - ۶ اردیبهشت ۱۳۵۳
مرضیه احمدی اسکویی - ۶ اردیبهشت ۱۳۵۳
نزهت السادات روحی اهنگران - ۶ تیر ۱۳۵۴
پروین فاطمی - ۸ مهر ۱۳۵۴
فاطمه (شمسی) نهانی - ۲۱ دی ۱۳۵۴
فاطمه آفرینیا - ۶ بهمن ۱۳۵۴
لادن آل آقا - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۵
مهوش حاتمی - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۵
عزت غروی - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۵
فریده (فاطمه) غروی - اردیبهشت ۱۳۵۵
زهرا مدیر شانه چی - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۵
میترا بلبل صفت - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۵
مریم شاهی - ۵ خرداد ۱۳۵۵
مینا طالب زاده شوشتری - ۸ خرداد ۱۳۵۵
نسترن آل آقا - ۲ تیر ۱۳۵۵
گلرخ مهدوی - ۲ تیر ۱۳۵۵
فاطمه حسینی - ۸ تیر ۱۳۵۵
طاهره خرم - ۸ تیر ۱۳۵۵
اعظم السادات روحی اهنگران - ۷ شهریور ۱۳۵۵
زهرا آقایی قلهکی - ۲۹ آذر ۱۳۵۵
صبا بیژن زاده - ۹ اسفند ۱۳۵۵
پریدخت (غزال) آیتی - ۱۰ فروردین ۱۳۵۶
سیمین پنجه شاهی - ۱۰ فروردین ۱۳۵۶
نسرین پنجه شاهی - ۴ اردیبهشت ۱۳۵۶
رفعت معماران بنام - ۶ خرداد ۱۳۵۷
افسرالسادات حسینی - ۱۰ تیر ۱۳۵۷
نادره احمد هاشمی - ۱۰ تیر ۱۳۵۷
سیمین توکلی - ۱۰ تیر ۱۳۵۷
خاطره جلالی - ۵ دی ۱۳۵۷

یاد و خاطره شهادای عملیات قیام ایلام گرامی باد

در جریان نبردهای قهرمانانه قیام ایلام، تنی چند از رزمندگان دلیر مجاهد خلق به شهادت رسیدند. براساس اطلاعیه اول اسفند ۱۳۷۹ ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور، در این عملیات حماسی "فرمانده دلاور هاشم هاشمی و فرزند دلیر مردم ایلام، مجاهد خلق جلال موسوی و مجاهد خلق کاظم نیاکان، فرزند مجاهد شهید حیدر نیاکان که در سال ۱۳۶۱ در تهران با نارنجک در میان مزدوران به عملیات مقدس انتحاری مبادرت نمود" به شهادت رسیدند. مزدوران سرکوبگر رژیم هم چنین با پرتاب نارنجک به خانه یکی از شهادای مجاهد خلق، فلاح زمانی از هواداران مجاهدین و یک تن دیگر را به شهادت رساندند. لازم به یادآوریست که عملیات بزرگ قیام ایلام ۱۶ سلسله عملیات نظامی بود که از روز ۳۰ بهمن تا روز ۷ اسفند ۱۳۷۹ در شهر ایلام توسط رزمندگان مجاهد خلق صورت گرفت.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت این رزمندگان دلیر مجاهد خلق را به خانواده آنان و تمامی رزمندگان دلیر راه آزادی و سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیت می گوید.

عملیات بهار بزرگ - شماره ۱

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: در آستانه نوروز، ساعت ۷ بعد از ظهر شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۷۹ واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، مقر فرماندهی نیروی انتظامی منطقه شمال غرب تهران را در تقاطع بزرگراه های شیخ فضل الله و آل احمد، با به کار گرفتن تفنگهای نارنجک انداز و رگباری از نارنجکهای سرفنگی، در هم کوبیدند و خسارتهای زیادی به آن وارد آوردند. این تهاجم دلیرانه که برای نخستین بار با به کار گرفتن تفنگهای نارنجک انداز در قلب تهران انجام شد، در پاسخ به دستگیری و ضرب و شتم گسترده جوانان در جشنهای آخرین چهارشنبه سال، صورت گرفت. رادپوی رژیم آخوندی شمار دستگیر شدگان را فقط در تهران ۱۲۰۰ تن اعلام کرد، در حالی که تعداد واقعی دستگیر شدگان بیشتر از اینهاست.
تهاجم قهرمانانه به مقر نیروی انتظامی شمال غرب تهران که هفتمین عملیات مجاهدین ضمن هفته گذشته در تهران علیه مراکز ستم و سرکوب آخوندی است.